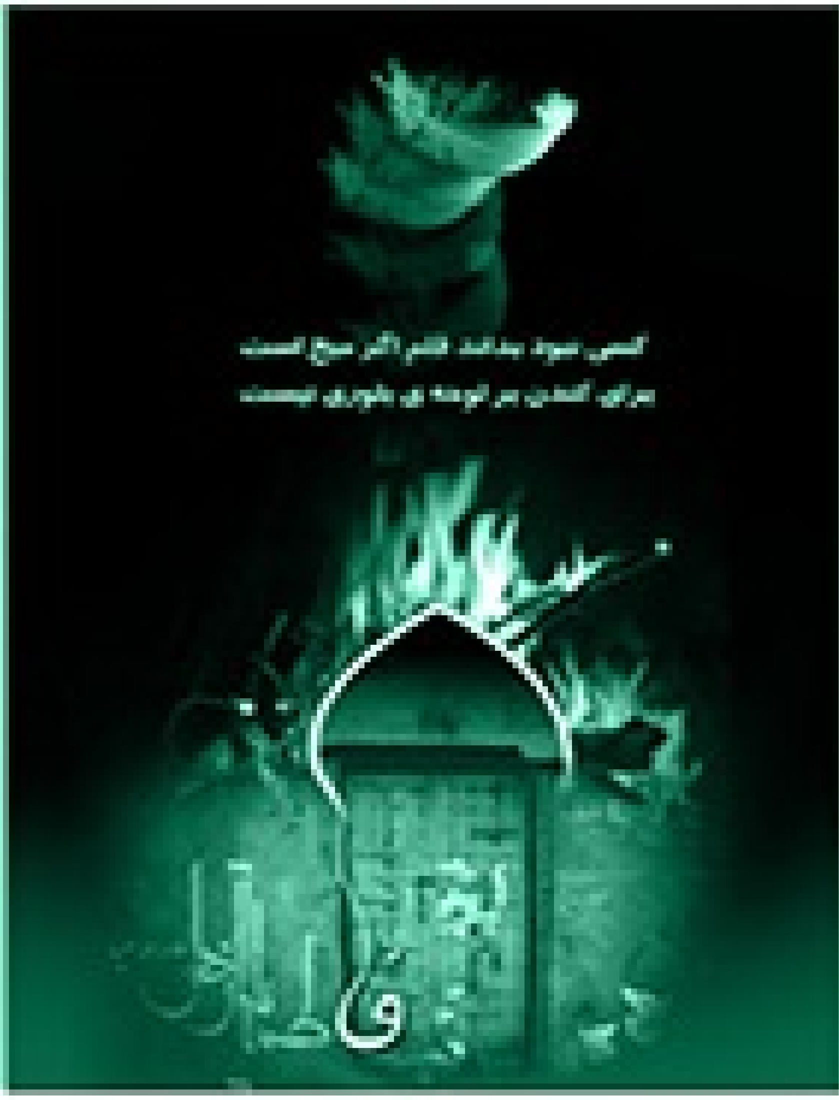


نگاهی به زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام

مرکز پژوهش های اسلامی صدا وسیما

فروغ جاودانه

جمعی از نویسندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

فروغ جاودانه: نگاهی به زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فروغ جاودانه: نگاهی به زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : فروغ جاودانه: نگاهی به زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام/ جمعی از نویسندگان.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴.

مشخصات ظاهری : [۴]، ۱۳۰ ص.: جدول.

فروست : مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۹۰۶.

شابک : ۱۴۰۰۰ ریال ۹۶۴-۸۶۰۶-۸۷-۰ :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۲۹] - ۱۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق.

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- سرگذشتنامه

موضوع : فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- کلمات قصار

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۲۷/۲/ف۳۵ ۱۳۸۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۴۴۵۵۶۴

ص:۱

اشاره

فروغ جاودانه: نگاهی به زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام / جمعی از نویسندگان؛ [برای] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. _ قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.

۱۳۰ص. (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۹۰۶)

ISBN ۹۶۴-۸۶۰۶-۸۷-۰: ۹۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. ۱۲۹ _ ۱۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. فاطمه زهرا علیهاالسلام، ۱۳؟ قبل از هجرت _ ۱۱ق. _ ، سرگذشتنامه. ۲. فاطمه زهرا علیهاالسلام، ۱۳؟ قبل از هجرت _ ۱۱ق. _ کلمات قصار. ۳. فاطمه زهرا علیهاالسلام، ۱۳؟ قبل از هجرت _ ۱۱ق. _ خطبه ها. الف. صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما. ب. عنوان.

BP۹۷۳/۲۹۷ ۲/۲۷ / ۴ف

ص:۲

فروغ جاودانه

کد: ۹۰۶

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

چاپ: امیران

صحافی: منتظرالمهدی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۹۰۰ تومان

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

شابک: ۰-۸۷-۸۶۰۶-۹۶۴ISBN: ۹۶۴-۸۶۰۶-۸۷-۰

ص:۳

دیباچه

... آن گاه که ستاره وجودت در شبانگاه ظلمانی تاریخ درخشید، آن گاه که آوای غم انگیز فریادت، از ورای قرن ها جهل و تاریکی به گوش جانمان رسید و آن گاه که در مذبح عاشقان خدا، قطره های شمعِ فروزان ایثار و محبتت به دریای بی کران عشق بَیِدَل گشت، دریافتم که تو فروغ جاودانه ای؛ فروغی که هیچ کفر و ظلمتی، جوش و خروش و نور و فروغش را خاموش نخواهد کرد.

فروغ جاودانه، نوشتاری است کوچک در وصف بانویی بزرگ که قلم را یارای توصیفش نیست. امید آنکه گامی کوتاه در بازشناسیِ وجود یاس عصمت برداشته باشیم و در ایام شهادت و ولادت بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام با برنامه سازان گرامی همراه شویم.

این مجموعه، با همکاری صمیمانه پژوهشگران ارجمند _بخش پژوهش خواهران _مرکز پژوهش ها و تصحیح و تکمیل جناب _حجت الاسلام سید محمدحضرت موسوی _فراهم شده است.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش گفتار

زندگی پرافتخار و الهام بخش حضرت فاطمه علیهاالسلام، سرمشق زیبا و جامعی برای همه انسان های با ایمان، به ویژه بانوان خداجوست. او در اخلاق و معنویت، خرد و اندیشه، دانش و بینش، آزادگی و شهامت، جمال و کمال و ایمان، سرآمد همه زنان عالَم بود.

او دختر نمونه، همسر نمونه، مادر نمونه و انسان عدالت خواهی است که همه فضیلت طلبان به ویژه دختران و زنان آزادمنش، درس آزادگی و آیین زندگی را از او می آموزند.

او شخصیت و رشد زن را نه در زرق و برق های زندگی و جامه های رنگارنگ، بلکه در بینش و منش مترقی و تربیت فرزندان شایسته برای ساختن جامعه ای آزاد و دنیایی زیبا و آراسته به پاکی جست وجو می کرد.

او با زندگی ساده و سراسر آگاهی و فضیلت خود ثابت کرد که یک زن می تواند همه افتخارهای انسانی را به دست آورد و در همان حال، شیوه زندگی اش سرمشق همگان باشد؛ چنان که امام مهدی(عج)، آن حضرت را سرمشق درخشان و نیکوی خود معرفی کرده است.(۱)

آری، نام پرافتخار او پیوسته با خطوطی زرین بر تارک صفحه های طلایی تاریخ، زینت بخش جهان هستی خواهد بود و کلمات ناتوان، توان بیان ویژگی های زهرا علیهاالسلام را ندارند.

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ ه . ق، چ ۲، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

نوشتار حاضر تنها انگشت اشاره ای به اقیانوس بی کران فضایل و مناقب آن حضرت، با هدف به کاربستن در برنامه های صدا و سیما است. این مجموعه در هشت فصل تنظیم شده است. امید آنکه با تبیین ویژگی های دخت پیامبر گرامی اسلام، گامی هر چند کوتاه در گسترش فرهنگ ناب اسلامی برداشته باشیم.

فصل اول: سیمای فاطمه علیهاالسلام

۱- از ولادت تا شهادت

فاطمه زهرا علیهاالسـلام، بانوی بانوان دو جهان، عطای خداوند سبحان، کوثر پربهای قرآن، همتای امیرمؤمنان علی علیه السلام است.

زادروز: بیستم جمادی الثانی، سال دوم یا پنجم بعثت؛

زادگاه: مکّه معظّمه؛

پدر: محمد مصطفی صلی الله علیه و آله؛

مادر: خدیجه کبری علیهاالسلام؛

همسر: علی مرتضی علیه السلام؛

پسران: امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام؛

دختران: زینب و اُمِّ کلثوم علیهماالسلام؛

زمان شهادت: سیزدهم جمادی الاولی یا سوم جمادی الثانی سال یازدهم هجری؛

آرامگاه: محل نامعلومی در مدینه.

۲- مولود بهشتی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه را بسیار می بوسید. عایشه از این کار تعجب کرد. حضرت فرمود:

وقتی در شب معراج وارد بهشت شدم، جبرئیل میوه ای بهشتی برایم آورد که از آن خوردم. خلقت فاطمه از آن میوه است و من از فاطمه بوی بهشت استشمام می کنم. هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم، فاطمه را می بویم.(۱)

شکل گیری نطفه فاطمه از میوه بهشتی در منابع شیعه و اهل سنت، مشهور است. در برخی روایت ها نیز آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیش از انعقاد نطفه فاطمه، چهل روز، روزه گرفت و در روز چهلم با غذای بهشتی افطار کرد.(۲)

۳- سخن گفتن پیش از ولادت

پس از ازدواج خدیجه با پیامبر، زنان مکّه با خدیجه قطع رابطه کردند. خدیجه از تنهایی احساس ناراحتی می کرد تا اینکه دوران بارداری او فرا رسید. در آن روزها، فاطمه از درون رَحِم مادر با او سخن می گفت و به صبر سفارش می کرد. در یکی از روزها، هنگامی که خدیجه با فرزندش فاطمه گفت و گو می کرد، پیامبر بر او وارد شد و از او پرسید: «با چه کسی سخن می گویی؟» خدیجه پاسخ داد: «جنینی که در رَحِم دارم، با من سخن می گوید و مونس تنهایی من است».

۱- محب الدین طبری، ذخائر العقبی، مصر، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶، ص ۳۶.

۲- بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

پیامبر فرمود: «ای خدیجه! جبرئیل اکنون به من خبر می دهد که این فرزند، دختر است و امامان پاک از نسل او پدیدار خواهند گشت و آنان جانشینان من در زمین خواهند بود».(۱)

یادآوری می شود ماجرای سخن گفتن فاطمه با خدیجه در رحم مادر، در برخی از کتاب های اهل سنت نیز نقل شده است.(۲)

۴- ولادت فاطمه

هنگام ولادت فاطمه علیهاالسلام فرا رسید و زنان قریش به یاری خدیجه نیامدند. به فرمان خداوند، چهار زن از زنان بزرگ بهشت (ساره، همسر حضرت ابراهیم علیه السلام؛ آسیه، همسر فرعون؛ مریم، مادر عیسی علیه السلام؛ کلثوم، خواهر حضرت موسی علیه السلام) بر بالین خدیجه ظاهر شدند و او را یاری کردند. فاطمه، پاک، پا به دنیا نهاد. در این هنگام، گروهی از حوریان بهشتی بر بالین فاطمه ظاهر شدند و او را با آب کوثر شست وشو دادند و در پارچه ای سفید پیچیدند. ناگاه فاطمه به سخن آمد و گفت: «شهادت می دهم که خدایی جز پروردگار یگانه نیست و شهادت می دهم که پدرم، سرور پیامبران و شوهرم، سرور امامان و فرزندانم، سرور و بزرگان امت اسلامند.» سپس بر حوریان سلام کرد و آنان به فاطمه لبخند زدند.(۳)

۱- محمد بن علی صدوق، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۵۳.
۲- ذخائر العقبی، ص ۴۵؛ شیخ سلیمان قندوزی، ینابیع المودّه، قم، مکتبه البصیرتی، ص ۱۹۸.
۳- امالی، ص ۲۵۳؛ ینابیع المودّه، ص ۱۹۸ با کمی تفاوت.

۵- فرزندان پیامبر از خدیجه علیهاالسلام

حضرت خدیجه، چهار دختر به نام های _فاطمه_، _اُمِّ کلثوم_، _رُقیّه_ و _زینب_ و دو پسر به نام _عبدالله_ و _قاسم_ داشت که هر دو پسر در کودکی از دنیا رفتند. امام باقر علیه السلام می فرماید:

آن گاه که فاطمه ولادت یافت، خداوند متعال به فرشته ای چنین امر کرد: زبان محمد را به سخن بازگشای تا نام دختر خود را «فاطمه» برگزیند.(۱)

بر اساس روایت های بسیار، راز این نام را در جدایی فاطمه و فرزندان و دوستدارانش از آتش دوزخ می یابیم، چنان که در روایتی آمده است:

انَّما سُمِّیَتْ فاطمهُ، فاطمهَ، لاَنَّ اللّهَ _ عَزَّوجَل _ فَطَمَها وَ مَن اَحَبَّها مِنَ النّار.(۲)

همانا فاطمه، فاطمه نامیده شد؛ زیرا وی و دوستدارانش از آتش جدا شده اند.

نام ها و لقب های مبارک حضرت فاطمه علیهاالسلام

جنبه های گسترده وجود پرفیض فاطمه، ایشان را شایسته نام ها و لقب های نورانی بسیاری کرده است که مفاهیم اخلاقی و تربیتی هر یک، آگاهی بخش و سازنده امت است. در بیانی از امام صادق علیه السلام، این اسامی به این ترتیب بیان شده است: «فاطمه، صدّیقه، مُبارکه، طاهره، زَکیّه، راضیه، مرضیّه،

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳.

۲- احمد صادقی اردستانی، فاطمه، الگوی زن مسلمان، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، چ ۲، ص ۴۵؛ محمد بن علی صدوق، علل الشرایع، مترجم: جواد ذهنی، قم، مؤمنین، ۱۳۸۰، ج ۱، صص ۵۸۲، ۵۸۴ و ۵۸۶؛ ینابیع الموده، ص ۱۹۳.

محدَّثه و زهرا».(۱)

«صدّیقه اش» نامیده اند؛ زیرا صداقت، ویژگی همیشگی ایشان در زندگی بود، چنان که از عایشه چنین نقل شده است: «هرگز کسی را راست گوتر از فاطمه علیهاالسلام به جز پدرش ندیده ام».(۲)

«مبارکه» نام گرفت؛ چرا که فاطمه، منشأ خیر و فراوانی نسل پیامبر بود. از زهرای اطهر علیهاالسلام و اولاد وی، نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنان فزونی یافت که تعدادشان از شماره بیرون است و این برکت تا قیامت نیز ادامه خواهد یافت.

«طاهره»، لقب دیگر ایشان است که گواه طهارت بانوی اسلام از هرگونه ناپاکی، گناه و پلیدی است. خداوند در آیه: «إِنَّما یُریدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهیرًا؛ همانا خدا می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر]بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» (احزاب: ۳۳) که به «آیه تطهیر» مشهور است، به پاکی فاطمه علیهاالسلام، پدر، همسر و فرزندانش گواهی داده است.

«زکیّه» به یک معنا، از تهذیب روح و پاکی نفس ایشان حکایت می کند و گویای تعالی مقام انسانی اوست و به معنای دیگر، نمایانگر برکاتی است که از آن وجود مقدّس جوشیده است.

مقام رضایت زهرا علیهاالسلام در برابر تقدیرها و خواست حکیمانه خداوندی

۱- محمد بن علی صدوق، خصال، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۴۱۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰؛ فاطمه، الگوی زن مسلمان، ص ۴۶.

۲- فاطمه، الگوی زن مسلمان، صص ۵ و ۶ ؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸۴ .

ـ که ایشان را مشمول آیه «یا اَیَّتُها النَّفسُ المُطمئِنَّهُ ارْجِعی اِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرضِیَهً؛ ای نفس مطمئنه خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد.» (فجر: ۲۷ و ۲۸) کرده ـ نامی چون «راضیه» را شایسته مقامش ساخته است.

ایمان خالصانه و مجاهدت فاطمه علیهاالسلام در انجام دادن اَعمال عبادی، رعایت حقوق دیگران، اَدای تکلیف الهی و اجتماعی، ایشان را به درجه عالی «مرضیّین» رسانده بود، به گونه ای که پروردگار عالمیان و رسول خدا و مؤمنان از او راضی و خشنود بودند و به همین سبب، او را «مرضیّه» نیز می خواندند.

فاطمه، «محدِّثه» بود؛ زیرا در رَحِم مادر با وی سخن می گفت و محدَّثه بود؛ چرا که فرشتگان آسمان به میهمانی اش روانه می شدند و همچون مریم ـ دختر عمران ـ با او سخن می گفتند. در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

فاطمه را «محدَّثه» نامیدند؛ زیرا فرشتگان آسمان بر ایشان فرود می آمدند و با ایشان گفت وگو می کردند، همان گونه که مریم ـ دختر عمران ـ را مخاطب قرار داده اند. پس فرشتگان به ایشان گفتند: ای فاطمه! خدا تو را انتخاب کرده و از همه زنان عالم پاک تر قرار داده است.(۱)

او را «زهرا» می گفتند؛ زیرا آن گاه که خداوند ایشان را با قدرت و عظمتش آفرید، نور آن بانوی بزرگ، آسمان ها و زمین را روشن ساخت، به گونه ای که چشم فرشتگان را خیره کرد و آنان را در برابر این بزرگی و

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۸؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۹۴؛ فاطمه، الگوی زن مسلمان، صص ۵۲ و ۵۳.

روشنی به سجده افکند.(۱) در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام فرموده است:

او «زهرا» نامیده شد؛ زیرا هر گاه در محرابش به عبادت می ایستاد، نورش بر اهل آسمان پرتو می افکند، چنان که نور ستارگان بر اهل زمین پرتو می افکند.(۲)

برخی نیز درخشش چهره حضرت را مسمّای نام زهرا دانسته اند.(۳)

و بالاخره او را فاطمه نامیده اند؛ زیرا خدای عزّ و جلّ، او و دوستانش را از آتش دوزخ برگرفته است.(۴)

با استفاده از روایت ها می توان به نام های دیگر حضرت چون: _حِصان، حُرّه، عَذْراء، بَتول، حَوْراء، مریم کبری، منصوره و انسیه_ نیز اشاره کرد که هر یک، نشانی از دریای بی کران وجود حضرت زهرا علیهاالسلام هستند.

این مفاهیم ارزشمند به ما می آموزد که صداقت و راستی «صدّیقه» را به خاطر بسپاریم و رشد و برکت «مبارکه» و پاکی «طاهره» را پیوسته در نظر داشته باشیم. تزکیه و تهذیب «زکیّه» را شیوه زندگی سازیم؛ خشنودی خداوند و رضایت خلق خدا را در سایه «راضیه» و «مرضیّه» هرگز فراموش نکنیم؛ زمینه دریافت انوار و الطاف الهی را به برکت «محدّثه» در نهاد

ص:۱۳

۱- فاطمه، الگوی زن مسلمان، ص ۵۷؛ علل الشرایع، ج ۱، صص ۵۸۶ و ۵۸۷.
۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲؛ علل الشرائع، ج ۱، ص ۵۹۰؛ عبدالرسول شریعتمداری، نخبه البیان فی تفضیل سیده النسوان، بی جا، بی نا، بی تا.
۳- رشید الدین محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم، علامه، ج ۳، صص ۱۱۰ _ ۱۱۱.
۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵.

خویش فراهم کنیم و فاطمه را الگوی کامل خویشتن قرار دهیم.(۱)

۶- کودکی فاطمه علیهاالسلام

فاطمه علیهاالسلام در خانه بزرگ ترین انسان هستی پرورش یافت. پدرش، محمد مصطفی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیام آور تکامل و تعالی الهی بشر بود. مادرش نیز خدیجه، بانوی بزرگ و نخستین زنِ مسلمان تاریخ بود. فاطمه از همان کودکی در مکتب وحی به تحصیل دانش پرداخت. پدرش ــ برترین معلم بشر ــ نور وحی را بر فاطمه می افکند و قلب پاک را مالامال حقایق الهی می کرد. گوش رازآشنای فاطمه، رازها را می شنید و از لب های پرمهر پدر، تفسیر هستی می آموخت. پدرش برترین شیوه های تربیتی را در پرورش او به کار می بست. او را ــ و حتی دست هایش را ــ می بوسید و می فرمود: «فاطمه پاره تن من است».

از همان آغاز، محیط برای او الهام بخش مقاومت راستین موحّدان بود. روزهای کودکی فاطمه زهرا علیهاالسلام با اوج بحران ها و شکنجه ها هم زمان بود. هر لحظه خبری تازه از شکنجه یاران پیامبر می رسید: خبر شهادت سمیّه و یاسر، خبر تازیانه زدن بر پشت بِلال حبشی و گاه حتی صدای ناله شکنجه شدگان به گوش می رسید که اینها قلب مهربان فاطمه علیهاالسلام را به درد می آورد. گاه تهدیدها و آزارها به طور مستقیم متوجه پیامبر و خانواده اش بود. دشمنان سنگ دل، خاک یا خاکستر بر سر مبارک پیامبر می پاشیدند. گاه در حجر اسماعیل اجتماع داشتند و به بت ها سوگند می خوردند که هرجا

۱- فاطمه، الگوی زن مسلمان، ص ۵۹.

«محمّد» را پیدا کنند، او را به قتل برسانند. هنگامی که فاطمه علیهاالسلام این گونه خبرها را می شنید، به اطلاع پدر می رسانید تا بیشتر از خود مراقبت کند.

روزی پیامبر در مسجدالحرام در سجده بود که ابوجهل شماری از اراذل را تحریک کرد تا شکمبه گوسفندی را آوردند و بر سر حضرت افکندند. سپس ابوجهل و اطرافیانش با صدای بلند خندیدند و پیامبر را مسخره کردند.

بعضی از یاران حضرت، منظره را دیدند، ولی توانایی دفاع نداشتند. هنگامی که این خبر به گوش دختر کوچکش، فاطمه علیهاالسلامرسید، به سرعت به مسجدالحرام آمد و با شجاعت ویژه ای که داشت، پدر را یاری رساند و ابوجهل و یارانش را با شمشیر زبان، مجازات و نفرین کرد.(۱)

۷- در شعب ابی طالب

شکنجه ها طاقت فرسا بود، هرچند هرگز توان زدودن ایمان و استقامت مؤمنان را نداشت. مشرکان در سال هفتم بعثت، پیمان محاصره اقتصادی را امضا کردند و پیامبر و یاران و خاندانش مجبور شدند به «شعب ابی طالب» پناهنده شوند.(۲)

۱- ناصر مکارم شیرازی، زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، مشهد، انجمن محبان الفاطمهس، ۱۳۷۱، چ ۴، ص ۴۱، به نقل از: صحیح بخاری، ج ۵ ، ص ۸ .
۲- محمد قاسم نصیر پور، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۳؛ عبدالملک ابن هشام، سیره النبویه، مصر، مطبعه المصطفی الحلبی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۳۷۶؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، تاریخ طبری بیروت، مؤسسه الاعلمی، ج ۲، ص ۷۴.

در شعب، اتاق ها و سایه بان های مناسب زندگی وجود نداشت. در گرمای تابستان، آتش بر سرشان می بارید و در سرمای زمستان برخود می لرزیدند و حتی لباس و تن پوش مناسبی در اختیار نداشتند. آذوقه با دشواری فراوان تهیه می شد. گاه یک دانه خرما را چند تن بر دهان می گذاردند و اندکی می مکیدند تا مختصر رمقی بگیرند. فریاد کودکان از گرسنگی بلند بود.(۱)

سه سال از سال های کودکی فاطمه در این شرایط سخت و جانکاه گذشت. او در سنگلاخ های دره ابوطالب، شکیبایی و مقاومت را فرا گرفت. فریاد کودکان گرسنه را می شنید و خود نیز طعم گرسنگی را می چشید.

۸- مرگ مادر

سرانجام با امداد خداوند و خورده شدن متن قرارداد محاصره اقتصادی به وسیله موریانه ها، محاصره اقتصادی پایان یافت و مسلمانان به خانه هایشان بازگشتند(۲) و شادکامی نمودار گشت، ولی دو حادثه دردناک، قلب مبارک فاطمه علیهاالسلام را آزرده ساخت. ابتدا ابوطالب، حامی بزرگ پیامبر از جهان رخت بربست و به فاصله کوتاهی، مادر عزیزش، خدیجه علیهاالسلام. این دو حادثه به قدری غم انگیز بود که آن سال را «عام الحزن» (سال اندوه) نام

ص:۱۶

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۳۳؛ سیره النبویه، ج ۲، ص ۱۷.

۲- زندگانی فاطمه زهراس، ص ۳۳؛ احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۹۴، چ ۴، ج ۲، صص ۲۶ و ۲۷.

نهادند.(۱)

فـاطمه در فراق مـادر می سوخت و به یاد او اشک می ریخت. پیامبر برای جبران فراق مادر، روز به روز بر محبت به فاطمه می افزود. شب ها تا فاطمه را نمی بوسید، به خواب نمی رفت و بوسه پدر بود که به فاطمه آرامش می داد.(۲)

شایـد هیـچ کـدام از حوادث تلـخ و ناگوار زنـدگی، به اندازه مرگ مادر برای فاطمه مصـیبت بار و غم انگیز نبود، او در فراق مادر چنان می سوخت و غمگین بود که خدا برای آرامش قلب کوچکش، پیام تسلیت فرستاد. آن گاه که پیامبر می خواست پیکر بی جان خـدیجه را دفن کنـد، کنار قبرش آمـد و پیش از به خاک سـپاری او، به قبرش فرود آمد. فاطمه که دامان پدر را گرفته بود و دور او می گشت، پرسـید: پدر جان! مادرم کجاست؟ و پیامبر پرسش او را بی پاسخ گذاشت. او به سوی دیگران رفت و از آنان سـراغ مادر پرمهر خویش را گرفت. در این هنگام، جبرئیل فرود آمـد و به پیامبر خبر داد: «پروردگارت به شـما فرمـان می دهـد که سـلام مـا را به فـاطمه برسان و به او بگو مادرش، خـدیجه اینک در بهشت زیبا و پرطراوت خـدا است... .» پیامبر نیز فاطمه را در آغوش گرفت و مورد محبت قرار داد و پیام خدا را به او

ص:۱۷

۱- زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۳۴؛ سیره النبویه، ج ۲، ص ۵۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰.

۲- محمد مقیمی، فاطمه زهرا علیهاالسلام، بنیان گذار مکتب اعتراض، تهران، سعدی، ص ۴۷.

رسانید.(۱)

پس از رحلت ابوطالب و خدیجه، سختی ها بر پیامبر صلی الله علیه و آله شدت یافت و آزار دشمنان بیشتر شد. گاه سنگش می زدند و خون آلودش می کردند. گاهی به چهره مبارکش خاک می پاشیدند و ناسزا می گفتند و در این میان مهم ترین حامی پیامبر، فاطمه علیهاالسلام بود.

روزی مردی از قریش بر سر مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله خاک ریخت. آن حضرت با سر و لباس خاک آلود وارد خانه شد. دخترش برخاست و در حالی که خاک را از سر و صورت و لباس پدر پاک می کرد، می گریست. پیامبر فرمود: «دخترم گریه نکن، خداوند پشتیبان پدر توست».(۲)

وقتی مشرکان پیامبر را آزار می دادند و خبر به فاطمه علیهاالسلام می رسید، او به سرعت برای حمایت پدر از خانه بیرون می رفت. این وقایع زمانی اتفاق می افتاد که فاطمه علیهاالسلام تنها حدود هشت سال از عمر مبارکش می گذشت.

۹- هجرت فاطمه علیهاالسلام

پس از هجرت پیامبر به مدینه، علی علیه السلام، مادرش ـ فاطمه بنت اسد علیهاالسلام ـ ، فاطمه دختر پیامبر و فاطمه دختر زبیر را در هجرت به مدینه همراهی کرد. در این هجرت خطرناک که هر لحظه بیم حمله دشمنان

۱- سید محمدکاظم قزوینی، فاطمه الزهرا علیهاالسلام؛ از ولادت تا شهادت، مترجم: علی کرمی، قم، مرتضی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸؛ یعقوبی در تاریخ خود ج ۲، صص ۲۹ و ۳۰ این قضیّه را نیز به طور خلاصه نقل کرده است.
۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۳۵؛ سیره النبویه، ج ۲، ص ۵۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۰ .

می رفت، فاطمه مسیر طولانی ۴۶۸ کیلومتری مکه به مدینه را زیر آفتاب سوزان پیمود و در مدینه به پدرش پیوست.(۱)

۱۰- ازدواج فاطمه علیهاالسلام

فاطمه علیهاالسلام به دلیل شخصیت ممتاز و ارجمندش، خواستگارانِ مهمی داشت، ولی هیچ کس جز علی علیه السلام همتای او نبود. علی بن ابی طالب علیه السلام که یکی از خواستگاران مهم حضرت زهرا علیهاالسلام بود، می فرماید: ابوبکر و عمر پیش من آمده و گفتند: ای کاش محضر رسول خدا می رفتی و از فاطمه خواستگاری می کردی؟ من نزد آن حضرت آمدم. حضرت چون مرا دید، خندید و فرمود: یا علی! مقصودت از این آمدن چیست؟ گفتم: یا رسول اللّه، من پسرعموی شما هستم، در اسلام سابقه دارم و شما را یاری، و در راه خدا جهاد کرده ام.

فرمود: یا علی، درست گفتی، تو بالاتر از اینها هستی. گفتم: یا رسول الله، از شما درخواست ازدواج با فاطمه را دارم. فرمود: یا علی پیش از تو کسانی از فاطمه خواستگاری کرده اند و در همه موارد، فاطمه اظهار کراهت کرده است، ولی تو منتظر باش تا بازگردم. رسول اللّه صلی الله علیه و آله به اتاق فاطمه رفت. فاطمه به پا خاست، ردای حضرت را گرفت و کفشش را بیرون آورد و آب وضو تهیه کرد، حضرت وضو گرفت. سپس فاطمه پاهای آن حضرت

۱- همان، ص ۳۶؛ سیره النبویه، ج ۲، ص ۱۳۸؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۰۶؛ احمد بن یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

را شست و نشست.

سپس پیامبر فرمود: فاطمه عزیزم! پاسخ داد: لبّیک لبّیک یا رسول الله! فرمود: علی بن ابی طالب کسی است که قرابت و فضل و اسلام او را شناخته ای. من از پروردگارم خواسته ام تو را به بهترین و محبوب ترین خلقش تزویج کند. علی از تو خواستگاری می کند، نظرت چیست؟

فاطمه ساکت شد، ولی روی برنگردانید و رسول اللّه صلی الله علیه و آله در چهره اش نارضایتی احساس نکرد. آن گاه برخاست و گفت: اللّه اکبر، سکوت فاطمه نشان دهنده رضای او است.

در این هنگام، جبرئیل نازل شد که: یا رسول اللّه! فاطمه را به علی تزویج کن. خدا فاطمه را برای علی و علی را برای فاطمه پسندیده است.(۱)

در روایت دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود، جبرئیل بر من نازل شد و گفت:

محمد! خدا تو را از میان مخلوقاتش برگزید و به رسالت انتخاب کرد و علی را برادر و وزیر تو قرار داد. دخترت فاطمه را به ازدواج او درآور؛ چرا که این مجلس عقد در آسمان ها در حضور فرشتگان برگزار گردیده است. یا علی! جبرئیل به آسمان نرفته بود که درِ خانه ما را کوبیدی.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از سوی خدا مأمور بود تا دختر ارجمندش، فاطمه علیهاالسلام را به ازدواج حضرت علی علیه السلام درآورد و دستور خدا را درباره این

۱- سید علی اکبر قرشی، خاندان وحی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲.
۲- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۲۷ و ۱۲۸؛ محمدباقر مجلسی، تاریخ چهارده معصوم جلاء العیون، ص ۲۰۷؛ فاطمه زهرا علیهاالسلام ، بنیان گذار مکتب اعتراض، ص ۶۵ .

پیونـد مبارک اجرا کنـد؛ زیرا هیـچ کس جز علی علیه السـلام همتای فاطمه علیهاالسـلام نبود و لیاقت همسـری او را نـداشت. پیامبر فرموده است:

مردانی از قریش مرا سـرزنش کردنـد که ما فاطمه را از تو خواسـتگاری کردیم، ولی تو او را به ازدواج علی درآوردی. به خدا سوگنـد، من او را تزویـج نکردم، بلکه جبرئیل، او را به ازدواج علی درآورد، آن زمان که بر من نازل شـد و گفت: ای محمد! خداوند بزرگ می فرماید: اگر علی را نمی آفریدم، برای دخترت فاطمه، هم شأنی در زمین یافت نمی شد.(۱)

بالاخره پیامبر به خواسته علی علیه السـلام پاسـخ مثبت داد و فاطمه را به عقد او درآورد. سـپس دست علی را گرفت و فرمود: برخیز به نام خدا و بگو: «عَلی بَرَکَهِ اللّه وَ ما شَاءَ اللّهُ لا قُوَّهَ اِلاَّ بِاللّهِ تَوَکَّلْتُ عَلی اللّه؛ با برکت و خواست خدا و نیروی الهی این کار را انجام دادم و بر خدا توکل کردم.» پس از آن علی را در کنار فاطمه نشانید و گفت:

پروردگارا! تو می دانی که علی و فاطمه علیهاالسـلام، محبوب ترین خلق تو نزد تو من هسـتند. پس آن دو را دوست بـدار و ذریّه آنها را مبارک گردان و از جانب خویش برایشان حافظ و نگهبانی قرار بـده و من از تو می خواهم علی و فاطمه و ذریّه آنها را از شر شیطان رانده شده پناه دهی و حفظ کنی.(۲)

۱- نخبه البیان، ص ۲۴۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲؛ جمله آخر روایت در ینابیع الموده، ص ۱۷۷ نیز نقل شده است.

۲- خاندان وحی، ص ۱۰۳.

۱۱- مهریه فاطمه علیهاالسلام

به گفته بسیاری از تاریخ نگاران، مهریه حضرت فاطمه علیهاالسلام حدود ۵۰۰ درهم بود که آن هم از فروش زره حضرت علی علیه السلام به دستور پیامبر تهیّه شد،(۱) ولی برخی تاریخ نویسان درباره مهریه زهرا علیهاالسلام سخن دیگری گفته اند.

دختر ارجمند پیامبر هنگامی که شنید پدر گران مایه اش پس از رضایت او، وی را به ازدواج علی علیه السلام درآورده و مهریه بسیار اندکی برای او معین کرده است، گفت: «ای پیامبر خدا! دختران مردم عادی نیز همین گونه ازدواج می کنند و مهریه آنان از همین درهم ها و دینارهای دنیوی است. پس فرق ما و آنان چیست؟ من از شما می خواهم که این مهریّه دنیوی و مادی را به شوی گران قدرم، علی علیه السلام بازگردانی و خود از خدا بخواهی مهریه مرا شفاعت گناهکاران امت قرار دهد».

پس از این خواسته فاطمه علیهاالسلام بود که فرشته وحی فرود آمد و کاغذی حریر با خود آورد که در آن نوشته شده بود: «خداوند مهریّه فاطمه را شفاعت گناهکاران امت پدرش قرار داد».(۲)

ص:۲۲

۱- ذخائر العقبی، صص ۲۷ و ۲۸؛ زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۵۱؛ ینابیع الموده، ص ۱۹۶.
۲- فاطمه الزَهرا علیهاالسلام از ولادت تا شهادت، ص ۲۰۸؛ زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۵۱، به نقل از: اخبار الدول، ص ۸۸ ؛ در امالی شیخ طوسی ص ۲۸۰ نیز به این مطلب اشاره شده است.

۱۲- جهیزیه فاطمه علیهاالسلام

وقتی حضرت زهرا علیهاالسلام به عقد علی علیه السلام درآمد و افتخار همسری او را به دست آورد، بنا شد علی بن ابی طالب علیه السلام زره خویش را بفروشد و برای فاطمه علیهاالسلام جهیزیه تهیه کند. بنابراین، علی علیه السلام زره را فروخت و قیمت آن را به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله تقدیم کرد.

ایشان مقداری از آن پول را برداشت و به مؤذن خود، بلال داد و فرمود: برای فاطمه عطر تهیه کن. سپس دو دست خویش را از آن پول ها پر کرد و به ابی بکر داد و فرمود: برای فاطمه آنچه از لباس و وسایل منزل لازم است، بخر. عمار، یاسر و چند نفر را نیز به همراه او فرستاد.

همگی به بازار مدینه آمدند و وسایلی را که لازم بود، با صلاحدید ابوبکر خریدند. خریدشان بدین قرار بود: «پیراهنی به ۷ درهم، خماری (چارقد بزرگ) به چهار درهم، یک قطیفه سیاه بافت خیبر، یک صندلی که وسط آن را با لیف خرما بافته بودند، دو تشک از کتان مصری که یکی با لیف خرما و دیگری را با پشم گوسفند پر کرده بودند، چهار بالش از پوست طائف که با علف «اذخر» پر شده بود، پرده ای از پشم، حصیری بافت شهر هَجَر، یک دستاس، یک کاسه مسی برای خضاب، یک ظرف آب از پوست، کاسه ای برای شیر، یک مشک آب، آفتابه قیراندود، سبویی سبز و لعابی، دو کوزه سفال».(۱)

ص:۲۳

۱- زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، صص ۵۲ و ۵۳.

۱۳- مراسم عروسی

علی علیه السلام می فرماید: پس از مراسم ازدواج و تهیه جهیزیه، یک ماه گذشت و در این مدت پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواندم و از عروسی فاطمه چیزی نمی گفتم. زنان حضرت گفتند: آیا از رسول خدا نمی خواهی که فاطمه را به خانه ات ببری؟ گفتم: شما از او بخواهید. زنان نزد آن حضرت رفتند. اُمّ ایمن گفت: یا رسول اللّه! اگر خدیجه زنده بود، با عروسی فاطمه شاد می شد. چشم فاطمه را با شوهرش روشن کن و جدایی آن دو را از بین ببر و چشم ما را با این کار روشن ساز. حضرت فرمود: چرا خود علی این درخواست را نکرد؟ انتظار داشتم که علی چنین درخواستی کند. سپس علی علیه السلام می فرماید: گفتم: یا رسول اللّه! شرم مانعم می شد.

سپس حضرت فرمود: از زنان، چه کسی اینجاست؟ اُمّ سلمه گفت: این منم و این زینب ابن فلانه و ابن فلانه است. فرمود: برای دخترم و پسر عمویم، حجره ای از خانه من آماده کنید. ام سلمه گفت: یا رسول اللّه، کدام حجره را؟ فرمود: حجره خودت را. آن وقت به زنان امر کرد فاطمه را زینت کنند و آنچه لازم است، انجام دهند.

علی علیه السلام می فرماید: آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: غذای خوبی برای خانواده ات آماده کن. گوشت و نان را ما تهیّه می کنیم، خرما و روغن را تو تهیّه کن. من خرما و روغن خریدم. رسول خدا آستین بالا زد. خرما را در روغن می انداخت و گوسفند فربهی برای ما فرستاد که ذبح کردیم و نان بسیاری برای ما تهیّه فرمود.

آن گاه حضرت فرمود: هر که را خواستی، برای ولیمه دعوت کن. من به

ص:۲۴

مسجد آمدم، مسجد پر از مردم بود. شرمم آمد که گروهی را بخوانم و گروهی را نخوانم. بنابراین، به بلندی رفتم و صدا زدم: «به ولیمه فاطمه بیایید.» مردم چنان زیاد آمدند که از بسیاری آنها و کمی طعام ترسیدم. رسول خدا صلی الله علیه و آله که از واهمه من آگاه شده بود، فرمود: یا علی، از خدا می خواهم که به طعام برکت دهد. همه از طعام خوردند و از آشامیدنی آشامیدند و برای من دعای برکت کردند... .

چون هنگام عصر شد، حضرت به اُمّ سلمه فرمود که فاطمه را بیاورد. صدیقه طاهره چنان حیا می کرد و عرق می ریخت که پایش لغزید و افتاد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا در دنیا و آخرت، لغزش تو را ببخشاید... . فاطمه زهرا علیهاالسلام نزد رسول اللّه صلی الله علیه و آلهایستاد. حضرت، صورت او را باز کرد تا علی بن ابی طالب او را ببینند. آن وقت دست فاطمه را در دست علی گذاشت و فرمود: علی، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تو مبارک باد! فاطمه برای تو بهتر زنی است و ای فاطمه، علی برای تو بهتر شوهری است. بروید به خانه خود.(۱)

بعضی گفته اند: خود حضرت پیامبر و عده ای از فرشتگان آسمان، فاطمه علیهاالسلام را بدرقه کردند و به خانه علی علیه السلام بردند.

ابن عباس می گوید:

۱- خاندان وحی، صص ۱۰۵ و ۱۰۶، به نقل از: بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۵ و امالی شیخ طوسی، جزء دوم، صص ۳۸ و ۳۹؛ در کتاب زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام، صص ۵۳ ــ ۵۷ نیز این ماجرا به طور مفصل آمده است.

در شبی که فاطمه علیهاالسلام را به خانه علی علیه السلام می بردند، پیامبر پیشاپیش فاطمه حرکت می کرد و جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ دختر پیامبر و هفتاد هزار ملک به دنبال آن بانوی بزرگ در حرکت بودند [و آن سرور زنان عالم را تا خانه علی بدرقه کردند]، در حالی که فرشتگان آسمانی تا طلوع فجر به تسبیح و تقدیس خدا پرداختند.(۱)

به این ترتیب، مراسم عروسی علی و فاطمه علیهاالسلام به بهترین شکل انجام شد و مردم از سفره با برکت و طعام پاکیزه ای که به این مناسبت به دست مبارک پیامبر آماده شده بود، بهره مند شدند. جابر در وصف این مراسم می گوید:

من در مراسم عروسی و ولیمه علی و فاطمه حضور داشتم و هیچ ولیمه ای را پاکیزه تر از آن ندیدم.(۲)

در روایت دیگری از _اسماء_ بنت عمیس نقل کرده اند که گفت:

علی علیه السلام در مراسم عروسی فاطمه علیهاالسلام، ولیمه و طعامی آماده کرد که در آن زمان، افضل و بهتر از آن ولیمه وجود نداشت.(۳)

۱۴- خانه باصفای فاطمه علیهاالسلام

در جلسه تصمیم گیری برای برگزاری مراسم عروسی فاطمه علیهاالسلام که با

ص:۲۶

۱- ذخائر العقبی، ص ۳۲؛ ینابیع الموده، ص ۱۹۷؛ موفق بن احمد خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام ، ج ۱، ص ۶۶.
۲- ینابیع الموده، ص ۱۹۷.
۳- ذخائر العقبی، ص ۳۴.

حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله و برخی زنان آن حضرت و حضرت علی علیه السلام تشکیل گردید، به دستور پیامبر، اتاقی برای علی و زهرا علیهاالسلام آماده شد. تاریخ نویسان در توصیف آن خانه چنین نوشته اند:

«علی علیه السلام کف اتاق را از شن های نرم فرش کرد و چوبی برای آویختن مشک، بر دیوار اتاق نصب کرد. آن گاه کف اتاق را با فرشی که چیزی جز پوست گوسفند نبود، فرش کرد و بالشی از لیف خرما در کنارش قرار داد».(۱)

خانه ساده و گِلین فاطمه و علی علیهماالسلام کنار مسجد پیامبر قرار داشت و درِ آن به مسجد باز می شد. از خانه عده ای دیگر از یاران پیامبر نیز دری به مسجد باز بود. روزی پیامبر فرمان داد تمامی درهایی را که به مسجد باز می شد، ببندند و تنها درِ خانه فاطمه را باز بگذارند. وقتی یاران حضرت، دلیل این فرمان را پرسیدند، پیامبر فرمود: «این کار به فرمان خدا انجام شد».(۲)

آری، خانه دختر گرامی پیامبر مورد توجه خدا، و عاری از تجمل ها و مظاهر فریبنده دنیایی بود. زندگی علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام چنان ساده، بی آلایش و زیبا بود که خود آن حضرت می فرماید:

من با فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله در حالی ازدواج کردم که فرش زیر پای من و زهرا چیزی جز پوست گوسفند نبود که شب ها روی آن می خوابیدیم و روزها روی آن، شتر خود را علف می دادیم.(۳)

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام، از ولادت تا شهادت، ص ۲۱۲.

۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۵۲، به نقل از: مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۲۵ و مسند احمد حنبل، ج ۱، صص ۱۷۵ و ۳۳۰.

۳- علی متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ج ۱۳، ص ۶۸۲ ؛ ذخائر العقبی، ص ۵۵.

وقتی علی علیه السلام با فاطمه علیهاالسلام ازدواج کرد، خانه شخصی نداشت، بلکه خانه ای که آن دو در آن ساکن شدند، بنابر نقلی، یکی از خانه های _حارثه_ بود که با افتخار و شوق فراوان، در اختیار علی علیه السلام قرار داده شد(۱) و بنا بر نقل دیگر، این خانه یکی از حجره های پیامبر و اُمّ سلمه بود که آن زن فداکار به دستور پیامبر برای فاطمه و علی علیهماالسلام آماده کرد و به آن حضرت واگذار شد.(۲)

در هر صورت، این حکایت های تاریخی، برای مسلمانان و شیعیان آن حضرت به ویژه نسل امروز، آموزندگی والایی دارد. این بخش از زندگی این دو بزرگوار، به ما می آموزد که نباید به خاطر نداشتن خانه شخصی و امکانات و زرق و برق مادی، از تشکیل زندگی مشترک و ازدواج به موقع، سر باز زد و خود را از مزایای معنوی آن محروم ساخت.

۱۵- فرزندان فاطمه علیهاالسلام

حاصل ازدواج فاطمه و علی علیهماالسلام، پنج فرزند بود که نامشان چنین است: حسن، حسین، زینب، اُمّ کلثوم و نوزاد پسری به نام محسن که پیش از تولّد به سبب آسیب های وارد شده سقط شد.(۳)

ص:۲۸

۱- فاطمه الزهراء علیهاالسلام، از ولادت تا شهادت، ص ۲۱۱ با تلخیص.

۲- خاندان وحی، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۵۷؛ خاندان وحی؛ ذخائر العقبی، ص ۵۵.

۱۶- فاطمه علیهاالسلام و درگذشت پدر

رسول خدا علیهاالسلام و یارانش از سفر حج بازگشتند. چندی نگذشت که ایشان بیمار شد و پس از مدّتی، اندکی بهبود یافت، ولی زهرا اندوهگین بود. حالت وداع در چهره پیامبر موج می زد؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله پایان عمرش را خبر داده بود. در این روزها، پیامبر بارها سفارش فاطمه عزیزش را به یاران کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود:

فاطمه پاره تن من است؛ هرکس او را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس او را به خشم آورد، مرا به خشم آورده است.(۱)

بیماری پیامبر شدت یافت. زمانه، آبستن حادثه تلخی بود. قلب ها گویی گواهی می داد که مسلمانان، پیامبر خود را از دست خواهند داد. فضای خانه پیامبر سرشار از غم بود. فراق، لحظه لحظه نزدیک تر می شد. فاطمه علیهاالسلام در کنار بستر پدر، چهره نورانی و ملکوتی او را می نگریست و اشک می ریخت. پیامبر به فاطمه علیهاالسلام اشاره کرد. فاطمه علیهاالسلام نزدیک پدر شد، سر را بر روی صورت پدر خم کرد و سپس لبخند زد. از او علّت را جویا شدند، فرمود: «تا پدرم زنده است، راز پدرم را فاش نمی کنم». پس از رحلت پدر فرمود: «پدرم به من فرمود: فاطمه جان! تو نخستین کس از اهل بیت من هستی که به من ملحق می شوی، ازاین رو شاد شدم».(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۹.

۲- همان، صص ۷۱ و ۷۲؛ محمد بن حسن، شیخ طوسی، امالی، قم، مکتبه الداوری، ج ۲، ص ۱۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۶.

۱۷- آخرین شب

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در آخرین شب زندگی اش، علی، فاطمه، حسن و حسـین علیهم السـلام را نزد خویش خواند. آن شب، پیامبر در گوش فاطمه علیهاالسلامبه تنهایی رازها گفت. سپس پیامبر به علی علیه السلام فرمود:

اینـک هنگـامه فراق و جـدایی من و تو رسـیده است. برادرم! به خـدا می سـپارمت؛ زیرا لقای پروردگارم را برگزیـده ام، ولی گریه و انـدوهم برای تو و دخترم فاطمه است؛ چرا که پس از من حقوق شـما را ضایع می کننـد و بر شـما سـتم روا می دارند. شما را به خدا می سپارم و خدا هم امانت مرا پذیرفته است.(۱)

آخرین لحظه هـای حیـات پیامبر فرا رسـید. فرمود: «یا علی! مرا در خانه ام به خاک بسـپار و مراسم غسل و کفن و نمازم را برپا کن.»(۲) علی سر پیامبر را در دامن گرفته است. فاطمه می گریـد. رؤیای فاطمه، داشت تعبیر می شـد. در خواب دیـده بود که قرآنی در دست دارد و می خواند. ناگاه قرآن از دسـتش افتاد و مفقود شد. وحشت زده از خواب بیدار شده و خوابش را برای پدر نقل کرده بود. پیامبر فرمود: «نور دیده ام! من آن قرآنم که در خواب دیدی. به زودی از نظرها پنهان می شوم».

ناگهان لب های پیامبر تکان خورد و زمزمه کرد: « من ملاقات با خدای بزرگ را دوست تر دارم.»(۳) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دیده از جهان فروبست و به

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، ج ۲۲، ص ۴۹۰.
۲- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۴۹۲.
۳- فاطمه زهرا علیهاالسلام، بنیان گذار مکتب اعتراض، ص ۱۴۵.

ملکوت اعلی پیوست و فاطمه علیهاالسلام را با دنیایی از اندوه تنها گذاشت.

۱۸- فاطمه علیهاالسلام در سوگ پدر

فاطمه پس از چند روز عزاداری برای پدر، به همراه مردم مدینه بر سر قبر پیامبر حاضر شد و خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

پدرم! پس از تو، به هنگام وحشت و تنهایی، مونسی نمی یابم. کسی نیست که مرا از اشک ریختن باز دارد. یاوری برای ناتوانی ام نیست. با رحلت تو نزول قرآن و فرود آمدن جبرئیل و میکائیل قطع شد. پدر! پس از تو، اسباب دگرگون گشت و همه درها به روی من بسته شد. از دنیا دل بریدم. تا جان در بدنم هست، در فراق تو خواهم گریست. شوق مرگ و آمدن به نزد تو پایان یافتنی نیست و غم و اندوه من بی انتهاست.(۱)

ای پیامبر و ای برگزیده خدا و ای پشت و پناه یتیمان و ناتوانان! کوه ها، وحوش، پرندگان، زمین و آسمان، در مرگت گریستند. منبری که بر آن می نشستی، اکنون پس از خاموشی فروغ تو، در خاموشی، لب فروبسته است.

فاطمه آن گاه به خانه بازگشت و در حالی که می گریست، خطاب به حسنین علیهماالسلام فرمود: «کجا رفت آنکه عزیزتان می داشت و شما را بر دوش خویش حمل می کرد؟ کجا رفت پدرتان؛ همان کسی که بیش از همه شما را دوست می داشت؟»(۲)

ص:۳۱

۱- ناسخ التواریخ، ج ۴، کتاب دوم، ص ۱۵۲؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲- حاج شیخ عباس قمی، بیت الاحزان، ج ۱، صص ۲۹ و ۳۰؛ خاندان وحی، ص ۱۳۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۶.

۱۹– اذان بلال

پس از رحلت پیـامبر، بلال دیگر اذان نگفت تـا آنکه روزی فـاطمه علیهاالسـلام فرمـود: «دوست دارم صـدای مؤذن پـدرم را بشنوم.» بلال اذان گفت و فاطمه گریست. همین که جمله «اشهد ان محمدا رسول اللّه» را بر زبان آورد، فاطمه فریادی کشید و بی هوش شـد. بلال اذان را قطع کرد. وقتی فـاطمه را به هوش آوردنـد، تقاضـا کرد اذان را ادامه دهـد. بلال گفت: «بگـذار تا ادامه ندهم؛ می ترسم آسیبی به شما رسد» و فاطمه علیهاالسلام نیز پذیرفت.(۱)

۲۰–

بیت الاحزان کجاست؟

امیـدها بر بـاد رفته بود و غم فراق پیـامبر، مظلومیت علی علیه السـلام، از دست رفتن حق و سـتم ها و مصـیبت هایی که بر زهرا علیهاالسـلام رفت، روح و پیکر تنهـا یادگار پیامبر را به شـدت آزرده و فرسوده بود. پس از وفات رسول خـدا صـلی الله علیه و آله، دیگر لبخندی بر لبان زهرا علیهاالسلام دیده نشد.(۲)

کار فاطمه علیهاالسـلام روز و شب گریه بود. پس از وفات پدر، آن قدر گریست که دل همسایگان از گریه و ناله اش بی قرار شد. ناله و اشک و آه فاطمه علیهاالسلام، افشاگر ستم ها بود. ازاین رو، عده ای به علی علیه السلام گفتند: «فاطمه

۱– بیت الاـحزان، ج ۱، ص ۳۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۷؛ شـیخ صدوق، من لا یحضـره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ج ۱، صص ۲۹۷ و ۲۹۸؛ تاریخ چهارده معصوم، صص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۲– احمد بلاذری، انساب الاشراف، مصر، دارالمعرفه، ج ۱، ص ۴۰۵.

علیهاالسـلام روز و شب گریه می کنـد. مـا از گریه او آرام نـداریم. به زهرا بگو یـا شب گریه کنـد، روز آرام بگیرد یـا روزها بگرید، شب آرام بگیرد».

علی علیه السـلام که می خواست همسـرش را آرام کنـد، پیام مردم مدینه را به او رساند. فاطمه علیهاالسـلام پاسخ فرمود: «عمر من به آخر رسـیده است و در میانشان چنـدان توقفی نـدارم. به خـدا سوگند، شب و روز آرام نخواهم گرفت تا آنکه به پدرم، رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق شوم».

فاطمه علیهاالسـلام روزها بر سر مزار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می رفت و می گریست. گاهی بر سر مزار شهدای اُحُد می رفت و در آنجا به یاد شهدای صدر اسلام و یاران باوفای پدرش نماز و دعا می خواند و اشک می ریخت. گاه به قبرستان بقیع می رفت و به یاد شهیدان و مسلمانان پاک نهاد به گریه می نشست. علی علیه السلام برای آسایش فاطمه علیهاالسلام از آفتاب سوزان، سـایه بـانی در بقیع برایش بنا کرد که «بیت الاحزان» نامیـده شـد. هنگامی که شب فرا می رسـید، علی علیه السـلام به آنجا می رفت و فاطمه را با خود باز می گرداند.(۱)

۲۱- غوغای سقیفه

پیامبر از دنیا رفت. علی علیه السـلام مشـغول غسل و کفن پیامبر بود. در این هنگام، جماعتی در سـقیفه گرد آمـده بودند تا در مورد جانشین پیامبر تصمیم بگیرند و سرانجام شخصی را به جانشینی برگزیدند.

دیری نپایید که جماعتی به سوی خانه فاطمه به حرکت درآمدند تا از

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

علی علیه السلام برای خلیفه بیعت بگیرند. فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود به خانه را نداد. آنان به خانه فاطمه هجوم آوردند تا علی را برای بیعت به مسجد ببرند. در این گیرودار، پیکر فاطمه مورد ضرب و جرح قرار گرفت و فرزندش (محسن) سقط گردید و آنچه نباید، رخ داد.(۱)

خانه فاطمه علیهاالسلام، خانه وحی بود؛ خانه ای که پیامبر هرگاه می خواست به آن وارد شود، اجازه می گرفت. جبرئیل بدون اجازه وارد آن خانه نمی شد، ولی با کمال تأسف، پس از رحلت پیامبر به خانه او هجوم آوردند و اهل آن را مورد اهانت و تهدید قرار دادند. این حادثه ای نیست که ساخته و پرداخته شیعه باشد؛ چرا که قدیمی ترین و موثّق ترین تاریخ نگاران اهل سنت همچون: «ابن قتیبه»، «بلاذری» و «ابن عبدربه»، این واقعه را نقل کرده اند.(۲)

۲۲- مبارزه فاطمه علیهاالسلام

فاطمه زهرا علیهاالسلام با تمام توان برای بازگرداندن حقوق از دست رفته اهل بیت علیهم السلام به مبارزه پرداخت. او با بینشی آگاهانه دریافته بود که در آینده،

۱- همان، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۲- عبداللّه بن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، مؤسسه الحلبی، بی تا، ج ۱، ص ۱۹؛ نساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶؛ احمد بن محمد بن عبد ربّه اندلسی، العقد الفرید، مصر، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۶۱، ج ۴، صص ۲۵۹ و ۲۶۰؛ کتاب مسجده الثانیه فی الخلفا و تواریخهم در تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۴۳ و شرح نهج البلاغه عبد الحمید ابن ابی الحدید، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۱، ج ۱، ص ۵۸۶ و ج ۲، ص ۱۹ و برخی دیگر از کتاب های معتبر اهل سنت نیز ماجرای هجوم به خانه زهرا علیهاالسلام و هتک حرمت خاندان پیامبر نقل شده است.

به سبب انحراف در رهبری، خسارت های سنگینی متوجه اسلام و مسلمانان خواهد شد و شاید این اندوه و رنج، بیش از تمامی مصیبت ها و ستم هایی که بر او رفته بود، عمق جانش را می گداخت و خرمن امیدش را به خزان غم انگیز بَدَل می ساخت. او دریافته بود که اگر چرخ حادثه این گونه بچرخد، دیری نخواهد پایید که سنت های جاهلیت با نقاب دل فریب مذهب ظاهر خواهد شد. وی به از دست رفتن موقعیت ظاهری اجتماعی علی علیه السلام در مسئله خلافت نمی اندیشید؛ مگر خلافت و مقام ظاهری چه تأثیری در زندگی رفاهی و مادی این خانواده داشت؟

فاطمه علیهاالسلام به امانتی می اندیشید که در غدیر خُم، به علی علیه السلام و خاندانش واگذار شده بود. او نگران ادای امانت و در پی انجام وظیفه شرعی و دینی اش بود و برای بازگرداندن خلافت به مسیر اصلی اش، از همان روزهای آغازین، مبارزه مسالمت جویانه ای را آغاز کرد.(۱)

۲۳- فدک

در یک منزلیِ خیبر و ۱۴۰ کیلومتریِ مدینه، روستای سرسبزی به نام «فدک» وجود داشت که اکنون در عربستان به نام «حائط» و «حویط» شناخته می شود. در این روستا، چشمه پرآبی وجود داشت که کشتزارها را سیراب می کرد. در فدک، عده ای یهودی زندگی می کردند که وقتی خبر پیروزی سپاه اسلام در خیبر به گوششان رسید، هراسیدند و شخصی را برای قرارداد

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، صص ۷۶ و ۷۷.

صلح نزد پیامبر فرستادند و فدك را به حضرت واگذار کردند. بر اساس دستور خداوند، چنین سرزمین هایی جزو اموال پیامبر به شمار می آمد.(۱)

۲۴- بخشش فدک به فاطمه علیهاالسلام

پیامبر، فدك را به فاطمه بخشید، ولی نه بر اساس نورچشمی بودن فاطمه؛ چرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از جنگ بنی نضیر، زمین های کشاورزی آنجا را میان مهاجران تقسیم کرد، تا جایی که افراد بی زمین و خانه، دارای زمین و خانه مسکونی شدند، ولی از آن اموال، به علی علیه السلام و بنی هاشم داده نشد، با اینکه اینان در میدان های نبرد همواره پیشتاز بودند. رسول خدا صلی الله علیه و آله، دیگران را بر خود و وابستگان خود ترجیح می داد و ازاین رو، به علی علیه السلام ــ بزرگ دلاور تمامی عرصه های نبرد ــ و خانواده اش چیزی نداد. به فاطمه که مادرش خدیجه در راه اسلام، تمامی ثروت خود را نثار کرده بود، چیزی نداد تا اینکه آیه شریفه وَآتِ ذَا القُربی حَقَّهُ نازل گشت و پیامبر، فدك را به فاطمه بخشید و به این وسیله معاش فقرای بنی هاشم را فراهم ساخت. در حقیقت، خداوند، فدك را به فاطمه عطا کرد.(۲)

بخشش فدك به وسیله پیامبر به حضرت زهرا علیهاالسلام، چیزی نیست که تنها شیعه به آن اعتراف داشته باشد، بلکه واقعیتی است که برخی از علمای اهل سنت نیز به آن اعتراف می کنند. خوارزمی به نقل از ابی سعید می گوید:

۱- همان، ص ۷۹؛ خاندان وحی، ص ۱۱۵.

۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۸۱ ؛ خاندان وحی، ص ۱۱۶ با کمی تفاوت.

«چون آیه و آتِ ذی القربی حقه نازل شد، پیامبر، فاطمه علیهاالسلام را نزد خود فرا خواند و فدک را به او عطا کرد».(۱)

۲۵- مصارف فدک

فـاطمه زهرا علیهاالسـلام درآمـد فـدک را در راه خـدا خرج می کرد و به بینوایـان، فقرا، ایتام و بنی هاشم می داد و تنها سـهم انـدکی از درآمـد آن را صـرف زندگی خانوادگی خود می کرد. فاطمه، ثروت اندوز و رفاه طلب نبود که هنگام دسترسـی به ثروت، برای افزایش آن تلاـش کنـد. او مـال فناپـذیر دنیـا را بـا انفـاق در راه خـدا جاودانه می ساخت و با وجود داشـتن چنین ثروتی، در خانه ای گلین و با وسایلی اندک و بی آلایش زندگی می کرد.(۲)

پس از رحلت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و پس از ماجرای سقیفه، به فاصله چند روز، فرمان مصادره فدک صادر شد.(۳) فاطمه به این موضوع اعتراض کرد و در مسجد خطبه خواند.

فاطمه علیهاالسلام در بستر بیماری

فـاطمه علیهاالسـلام بر اثر صـدمه جسـمی و روحی که پس از رحلت پـدر بزرگوارش متحمل گشت، سـرانجام در بستر بیماری قرار گرفت؛ بستری که سرانجامش شهادت و رهایی از رنج ها و مصیبت های دنیا بود.

۱- مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۷۱.
۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۸۲ .
۳- همان؛ خاندان وحی، صص ۱۱۶ و ۱۱۷؛ شیخ عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، با تعلیقه: سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۴، ص ۲۷۲.

آفتـاب وجود فـاطمه علیهاالسـلام در حال غروب بود. فاطمه از «اسـماء»، مقـداری آب خواست. اسـماء از زنان باوفایی بود که دختر رسول خـدا صـلی الله علیه و آلهرا تا واپسـین لحظه های زندگی اش ترک نگفت و پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به او بشـارت بهشت داده بود. حضـرت بـا آن آب وضو گرفت و به روایتی، نیکوترین غسل را انجام داد و بسترش را به سـمت قبله برگردانـد. سـپس در بسـترش دراز کشـید. چشـمان ـاسـماءـ، ـاُمِّ ایمـنـ و ـفضّـهـ از گریـه سـرخ شـده بـود. همیـن که امیرالمؤمنین علی علیه السـلام از در وارد شـد، به بـالین فاطمه زهرا علیهاالسلامشـتافت و از رنگ چهره اش دریافت که بیش از چند لحظه زنده نخواهد ماند.(۱)

فاطمه علیهاالسلام چشم گشود و علی علیه السلام را بر بالین خویش یافت:

- تو هستی یا علی!

- آری، همسر مهربانم!

ـ می خواهم از تو بپرسم در این چند سال که با تو به سر برده ام، زنی وفادار و راست گو و پاکدامن بوده ام؟

امیرالمؤمنین علی علیه السـلام با صدای گریه آلود گفت: «پناه بر خدا! مقام تو، دانش تو، نفس پاک و روح مقدس تو شـریف تر از آن است که درباره تو این سـخنان به میان بیایـد و در رفتار و کردارت در خانه ام، جای هیچ گونه سـرزنش نبوده است و نخواهـد بود؛ چه سـخت است بر من جـدایی تو، ولی مرگ امری است حتمی و گریزی از آن نیست. به خدا سوگند، مصـیبت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر من تازه کردی. «اِنّا لِلّه و اِنّا اِلَیْهِ راجِعُون.» این

۱- محمد تقی سجادی، سیری کوتاه در زندگی حضرت زهرا علیهاالسلام، قم، نبوی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۲.

مصیبتی است که هیچ گاه تسلّی نخواهد یافت. پس از این فاجعه هرگز از فجایع زمانه ـ هر چه هم دردناک باشد ـ رنجور نخواهم شد».

امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نتوانست به سخنانش ادامه دهد، بغض گلویش را می فشرد. هر دو، ساعتی گریستند.(۱)

۲۶- وصیت های غم انگیز

پس از آنکه اندکی آرام شدند، فاطمه علیهاالسلام دستور داد اتاق را خلوت کنند و محرمانه با علی علیه السلام چنین فرمود:

۱. پیش از هر چیز درباره فرزندانم سفارش می کنم. نخستین وصیتم این است که با امامه، دختر خواهرم ـ زینب ـ ازدواج کن؛ چه او فرزندانم را دوست می دارد.

۲. برای من تابوتی درست کن؛ زیرا فرشتگان را دیدم که صورت تابوت برای من ساختند. حضرت فرمود: «وصف آن را برای من بیان کن». دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله وصفش را بیان کرد و حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام آن را فراهم ساخت.(۲)

۳. مرا تنها نگذار و بر بالینم بنشین و سوره یاسین تلاوت کن و چون این سوره به پایان رسید، عمر من نیز پایان خواهد یافت.

۱- شیخ عباس قمی، منتهی الآمال، قم، مؤمنین، ۱۳۸۲، چ ۲، ج ۱، ص ۳۰۱؛ بیت الاحزان، ص ۲۸۶؛ سیری کوتاه در زندگی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۲۱۳.

۲- تاریخ چهارده معصوم، ص ۲۷۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۱۲ و ۲۱۳؛ ذخائر العقبی، ص ۵۳ با کمی تفاوت؛ مقتل الحسین، ج ۱، صص ۸۱ و ۸۳.

۴. وصیتم این است که جنازه ام را شبانه غسل بده و کفن کن و دور از چشم مردم از زمین بردار و به خاک بسپار. من هرگز راضی نیستم آنان که بر من ستم روا داشتند و حَرَمم را درهم شکستند و به خانه ام تاختند، بر جنازه ام حاضر شوند و در تجهیز و تشییع من شرکت کنند. اینها وصایای من است، آنها را به خاطر بسپار.(۱)

۲۷- به سوی سفر ابدی

فاطمه سکوت کرد و پلک های اشک آلود خود را روی هم گذاشت و علی علیه السلام که مانند ابر بهاری می گریست، به تلاوت قرآن پرداخت. وقتی سوره یاسین به پایان رسید، نفس های فاطمه هم سنگین شد. در این هنگام، دو بار چشمانش را گشود و دوبار سلام داد:

_ «السلام علیک یا جبرائیل؛ سلام بر تو ای جبرئیل»؛

_ «السلام علیک یا ملائکَهَ ربّی؛ سلام بر شما ای فرشتگان پروردگارم»؛

_ «اِلَیْکَ رَبّی لا اِلَی النّار؛ به سوی تو می آیم، ای پروردگارم، نه به سوی آتش».

آن گاه پیکر نحیفش از حرکت ایستاد و روح بزرگش به آسمان ها پر گشود.(۲)

مردم مدینه از مرگ فاطمه علیهاالسلام با خبر شدند و زاری کردند و اشک

۱- بیت الاحزان، ص ۲۸۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۳۶، البته بند ۳ در این کتاب ذکر نشده است، ولی در بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۳ آمده است.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۰ با کمی تغییر.

ریختند. زنان بنی هاشم به خانه فاطمه علیهاالسلام آمدند و در سوگ او گریستند. مردان، گرداگرد امیرالمؤمنین علی علیه السلام جمع شدند تا با وی هم دردی کنند. حسنین، همچون مرغان بی بال و پر، زانوی غم بغل گرفته و به یاد مادر از دست رفته شان ناله می کردند.

شهر مدینه یک پارچه غوغا و گریه و ناله شده بود. مردم در انتظار آن بودند که بر جنازه یگانه یادگار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز بایستند، ولی ابوذر خطاب به آنان گفت: «به خانه هایتان باز گردید که جنازه گُلِ رخشنده پیامبر گرامی پس از این به خاک سپرده می شود» و آنان با شنیدن این سخن پراکنده شدند.(۱)

۲۸- حسنین علیهماالسلام بر بالین مادر شهیده

در نقلی دیگر آمده است پس از وفات فاطمه علیهاالسلام، حسن و حسین علیهماالسلام وارد خانه شدند و سراغ مادرشان را گرفتند. اسماء به آنان گفت، مادرتان مشغول استراحت است. حسن و حسین علیهماالسلام گفتند: «اکنون هنگام استراحت مادر ما نیست.» اسماء به آنان گفت: «عزیزان! مادرتان از دنیا رفت.» حسن و حسین علیهماالسلامروی جنازه مادر افتادند و آن را می بوسیدند و گریه می کردند.

حسن علیه السلام می گفت: «مادر جان! با من سخن بگو.» حسین علیه السلام می گفت: «مادرجان! من حسین توام؛ قبل از آنکه به خاطر غم فراق تو، روح از بدنم جدا شود، با من سخن بگو!»

ص:۴۱

۱- خاندان وحی، ص ۱۳۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۲؛ بیت الاحزان، صص ۲۹۱ _ ۲۹۳.

یتیمـان زهرا علیهاالسـلام به سوی مسـجد شـتافتند تـا پـدرشان را از مرگ غم انگیز مـادر بـاخبر کننـد. وقـتی خـبر وفـات زهرا علیهاالسـلام به علی علیه السـلام رسید، از شدت اندوه، بی تاب شد و فرمود: «ای دختر پیامبر! تو تسلّی بخش من بودی. پس از تو، از که تسلیت بجویم؟»

۲۹- قبر پنهان

وقتی صـدای شـیون یتیمان زهرا علیهاالسـلام به گوش مردم مـدینه رسـید، عـده ای از خواص و بنی هاشم به درون خانه رفتند. مردم مـدینه نیز بیرون خانه اجتماع کردند و در حالی که به شدّت می گریسـتند، منتظر بودند جنازه زهرا علیهاالسـلامرا از خانه بیرون آورنـد تا در تشییع جنازه شـرکت کننـد. ناگاه ابوذر از خانه خارج شـد و گفت: «پراکنـده شویـد؛ چون تشـییع جنازه به تأخیر افتاد.» شبانگاه، علی علیه السلام، پیکر پاک فاطمه علیهاالسلام را غسل داد.(۱)

امیرالمؤنین علی علیه السـلام امر فرمود شاخه ای از درخت خرما را افروختنـد تا بتواننـد در تاریکی شب، جنازه را حمل کننـد. یک پایه تابوت بر دوش آن حضرت بود و حسنین علیهماالسلام، سلمان، ابوذر، عمّار، مقداد، زبیر و تنی چند از بنی هاشم، آن حضرت را در حمل جنازه کمک می کردند. پس از آن، نماز به جای آورده شد.(۲)

۱- زندگی فاطمه زهرا علیهاالسـلام، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ منتهی الآمال، ج ۱، صص ۳۰۲ و ۳۰۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۲؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ج ۸ ، ص ۱۸.

۲- سیری کوتاه در زندگی حضرت زهرا علیهاالسلام، ص ۲۲۰.

علی علیه السلام جایگاه مزار فاطمه را با زمین یکسان ساخت تا مزارش شناخته نشود(۱) و به روایتی، صورت چند قبر بنا کرد تا مزار واقعی مشخص نشود.(۲) معلوم نیست پیکر فاطمه علیهاالسلام در کجا به خاک سپرده شده است؛ در بقیع یا در جوار مرقد پیامبر؟ نه تنها مرقد مطهر آن بانوی بزرگوار ناپدید است که تاریخ وفاتش نیز به درستی معلوم نیست!

۳۰- نجوای علی علیه السلام بر مزار فاطمه علیهاالسلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام کنار مرقد زهرا علیهاالسلام نشسته است و ناله ها دارد. محبوب از دست رفته اش زیر خاک آرمیده و خود، تنها بر مزارش در آن تاریکی شب نشسته است و سوز درونی اش را با اشک و آه التیام می بخشد و چنین می فرماید:

ای خاک سرد و نمور که زهرایم را در برگرفته ای، مقدم او را گرامی دار. او که روزگاری روشنی بخش زندگی ام بود، اکنون با تنی تکیده و بدنی کوفته مهمان توست. مبادا بر سینه اش که یک دنیا غم و اندوه در آن نهفته است، سنگینی کنی.

آن گاه به خواندن شعری می پردازد و می فرماید:

دوستان! اکنون که به یاد محبوب پرپر شده ام می افتم، تمام غم های گذشته، همچون لشکری خون خوار، قلبم را آماج تیر قرار می دهند.

ای دوستانی که در کنار همید، روزگار وصلتان را جدایی خواهد بود و همه چیز در برابر فراق، حقیر و کوچک است.

۱- مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۸۶.

۲- منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۰۴.

با از دست دادن فاطمه علیهاالسلام بر من معلوم شد که هیچ دوستی بر جای نخواهد ماند.(۱)

آدمی می خواهد که هیچ گاه دوستش نمیرد، ولی آیا سرانجام زندگی، مرگ نخواهد بود؟

گریزی از مرگ نیست و من نیز به شما خواهم پیوست. وقتی که عمرم به آخر رسد، گریستن بر آن بی فایده است.(۲)

۳۱- درد دل های علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سوگ زهرا علیهاالسلام

کلینی، عالم و محدث معروف شیعی (متوفای ۳۲۸ ه . ق) می نویسد:

پس از در گذشت فاطمه علیهاالسلام، علی علیه السلام او را پنهانی به خاک سپرد و جای قبرش را ناپدید کرد. سپس برخاست و رو به مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله کرد و گفت:

«سلام بر تو ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! از من و از دخترت که به دیدار تو آمده و اکنون در کنارت زیر خاک خفته است. خداوند چنین خواسته که او زودتر از دیگران به تو ملحق شود. ای پیامبر خدا! شکیبایی ام از فراق محبوبه ات به پایان رسیده و خویشتن داری ام به خاطر سرور زنان عالم، از دست رفته است. اما چه چاره، جز آنکه به سنت تو، بر مصایب صبر کنم، آن چنان که در مصیبت جدایی ات صبر کردم. من سرت را در آرامگاهت نهادم و تو بر روی سینه من جان دادی. همه از خداییم و به سوی او باز خواهیم گشت. همانا امانت به صاحبش رسید و ودیعه دریافت گشت و زهرا از دستم گرفته شد.

ای رسول خدا! پس از او آسمان و زمین در منظر نگاهم زشت می نماید،

۱- مقتل الحسین، ج ۱، ص ۸۴.

۲- سیری کوتاه در زندگی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، ص ۲۲۲.

اندوهم جاودانه شده و شبم در بی خوابی می گذرد و غم، پیوسته در دل است، تا خدا مرا در جوارت ساکن گرداند.

غصه ای دارم که از شدتش، دل به خون نشسته است و اندوهی دارم بُهت آور. چه زود جمع ما را به پریشانی کشانید و میان ما جدایی افکند. تنها به سوی خداوند شکایت می برم. به زودی، دخترت از هم دست شدن امتت بر ربودن حقش به تو خبر خواهد داد. تمام سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از او بخواه. چه بسا درد دل هایی که چون آتش در سینه اش می جوشید و در دنیا راهی برای گفتن و شرح دادن آن نیافت، او هم اکنون می گوید و خداوند هم داوری می کند و او بهترین داوران است. سلام بر شما، سلامِ وداع کننده ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ. اگر بروم، به خاطر دلتنگی ام نیست و اگر بمانم، به خاطر بدگمانی به خدا از آنچه به صابران وعده داده است، نباشد.

آه، آه، صبر، آرام بخش و زیباست و اگر بیم چیرگی ستم کاران نبود، برای همیشه چون معتکفان در اینجا می ماندم و شیون سر می دادم و سیل آسا می گریستم. خدا گواه است که دخترت، پنهان به خاک سپرده می شود، در حالی که حقش غصب شد و از ارثش محروم گشت. با اینکه هنوز، روزی چند از وفاتت نگذشته بود و بر خاطره ها از یادت، غبار کهنگی ننشسته بود. ای رسول خدا! دل را به یاد تو آرام می دارم و درود خدا بر تو و سلام و رضوان خدا بر فاطمه باد».(۱)

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام ، صص ۱۱۱ و ۱۱۲؛ تاریخ چهارده معصوم صص ۲۷۴ _ ۲۷۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۱۱ و ۲۱۲؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۶۹ ه . ق، صص ۴۷ و ۴۸؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۶۵.

فصل دوم: درس هایی از شخصیت و زندگانی فاطمه علیهاالسلام

۱- خداگرایی

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از دخترش پرسید: «فاطمه جان! چه حاجتی داری؟ اکنون فرشته وحی در کنار من است و از سوی خدا پیام آورده است تا هرچه بخواهی تحقق پذیرد».

فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: «لذتی که از خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی بازداشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم».(۱)

۲- حالت های معنوی

در شب ازدواج، امام علی علیه السلام فاطمه علیهاالسلام را گریان و نگران دید. پس به ایشان فرمود: «چرا گریانی؟» فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: «در اندیشه حال خویش در هنگام مرگ و ورود در قبر بودم و به یاد آوردم که امروز از خانه پدرم به خانه شما آمدم و روزی دیگر از اینجا به سوی قبر و آرامگاه

۱- محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، نهج الحیاه، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۳، چ ۶، ص ۹۹، به نقل از: ذبیح اللّه محلاتی، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۰۵.

خویش و عالم آخرت خواهم رفت. در این آغازین لحظه های زندگی، چقدر لذت بخش است که به نماز بایستیم و خدا را در این شب عبادت کنیم».(۱)

۳- ترس از عذاب دوزخ

وقتی آیه های عذاب بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل گردید، پیامبر و یاران وی گریستند. زهرا از گریه پدر آگاه شد، علت را پرسید. پیامبر، آیه های عذاب الهی را که تازه نازل شده بود، برای فاطمه تلاوت فرمود. فاطمه از خوف الهی بر زمین افتاد و فرمود: «وای، وای بر کسی که داخل دوزخ می شود».(۲)

۴- دانش اندوزی

فاطمه علیهاالسلام از همان آغاز، دانش را از سرچشمه وحی فراگرفت. از پدر خویش به عنوان بهترین معلم، درس انسانیت، اخلاق، توحید و اسلام یاد گرفت. او درس های علمی و عملی زیادی از مکتب پدر و همسر آموخت.

آنچه را فرشتگان الهی از اسرار و دانش ها برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باز می گفتند، علی علیه السلامی نوشت و فاطمه گرد می آورد که مجموع آنها کتابی

۱- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۳۵؛ نوراللّه تستری، احقاق الحق، تهران، ۱۳۹۱، ج ۴، ص ۴۸۱؛ سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ملحقات احقاق الحق، قم، خیام، ۱۴۱۰ ه . ق، چ ۱، ج ۲۳، ص ۴۸۹.
۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۷۸؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۸۷ و ۸۸؛ سیدهاشم علامه بحرانی، تفسیر برهان، قم، دارالکتب العلمیّه، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۴۶.

به نام «مصحف فاطمه» شد.(۱)

امام علی علیه السلام نقل فرموده است:

روزی یکی از زنان مدینه به خدمت زهرا علیهاالسلام رسید و مسائل دینی فراوانی از وی پرسید و پاسخ شنید. در ادامه، خجالت کشید و گفت: «بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم.» حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: «بازهم بیا و آنچه می خواهی بپرس، آیا اگر به کسی در مقابل حمل یک بار سنگین به پشت بام، صد هزار دینار طلا مزد بدهند، چنین کاری برای او دشواری دارد؟ من هر مسئله ای را که پاسخ می دهم، بیش از فاصله بین زمین و عرشِ خداوند، پاداش معنوی دارم. پس سزاوار است که این کار بر من دشوار نباشد».(۲)

۵- ارزشمندی کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

فاطمه زهرا علیهاالسلام روایت ها و احادیث پیامبر را می آموخت و می نوشت و نگهداری می کرد. روزی که در پی یافتن متن یکی از احادیث پیامبر بود و از گم کردن حدیث ناراحت و نگران بود، فرمود: «ارزش این حدیث نزد من با ارزش حسن و حسین علیهماالسلام برابر است».(۳)

ص:۴۸

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، صص ۵۸ و ۵۹، به نقل از: مکاتیب الرسول، ص ۸۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳،ص ۸۰ .
۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام ، ص ۲۲۴؛ ملا محسن، کاشانی، محجّه البیضاء، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۳۹، ج ۱، ص ۳۰؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۳.
۳- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۲۲۵؛ دلائل الامامه، ص ۱؛ شیخ عباس قمی، سفینه البحار، تهران، سنایی، ج ۱، ص ۲۲۹.

۶- آموزش دیگران

فاطمه زهرا علیهاالسلام با بیان احکام و معارف اسلام، جامعه و به ویژه زنان را نسبت به وظایفشان آشنا می ساخت. _فضّه_، خدمتگزار فاطمه علیهاالسلام _ که از شاگردان و پرورش یافتگان فاطمه زهرا علیهاالسلام است _ در مدت بیست سال، جز با آیه های قرآنی سخنی نگفت و هرگاه قصد بیان مطلبی را داشت، با آیه ای متناسب از قرآن، منظور خویش را بیان می کرد.(۱)

۷- ارزشمندی دعا

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به دخترش فرمود: «دخترم! آیا دوست داری تو را دعایی بیاموزم که هیچ کس آن را نمی خواند، مگر آنکه خواسته های او تحقق پذیرد؟» فاطمه گفت:

«پدر جان! چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، نزد من محبوب تر است».(۲)

همچنین فاطمه به گروهی از زنان فرمود: «بر شما باد به دعا کردن».(۳)

۸- دعا برای گناهکاران امت

اسماء، همسر جعفر طیار نقل می کند که در لحظه های پایانی عمر

ص:۴۹

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۵۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۴.

۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، صص ۱۵۰ و ۱۵۱؛ بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۴۰۵.

۳- همان، ص ۱۵۰.

حضـرت زهرا علیهاالسـلام متوجه آن بانوی بزرگ عالم بودم. ابتـدا غسل نمود، سـپس لباس ها را عوض کرد و مشـغول راز و نیاز با خدا شد. جلو رفتم، فاطمه علیهاالسـلام را دیدم که رو به قبله نشسـته است و دست ها را به سوی آسمان برآورده است و چنین دعا می کنـد: «پرودگارا! بزرگا! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیـدی و به گریه های حسن و حسـین در فراق من، از تو می خواهم گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشایی».(۱)

۹- دعا برای همسایه

آن شب، حسن، فرزنـد فـاطمه علیهاالسـلام، به کلمـات مـادر گوش می داد. رکوع و سـجود و قیام و قعود مادر را در آن شـبِ جمعه زیر نظر داشت. بـا اینکه کودک بود، مراقب بود ببینـد مـادرش که این همه درباره مردان و زنان مسـلمان دعای خیر می کنـد و یـک یـک را نـام می برد و از خـدای بزرگ برای هر یـک از آنها سـعادت و رحمت و خیر و برکت می خواهـد، برای خودش چه دعـایی می کنـد. شب به دعـا برای دیگران سپری شـد و صـبح فرا رسـید. امام حسن علیه السـلام به مادرش گفت: «مادرجان! چرا من هر چه گوش کردم، تو برای دیگران دعای خیر کردی و برای خودت یک کلمه دعا نکردی؟» مادر مهربان پاسخ داد: «پسرک عزیزم! اول همسایه، بعد خانه خود».(۲)

۱۰- در اوج حجاب و عفاف

۱- همان، ص ۱۴۸.

۲- مرتضی مطهری، داستان راستان، دفتر انتشارات اسلامی. ج ۱، ص ۸۹؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۵۹۲.

مردی نابینا وارد خانه امام علی علیه السلام شد، پیامبر دید که فاطمه علیهاالسلام برخاست، فاصله گرفت و خود را پوشاند. پیامبر فرمود: «دخترم! این مرد نابیناست.» فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: «پدر جان؛ اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم و او هر چند نابیناست، ولی بوی زن می شنود.» پیامبر فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره تن منی».(۱)

ناگفته پیداست که فاطمه آن چنان در اوج حفظ خویش از نامحرم است که حتی پوششْ نداشتن در حضور نابینا را برخلاف کمال وجودی خود می داند؛ هرچند این پوشش بر او واجب نباشد.

فاطمه علیهاالسلام حفظ حجاب و داشتن عفاف را بهترین صفت برای زن می دانست و می فرمود: «خیر و سعادت برای زنان در این است که نه آنها مردان نامحرم را ببینند و نه مردان نامحرم آنها را مشاهده کنند.»(۲) نیز می فرمود: «آن گاه که زن در خانه است، بیش از هر زمان به خدای خویش نزدیک تر است».(۳)

۱۱- حجاب حتی پس از مرگ

فاطمه زهرا علیهاالسلام آن قدر برای حجاب و عفاف خویش و آشکار نشدن حجم بدن در برابر مردان نامحرم اهمیت قائل بود که در روزهای آخر عمر،

۱- المناقب آل ابی طالب، ص ۳۸۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۱.
۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.
۳- همان، ص ۹۲.

نگران حمل جنازه خویش بود و به اسماء بنت عُمَیس فرمود: «چرا جنازه زن را روی تخت می گذارند و بالای دست مردان و زنان حمل می شود؟! من آشکار شدن حجم بدن زنان برای مردان را قبیح می دانم. حجم بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش دوزخ بپوشاند».

سپس زهرا علیهاالسلام به همسرش امیر مؤمنان علی علیه السلام سفارش کرد: «وصیت می کنم که برای من تابوتی درست کنی تا حجم بدنم پوشیده بماند؛ همان گونه که فرشتگان، شکل آن را به من نشان داده اند».(۱)

۱۲- ساده پوشی

سلمان فارسی می گوید: روزی فاطمه علیهاالسلام را دیدم که چادری وصله دار و ساده بر سر داشت. در شگفت ماندم و با خود گفتم: دختران پادشاه ایران و قیصر روم، بر کرسی های طلایی می نشینند و پارچه های زربفت به تن می کنند، ولی این دختر رسول خداست که نه چادری گران قیمت بر سردارد و نه لباس های زیبا.

فاطمه علیهاالسلام پاسخ داد: «ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس های زینتی و تخت های طلایی را برای ما، در روز قیامت ذخیره کرده است».(۲)

۱- همان، صص ۸۹ _ ۹۱؛ مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، صص ۸۱ _ ۸۳؛ ذخائر العقبی، ص ۵۳؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۸۷.

۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۱۶۲؛ بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۰۳؛ تفسیر برهان، ج ۲، ص ۳۴۶.

این کلام، اشاره بدان دارد که مظاهر ناچیز و دل فریب دنیا، فاطمه را نمی فریبد و او به منزلگاه ابدی چشم دارد.

۱۳- ایثار

عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم یاری خواست. پیامبر به اصحاب خویش نگریست. سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن بیچاره را برطرف سازد. هرجا رفت با دست خالی برگشت. با ناامیدی به سوی مسجد می آمد که چشمش به خانه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام افتاد. با خود گفت: فاطمه و خانه فاطمه علیهاالسلام، سرچشمه نیکوکاری است. درِ خانه را کوبید و داستان عرب مستمند را شرح داد. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: «ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزیده، سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندانم، حسن و حسین علیهماالسلام از شدّت گرسنگی بی قراری می کردند و خسته و مانده به خواب رفته اند، ولی من نیکی و نیکوکاری را که در خانه مرا کوبیده است، رد نمی کنم». آن گاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو بگذارد و مقداری خرما و جو قرض بگیرد.

سلمان می گوید: «پس از دریافت جو و خرما به طرف خانه فاطمه علیهاالسلام آمدم و گفتم: دختر رسول خدا! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه ات بردار.» پاسخ داد: «ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ

انجام دادیم و هرگز از آن استفاده نخواهیم کرد». (1)

۱۴- مهمان نوازی

مرد گرسنه ای در مسجد به پا خاست و گفت: «ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده ام، مرا میهمان کنید». پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «چه کسی این مرد را شب مهمان می کند؟» حضرت علی علیه السلام فرمود: «من، یا رسول الله!» کمی بعد وارد خانه شد و از فاطمه علیهاالسلام پرسید: «آیا غذایی در خانه داریم، مهمان گرسنه آورده ام.»

حضرت زهرا علیهاالسلام ایثارگرانه فرمود: «در خانه ما غذایی نیست مگر به اندازه خوراک دختر بچه، ولی امشب گرسنگی را تحمل می کنیم و همین مقدار غذا را به میهمان می بخشیم». (2)

زهد

زهد؛ یعنی جدا شدن از چیزی و رغبت نداشتن به آن. هرچه شوق انسان به آخرت بیشتر شود، زهد او در دنیا بیشتر خواهد شد.

فاطمه زهرا علیهاالسلام که مرتبه والایی از زهد را دارا بود، به سرگرمی های دنیوی به دیده حقارت و خواری می نگریست و قلب مبارکش به دوستی

۱- همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۷۲ و ۷۳؛ احقاق الحق، ج ۱۰، صص ۳۱۸ و ۳۱۹؛ مقتل الحسین، ج ۱، ص ۷۴.

۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، صص ۱۳۱ و ۱۳۰؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۵۹.

دنیا و آنچه در دنیاست، تعلق نمی یافت.

به سادگی می توان اساس زهد را نزد فاطمه زهرا علیهاالسـلام دریافت؛ زیرا این بانوی بزرگوار، دنیا را خوب می شناخت و به حیات اخروی نیز به روشنی علم داشت. پس تعجبی نخواهد داشت که بدانیم صدیقه طاهره علیهاالسلام در دنیا به مقداری بس اندک قناعت می فرمود و برای خویشتن لذت و فضیلت ایثار و به کمک دیگران شتافتن را انتخاب می کرد. ازاین رو، ثروت و مال در نظرش کم ارزش بود و از خوش گذرانی و غرق شدن در لذت های دنیوی پرهیز داشت.(۱)

۱۵- صداقت

صداقت و درستی، سیره همیشگی حضرت زهرا علیهاالسلام بود. او در گفتار و رفتارش، صادق واقعی و حقیقی بود و در رتبه بالایی از صدق و صفا قرار داشت، عایشه می گوید: «هرگز کسی را راستگوتر از فاطمه، جز پدرش پیامبر ندیدم».(۲)

عبادت

فاطمه زهرا علیهاالسلام، دخت برترین عبادتگر است؛ یعنی آن پیامبری که برای عبادت، ساعت های طولانی روی پا می ایستاد تا اینکه خدایش به وی

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام از ولادت تا شهادت، صص ۲۱۳ و ۲۱۴.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

فرمود: «طه ما اَنزَلنا عَلَیکَ القُرآنَ لِتَشقی؛ ای پیامبر! ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم تا به مشقت بیفتی». (طه: ۱ و ۲)

باید گفت فاطمه زهرا علیهاالسلام دقیقا معنی و ارزش عبادت را در معرفت نسبت به پروردگار می دانست. پس جای شگفتی نیست که این بزرگوار تا این حدّ از عبادت لذت ببرد و اظهار فروتنی کند. توگویی که هیچ گاه از قیام و رکوع و سجود، آزرده نمی شود.(۱)

دختر پیامبر همچنان که در زندگی زناشویی، نمونه بود، در اطاعت از پروردگار نیز همین گونه عمل می کرد. این از آن روست که زندگی انسانِ کامل، سراسرش طاعت و بندگی است و روابط خانوادگی نیز در آن، عین عبادت است.

هنگامی که فاطمه از کارهای خانه فراغت می یافت، به عبادت می پرداخت و بخشی از شب را نیز به عبادت مشغول بود. آن قدر نمازهای شب حضرت طولانی می شد و بر روی پاهای مبارکش می ایستاد که پاهایش ورم می کرد. فاطمه علیهاالسلام از ترس خدا در نماز، نفس نفس می زد. _حسن بصری_ (متوفای ۱۱۰ هجری) می گوید: «هیچ کس در میان امت از نظر زهد و عبادت و پارسایی از فاطمه علیهاالسلام والاتر نبود».(۲)

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام از ولادت تا شهادت، ص ۲۲۱.

۲- همان، ص ۶۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۱؛ مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۸۰؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۶۰.

۱۶- احترام به پدر

هنگامی که پیامبر مسئله خواستگاری علی علیه السلام را با فاطمه در میان گذاشت و نظر او را جویا شد، فاطمه با احترام به پدر فرمود: «به آنچه رضـای خـدا و رسول در آن است، رضـایت دارم. پـدرجان! شـما از من به اظهـار نظر در این مسـئله سـزاوارتر هستید».(۱)

این رفتـار فـاطمه علیهاالسـلام از جایگـاه ویژه مقـام پـدری پیامبر نزد فاطمه نشان دارد و او به خوبی بر ولایت دل سوزانه پـدر آگاه است. ازاین رو، رضایت و موافقت پدرش را مهم می داند.

در روایت دیگر نیز نقـل می کننـد: «هرگاه پیامبر بر دخترش وارد می شـد، فاطمه علیهاالسـلام به احترام پـدرش تمام قامت می ایستاد و به آن حضرت خوش آمد می گفت و دستان مبارکش را بوسه باران می کرد».(۲)

۱۷- بزرگداشت مقام علی علیه السلام

فاطمه زهرا علیهاالسـلام جایگاه والای همسر خویش را نزد خدای تعالی می دانست و همان گونه که یک زن مسـلمان به امام خویش احترام می گـذارد، به امام خود، علی علیه السـلام احترام می گذاشت، بلکه بسـی از این فزون تر و فراوان تر؛ زیرا باور داشت که وی به عنوان صاحب ولایت و خلافتِ برتر، امامتِ مطلقه، عزیزترین و محبوب ترین انسان ها نزد رسول خدا، برادر

۱- همان، صص ۹ _ ۳۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۴؛ ملحقات احقاق الحق، ج ۲۳، ص ۴۷۷.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۵.

عظیم الشأن و وارث و جانشین آن بزرگوار، صاحب مواهب درخشان و پیشینه ای بس نیکو در اسلام، جایگاه والایی نزد خداوند دارد.

با آنچه بیان شد، می توان فضایی را که آن زوج خوشبخت در آن می زیستند، به روشنی تصوّر کرد؛ جوّی که فقر و ناداری نمی توانست به آن صدمه ای برساند و حوادث روزگار توان پریشان کردن آن را نداشت.

در _مناقب_ نقل شده است که علی علیه السلام فرمود:

والله! فاطمه را غضبناک نکردم و وی را در هیچ امری دل چرکین نکردم تا زمانی که خدای تعالی وی را از دنیا برد و او نیز نافرمانی مرا در هیچ کاری نکرد و مرا خشمناک نکرد و هر لحظه که به وی می نگریستم، اندوه از وجودم رخت برمی بست.(۱)

۱۸- احترام به همسر

پس از ماجرای سقیفه، شیخین برای دلجویی از فاطمه خواستند با وی دیدار کنند. آنان درخواست خود را به آگاهی امیرالمؤمنین علی علیه السلام رساندند. امام علی علیه السلامموضوع را با همسرش در میان نهاد و فرمود: «منتظر اجازه ورود هستند، نظر شما چیست؟» فاطمه فرمود: «خانه، خانه شماست و من همسر شما هستم. هر آنچه می خواهید انجام دهید».(۲)

۱- فاطمه الزهرا علیهاالسلام از ولادت تا شهادت، صص ۱۸۱ _ ۱۸۳؛ موفق بن احمد خوارزمی، المناقب، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱، ج ۲، صص ۳۵۳ و ۳۵۴؛ تاریخ چهارده معصوم، ص ۲۱۷.

۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، صص ۲۱ و ۲۲؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۹۸ و ۲۰۳ با اندکی تفاوت؛ تاریخ چهارده معصوم، ص ۲۶۳.

۱۹- همسرداری

در نبرد اُحُد که سپاهیان اسلام، آماده رفتن به میدان جهاد در راه خدا شدند، عده ای از زنان مدینه خدمت پیامبر رسیدند و گفتند: «یا رسول الله! مردان با شرکت خویش در جهاد به ثواب فراوان و فیض شهادت نایل می شوند. به ما نیز اجازه فرما تا در فریضه جهاد شرکت جوییم.» پیامبر فرمود: «در خانه هایتان بنشینید که جهاد زن، نیکو شوهرداری کردن است».(۱)

البته این سخن پیامبر ناظر به شرایط عادی بود و بدان معنی نیست که زن در هر شرایطی خانه نشین باشد؛ زیرا در شرایط ویژه و ضرورت های اجتماعی، حضور زن در اجتماع از نظر اسلام جایز و بلکه در بعضی موارد مانند جهاد دفاعی، واجب است؛ چه اینکه حضور برخی زنان در جنگ های صدر اسلام و پرستاری شان از مجروحان جنگی نیز خطبه حضرت زینب با حضور امام سجاد علیه السلامدر مجلس ابن زیاد و مجلس یزید، برای بیان حقایق دین و حفظ اسلام بوده و مهم تر از همه، خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام و حضور وی در مسجد پیامبر و اقامه دعوا علیه حکومت وقت در دفاع از اساس دین و ولایت، همه و همه شاهد زنده و گویا بر این مدعاست.

نمونه والای شوهرداری در فاطمه زهرا علیهاالسلام مجسم است. او محیط خانه را چنان ساخته بود که آسایش علی علیه السلام و فرزندانش را فراهم می کرد، بدان حد که هرگاه رنج ها، غم ها، و دشواری ها به آن حضرت فشار می آورد،

۱- زندگی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۵۶، به نقل از: فروع کافی، ج ۱، ص ۳۲۹.

به سوی خـانه می آمـد؛ بـدان امیـد که لحظاتی با زهرا علیهاالسـلام سـخن گویـد و دلش آرام گیرد. آری، فاطمه علیهاالسـلام مَحرم اسرار علی علیه السلام بود.

فاطمه زهرا علیهاالسلام در دروان زندگی نُه ساله اش با علی علیه السلام، هرگز از آن حضرت خواهشی نکرد.

فاطمه علیهاالسلام می فرمود:

«پـدرم سـفارش کرد که از شوهرت علی علیه السـلام هرگز چیزی درخواست نکن، شایـد تهیه آن برایش ممکن نباشد و شـرم کند.»(۱) یا اینکه فرمود: «من از خدای بزرگ شرم و حیا می کنم که از شما چیزی را طلب کنم که برایت مقدور نیست».(۲)

۲۰- هم دردی در مصیبت های همسر

فاطمه در لحظه های غم بار پایان عمر می گریست. علی علیه السـلام پرسید: «چرا گریه می کنی؟» فرمود: «بر مصیبت هایی که پس از من بر تو باریدن خواهد گرفت، می گریم».(۳)

۲۱- همیشه در کنار علی علیه السلام

پس از رحلت پیامبر و روی آوردن مشکلات تازه تر به این خانواده نور،

۱- همان، صص ۵۶ و ۵۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۱.

۲- ینابیع المودّه، ص ۱۹۹.

۳- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۸؛ ذخائر العقبی، ص ۹۲.

فـاطمه علیهاالسـلام به شوهرش فرمود: «علی جان! جانم فـدای تو و سپر بلای تو، همواره با تو و در کنار تو خواهم بود. اگر تو در خیر و نیکی به سر بری، با تو خواهم زیست یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود».(۱)

۲۲- یار همسر در بندگی خداوند

پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله پس از ازدواج علی و فاطمه علیهماالسـلام، از علی علیه السـلام پرسـید: «فاطمه علیهاالسلام را چگونه یافتی؟» علی علیه السلام فرمود: «خوب یار و یاوری است در اطاعت کردن از خداوند».(۲)

۲۳- عشق به خانه داری

علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام پس از ازدواج، درباره مسئله ترتیب و تقسیم کارهای خانه با رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشورت کردند و به حضرت گفتند: «یا رسول الله! ما دوست داریم ترتیب و تقسیم کارهای خانه با نظر شما باشد».

پیـامبر، کارهای بیرون خانه را بر دوش علی علیه السـلام و کارهای داخلی را به عهـده زهرا علیهاالسـلام گـذاشت. علی و زهرا علیهماالسلام از اینکه نظر رسول خدا صلی الله علیه و آله را در زندگی خود دخالت دادند و ایشان با مهربانی و محبت ویژه از

۱- همان، ص ۱۴۸، به نقل از: حائری مازندرانی، کوکب الدری، ج ۱، ص ۱۹۶.

۲- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام ، ص ۲۲۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۳ و ۱۱۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۶.

پیشنهاد آنها استقبال کرد، راضی و خرسند بودند. زهرا علیهاالسلام فرمود: «یک دنیا خوشحال شدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا از سر و کار پیدا کردن با مردان معاف کرده است». (۱)

۲۴- تربیت فرزند

فاطمه علیهاالسلام در تربیت فرزندان بیشترین تلاش را از خود نشان داد. او با همه وجود کوشید فرزندانی تاریخ ساز و مُصلحِ جامعه بشری تربیت کند. وی به تمامِ معنی به جنبه های گوناگون وجودی فرزندانش توجه داشت و بذر محبت و معرفت خداوند را پیش از هر چیز دیگر در قلبِ فرزندان خود بارور ساخت.

اهتمام آن حضرت به تربیت اجتماعی فرزندان و نهادینه کردن روحیه مبارزه با ستم در وجود آنان در مطلب کوتاه زیر نمایان است، آن گاه که حضرت فاطمه علیهاالسلامهنگام بازی با امام حسن علیه السلام، در حالی که او را بالا و پایین می انداخت، می فرمود: «مانند پدرت باش، ریسمان از گردن حق بردار و خدای نعمت دهنده را پرستش کن و با دشمنان کینه توز، دوستی مکن». (۲)

۲۵- تحمّل فقر

فاطمه علیهاالسلام به پدرش فرمود: «پدرجان! صبح کردیم، در حالی که چیزی

۱- داستان راستان، ج ۲، ص ۲۵۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸؛ محمد بن حسین شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷، چ ۴، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۲- فاطمه زهرا علیهاالسلام بانوی نمونه اسلام، ص ۱۲۴؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶.

در خانه ما نیست تا رفع گرسنگی کنیم و ما در هر حال خدای بزرگ را سپاس گزاریم».(۱)

رعایت عدل و انصاف

سلمان می گوید: فاطمه علیهاالسلام را دیدم که با دست های مبارکش آسیاب دستی را می چرخاند. عرض کردم: «ای دختر رسول خدا! خود را این قدر به زحمت مینداز و کارِ خانه را به فضّه واگذار کن.» فاطمه علیهاالسلام فرمود: «پدرم به من سفارش فرمود که کارهای خانه را با فضّه تقسیم کنم؛ یک روز او کار کند و روز دیگر من. امروز نوبت من است».(۲)

۲۶- بهداشت

فاطمه زهرا علیهاالسلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که پس از خوردن غذا با دستی چرب و آلوده بخوابد، هیچ کس جز خودش را سرزنش ننماید».(۳)

۲۷- صبوری در شهادت

۱- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۳۰۱؛ بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۲۵۲؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۷۴.
۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸.
۳- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۵۴؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، قم، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ ه . ق، ج ۱، ص ۵۵۴.

هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حوادث دردناک آینده را برای فاطمه بیان می فرمود، به شهادت حسین علیه السلام فرزندش اشاره کرد. فاطمه پرسید: «فرزندم را در کجا شهید می کنند؟» پیامبر فرمود: «در سرزمینی به نام کربلا.» فاطمه فرمود: «ای پدر! در برابر خواسته های خدا تسلیم و راضی ام و به خدا توکل کرده ام».(۱)

۲۸- عشق به شهادت

چون هنگام وفات پیامبر، فاطمه از زبان ایشان شنید که اولین کسی خواهد بود که از خاندان پیامبر به او می پیوندد، لبخندی از شادی بر لبانش نقش بست و بدین گونه عشق خویش را به شهادت و لقای پروردگار آشکار ساخت.(۲)

۲۹- پشتیبان همسر در مبارزه

فاطمه علیهاالسلام در تمام مبارزه های همسرش، شامل مبارزه های سیاسی و جنگ های نظامی، مایه امید و دلگرمی او بود. در غیاب شوهر، خانه و فرزندان او را به خوبی اداره می کرد. با اشتیاق، به انتظار بازگشت شوهر از جنگ می نشست و با تمام توان می کوشید آسایش او را فراهم کند، به گونه ای که وقتی علی علیه السلام برمی گشت و ساعتی را در میان خانواده اش

ص:۶۴

۱- همان، صص ۲۰۷ و ۲۰۸؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۶۴؛ تفسیر فرات کوفی، تهران، هاتف، ۱۴۱۰ ه . ق، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲- همان، ص ۱۷۴، برگرفته از: ذخائر العقبی، ص ۴۱.

می گذرانـد، تمام خسـتگی های حاصل از جنگ، از تن او خارج می شـد و با خیال آسوده، خود را آماده نبردهای آینـده می کرد. وقتی علی علیه السـلام از جبهه باز می گردد، فاطمه به اسـتقبال او می رود و با روی گشاده و لبخنـد حاکی از رضایت به او می نگرد. لباس و شمشـیر او را می شوید و از حوادث میدان جنگ می پرسد و بدین وسیله نقش خود را در جهاد سرنوشت ساز اسلام و در تقویت روانیِ شوی مجاهدش ایفا می کند.(۱)

۳۰- نقش آفرینی در نبردهای صدر اسلام

در طول ده سال حکومت پیامبر در مدینه، نبردهای گوناگونی برای مسـلمانان روی داد. علی علیه السـلام در بسـیاری از جنگ ها حضور داشت و به عنوان فرماندهی دلاور انجام وظیفه می کرد که گاه برخی از این مأموریت های رزمی دو یا سه ماه طول می کشـید. بنابراین، در دوران مبارزه و جهادِ علی علیه السلام، فاطمه در غیاب آن حضرت، به تنهایی وظیفه سنگین اداره خانه و تربیت فرزنـدان را بر عهـده داشت. این نقش سـبب می شـد تـا علی علیه السـلام بـا خـاطری آسـوده، تنهـا به دفـاع از اسـلام بیندیشد.

با این همه، فاطمه خود نیز گاه در پشت جبهه به مـداوای مجروحان و کمک های دیگر می پرداخت. در جنگ اُحُـد، فاطمه به همراه زنان، مجروحان را پس از نبرد مداوا می کردند. در جنگ خندق، هنگامی که مدینه در

۱- عذرا انصاری، جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیهاالسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۴، صص ۲۴ و ۲۵.

محاصره دشمن بود، فاطمه زهرا علیهاالسلام برای پیامبر غذا برد. پیامبر فرمود: «این اولین غذایی است که پس از سه روز پدرت به دهان می گذارد».

گریه های فاطمه به یاد شهیدان اُحُد و دلداری های او به خانواده های شهدا، نقش اجتماعی وی را به خوبی آشکار می سازد.(۱)

رهبری امام علی علیه السلام از دیدگاه فاطمه علیهاالسلام

یگانه دخت پیامبر در خطبه آتشین خود در مسجد مدینه، پس از هشدارهای لازم و افشاگری های مناسب به معرفی ویژگی های رهبری امام علی علیه السلام می پردازد تا مغزهای خفته، بیدار شوند و بفهمند که چه نعمت بزرگی را از دست داده اند.

... به خدا سوگند، اگر برخی از شما در مقابل برخی دیگر می ایستادید و زمام امورتان را که پیامبر به علی واگذار فرمود، به دست وی سپرده بودید، آن را به ملایمت و سهولت راه می بُرد و این شتر را سالم به مقصد می رسانید و حرکتش، حرکتی رنج آور نمی شد.

اگر علی به زمام داری می رسید، هیچ گاه از بیت المال بهره فراوانی برای خویش به همراه نمی بُرد و از ثروت دنیا جز به اندازه نیاز برداشت نمی کرد، جز به اندازه آبی که تشنگی اش را بر طرف سازد و به اندازه طعامی که مختصری گرسنگی اش را رفع کند.

سپس امام علی علیه السلام را معرفی می کند و اول مظلوم تاریخ را چنین می شناساند:

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، صص ۶۵ ـ ۶۷.

فرسوده کوشا در امر خدا؛

نزدیک به رسول خدا؛

سروری در میان اولیای خدا؛

و نصیحتگر و پرتلاش است.(۱)

آینه کمال (چکیده ای زیبا از سیره رفتاری حضرت زهرا علیهاالسلام)(۲)

گاهی شکوه بانوی بزرگ جهان، چنان دل و جان را می آکند که توان هر سخن را از انسان می گیرد. جایگاه والای فاطمه اطهر علیهاالسلام، خیره کننده دیدگان هر بیناست. باید چشم بصیرت داشت تا گوشه ای از سراپرده جلال فاطمی را دید. باری، برخی در شناختن و شناساندن این بانو که مادر عصمت و آینه عفاف است، به دامن روایت ها و آیه هایی پناه می برند که گویای شأن والای اوست.

به راستی هم آنچه در قرآن، در منزلت این فخرزنان عالم آمده، بسیار است. روایت ها همچون دریایی موّاج و متلاطم، ساحل اندیشه ها و کرانه های معرفت را طراوت می بخشد، ولی در این میان، راه دیگری نیز وجود دارد که ما را با ژرفای کمال ها و جلوه فضیلت های این بانو آشنا سازد؛ آن هم نگریستن به «سیره عملی» و «شیوه رفتاری» اوست. در واقع،

ص:۶۷

۱- همان، صص ۷۶ _ ۷۸.

۲- «آینه کمال»، مقاله برگزیده این مجموعه است. مشخصات ارجاعیِ این مقاله چنین است: جواد محدثی، «آینه کمال، چکیده ای زیبا از سیره رفتاری حضرت زهرا علیهاالسلام »، پیام زن، ش ۶۸، صص ۹۸ _ ۱۰۰.

زندگی نامه زیبا و پرنکته و آموزنده او در ابعاد گونه گون، آینه ای است که نوری از بزرگی ها و فضایل او را بر رواق دلمان می تاباند و شبستان جان را همچون روز روشن می سازد.

ازاین رو، مروری داریم بر چند فراز فروزان و برجسته از زندگی حضرت زهرا علیهاالسلام که بیشتر، کاربردی و عملی است؛ چون او «اسوه» است و «الگو» ... و ما نیز که در پی الگوگیری از سیره و زندگانی و ویژگی های آن محبوبه خداییم، شایسته است که در بند بند این بخش های نورانی از حیات فاطمه علیهاالسلام، به دقت بنگریم و درس هایی را که از تک تک این نمونه ها می آموزیم، در کلاس زندگی به کار بندیم:

۱. حضرت زهرا علیهاالسلام درچهره، گفتار و رفتار، بسیار به رسول خدا صلی الله علیه و آلهشباهت داشت و هیبت و هیئت او یادآور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.

۲. آن حضرت، شیفته عبادت و نیایش به درگاه الهی بود. آن قدر در پیشگاه خدا به عبادت می ایستاد که پاهایش ورم می کرد و در نمازهایش از خوف خدا می گریست.

۳. برای هر یک از روزهای هفته، دعای ویژه ای داشت. در تعقیبات نماز هم دعاهای ویژه ای می خواند. (متن دعاهای روزانه و تعقیبات نماز آن بانو در کتاب های حدیث آمده است).

۴. روزی خسته از کارهای طاقت فرسای خانه، با دست های تاول زده به محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت تا برای کمک در انجام کارهای خانه، کنیزی برای خود بگیرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله، تسبیحات را به ایشان آموخت و گفت از هر کنیز و خدمتکاری بهتر است. این تسبیحات، «تسبیحات

حضرت زهرا علیهاالسلام» نام گرفت. این ذکرهای شریف را حضرت جبرائیل، از سوی خدا به حضرتش آموخته بود.

۵. تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام، نخی بود که به تعداد ذکرها و تکبیرها، «گره» داشت و با آن تسبیح می گفت. پس از شهادت حمزه سیدالشهدا در جنگ اُحُد، از خاک تربت او تسبیح ساخت و با آن ذکر می گفت. از آن پس، مردم نیز چنان کردند. این نوعی احیای فرهنگ شهادت و الهام گیری از روح شهیدان راه خداست.

۶. حضرت زهرا علیهاالسلام هم در سخن، معلم حجاب بود، هم در رفتار، اسوه عفاف. عقیده داشت بهترین چیز برای زن، آن است که نه مردان نامحرم او را ببینند و نه او مردانِ نامحرم را. داستان آن مرد نابینا که به محضر پیامبر آمده بود و حضرت فاطمه علیهاالسلام به پشت پرده رفت، شاهد این سخن است.

۷. گاهی شب های جمعه تا صبح، به نماز و دعا می پرداخت و برای دیگران دعا می کرد، ولی برای خود، چیزی از خدا نمی خواست. وقتی فرزندان خردسالش راز این کار را می پرسیدند، می فرمود: «فرزندانم! اول همسایگان، آن گاه خانه».

۸. فاطمه زهرا علیهاالسلام، محبوب دل رسول خدا بود و پیامبر به او علاقه ویژه ای داشت؛ زیرا اهل زهد و عبادت بود. به همین سبب، نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یادآور حضرت خدیجه علیهاالسلام بود.

۹. «ادب»، سیره رایج حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به پدر بزرگوارش بود. هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد فاطمه می رفت، وی برمی خاست، پدر را

ص:۶۹

می بوسید و احترام می کرد و او را در جای خویش می نشاند.

۱۰. کمال ایمان و خلوص در بندگی و قرب او در پیشگاه معبود، به حدی بود که پیامبر، خشم و رضای او را خشم و رضای پروردگار می دانست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلهفرمود: «هرکه او را بیازارد، مرا آزرده است و هرکه مرا بیازارد، خدا را آزرده است.» و حدیث است که خدا به خاطر خشم و رضای فاطمه علیهاالسلام، خشمگین یا راضی می شود.

۱۱. وی از توان مالی خویش در راه محرومان نیازمند، بهره می گرفت. یک بار، پارچه ای را که داشت، به رسول خدا صلی الله علیه و آله داد. آن حضرت نیز آن را تکه تکه برید و به تعدادی از اسیرانِ بی لباس رومی داد که خود را بپوشانند.

۱۲. حضرت زهرا علیهاالسلام، ساده زندگی می کرد. از تجمل در زندگی پرهیز داشت و سختی های دنیا را تحمل می کرد تا به شیرینی های آخرت برسد. وسایل زندگی او ساده و مهریه اش اندک بود.

۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، در شب عروسی حضرت زهرا علیهاالسلام گوسفندی ذبح کرد و به تعداد زیادی از مسلمانان مهمانی داد. جمعیت مهمان و افرادی که برایشان غذا فرستاده شد، فراوان بود، ولی با دعای حضرت رسول، غذای اندک، برکت یافت و همه سیر شدند.

۱۴. حضرت فاطمه علیهاالسلام در صحنه های دفاع از دین و پیامبر، حاضر بود. از جمله در جنگ احد به امدادگری و مداوای زخم های رسول خدا صلی الله علیه و آلهمشغول بود.

۱۵. آزاد ساختن بردگان در نظر او کاری ارزشمند بود. گردن بندی را که

علی علیه السـلام برای او خریـده بود، فروخت و بـا پول آن، برده ای خریـد و آزاد کرد. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله از این کار دخترش بسیار شادمان گردید و او را ستود.

۱۶. آیین خـانه داری و همسـرداری را به خوبی مراعـات می کرد و در زنـدگی، واقعا شـریک همسـرش علی علیه السـلام بود. گاهی غذایی در خانه نبود و کودکان گرسـنه بودند، ولی فاطمه علیهاالسـلام چیزی به حضـرت علی علیه السـلام نمی گفت و چیزی از او درخواست نمی کرد. بیم داشت که همسرش نتواند خواسته او را برآورده کند و شرمنده شود!

۱۷. خـانواده فـاطمه علیهاالسـلام، الگـوی کمـک به بیچارگـان و ایثـارگری نسـبت به نیازمنـدان بـود. علی علیه السـلام و زهرا علیهاالسـلام سه روز روزه نذری گرفتند و هر سه روز، افطار خود را به یتیم، مسـکین و اسـیر دادند. خدای متعال در سـتایش و تقدیر از این ایثار خالصانه که جز برای خدا نبود، سوره «هل اتی» را نازل فرمود که به این داستان اشاره دارد.

۱۸. کارهـا میـان علی علیه السـلام و فـاطمه علیهاالسـلام تقسـیم شـده بود. آوردن آب و تهیه هیزم و کارهای خارج از خانه بر عهده علی علیه السـلام و درست کردن آرد و خمیر و نان پختن و کارهای داخل خانه با فاطمه علیهاالسـلام بود. حضـرت زهرا علیهاالسلام این گونه تقسیم کار را بسیار می پسندید.

۱۹. همدم رنج ها و غصه های شوهر بود و او را پناه خود می دانست. علی علیه السـلام می فرمود: «وقتی به خانه می آمدم و به زهرا نگاه می کردم، تمام غم و اندوهم برطرف می شد. هرگز کاری نکردم که فاطمه از من خشـمناک و ناراحت شود. فاطمه نیز هرگز مرا خشمناک نساخت».

۲۰. زهرای اطهر علیهاالسلام، احیاگر یاد شهیدان و وفادار به خاطره های ارزشمند آنان بود. روزهای دوشنبه و پنج شنبه به اُحُد می رفت و مزار شـهدای اُحُد و حضـرت حمزه را زیارت می کرد و چون در صحنه اُحُد حضور یافته بود، به عنوان یک شاهد زنده و راوی حادثه، به دیگران نشان می داد که: اینجا پیامبر بود و آنجا مشرکان بودند و... .

۲۱. از نمونه های فروتنی او، رفتار شایسـته با خـدمتکار خانه اش، فضّه است. در سال های آخر که پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله، فضّه را برای خدمت به خانه فاطمه علیهاالسلام فرستاد، ایشان کارهای خانه را میان خودش و فضّه تقسیم می کرد.

۲۲. در مسائل اجتماعی و سیاسـی جامعه اسلامی، بی تفاوت نبود و جبهه حق را یاری می کرد. پس از رحلت پیامبر و هنگامی که فدک را از او گرفتند، همراه زنانِ بنی هاشم به مسجد آمد و در جمع مسلمانان حاضر، با خطبه ای که پشت پرده خواند، از بدعت ها، ستم ها، حق کُشی ها و فراموش کردن وصیت پیامبر و احیای سنت های جاهلی انتقاد کرد. (این خطبه شریف و بلند و عمیق را تعدادی از دانشمندان و نویسندگان تاکنون شرح کرده اند).

۲۳. تلاش برای اثبات حق و مقابله با انحراف در رهبری امت اسـلامی را تکلیف خود می دانست. گاهی شب ها به همراه علی علیه السلام به در خانه مهاجران و انصار می رفت و در حمایت از ولایت، وصیت پدرش را به یادها می آورد و آنان را به دفاع از حق شوهرش در مسئله خلافت و حق خودش فرا می خواند، هرچند آنان با سردی و بی مهری پاسخ می دادند!

ص:۷۲

۲۴. زهرا علیهاالسـلام تـا زنـده بـود، علی علیـه السـلام حـامی نیرومنـدی داشـت و بـه تعـبیر بعضـی بزرگـان، بـه خـاطر فـاطمه علیهاالسـلام، تا حدی حرمت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را پاس می داشتند، ولی پس از شهادت حضرت فاطمه علیهاالسلام، علی علیه السلام تنها و بی پناه ماند.

۲۵. حضـرت زهرا علیهاالسـلام پس از وفات پیامبر خدا صـلی الله علیه و آله، دیگر خندان و شادمان دیده نشد تا آنکه چشم از جهان فرو بست.

۲۶. پیش از وفات، به ـاسـماء ـ وصـیت کرد که پس از مرگ، بـدن مرا داخل تابوتی بگذارنـد تا حجم بـدن دیـده نشود. این شیوه تا آن زمان مرسوم نبود. این وصـیت، درسـی از عفاف و حیا بود که بانوان بایـد در برابر دیـدگان نامحرمان، آن را مورد توجه خود قرار دهند.

۲۷. آگاهی، درایت و آینده نگری او تا آنجا بود که برای افشای ستم غاصبان، وصیت فرمود که پیکرش را شبانه غسل دهند تا ظالمـانی که او را آزرده بودنـد، در مراسم دفن او حاضـر نشونـد و از این حضـور، برای تطهیر خـود و تـوجیه کارهایشـان بهره برداری سیاسی نکنند.

اینها و نمونه های دیگری از سیره رفتاری آن بانوی بی همتا، جلوه های «الگو» بودن او برای همه فضیلت خواهان و حق جویان است که در پی «اسوه» و سرمشقِ «چگونه زیستن»اند.

امیـد است که این گونه خصـلت ها و رفتارها، همچون تابلویی، پیوسـته در برابر دیدگانمان باشد و اگر همواره آن حضـرت را سرمشق و اسوه می دانیم و معرفی می کنیم، «جهات الگویی» او را نیز در قالب سیره عملی و رفتاری

ص:۷۳

حضرتش بشناسیم و بشناسانیم. در این صورت، بهتر می توان شیوه و مرام فاطمی را در بستر زندگی و اخلاق عینی اجرا کرد.

فصل سوم: منزلت فاطمه علیهاالسلام

اشاره

هـدف از بیـان جایگـاه والاـی حضـرت فاطمه علیهاالسـلام، آگاهی بیشتر با بلنـدای مقام زهرا علیهاالسـلام و درس آموختن از مکتب پربار اوست تا هر مسلمان به ویژه زن مسلمان دریابد که چه الگوی ارزنده ای را در تمامی زمینه های زندگی داراست؛ چرا که فـاطمه علیهاالسـلام از جنبه انسـانی اش بشـری چون دیگران است، ولی از جنبه معنوی به آنجا رسـید که شـناخت همه جنبه هـای شخصـیتش، بس دشوار است. مقـامی که آن بزرگوار به سـبب بنـدگی خـدا به دست آورد، مقـامی بس ارجمنـد و فضایلش بی شمار و وجودش بی همتاست.

و تو، ای دوستدار فاطمه علیهاالسلام! اگر پیرو او باشی و به راه او روی، هر چند بسان خود فاطمه علیهاالسلام نشوی، ولی شیعه و پیرو او گردی و به قله کمال انسانیت و معرفت برسی که او بهترین راهنمای راه است.(۱)

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۱۳۴.

دانش زهرا علیهاالسلام

حضرت زهرا علیهاالسلام بر مسائلی که از دیگران پوشیده بود، اشرافی وسیع داشت. از جمله مواردی که حضرت پیش از وقوع، از آن با خبر بود، «زمان مرگ خویش» است. اسماء بنت عمیس، همسر جعفر طیار، در روایتی می گوید:

حضرت زهرا هنگام وفات به من فرمود: «هنگام وفات پیامبر، حضرت جبرئیل مقداری کافور بهشتی برای رسول خدا آورد. پیامبر آن را سه قسم کرد، یک قسم آن برای خود برداشت و قسم دیگر را برای علی علیه السلام و قسم آخر را برای من گذاشت. ای اسماء! آن مقدار کافور را بیاور و کنار سرم بگذار. اندکی صبر کن و در انتظار من باش. سپس مرا صدا بزن، اگر جوابت را ندادم، بدان که به پدرم رسول خدا ملحق گشته ام.

اسماء می گوید: اندکی صبر کردم و آن گاه فاطمه علیهاالسلام را صدا زدم، جوابی نشنیدم، دانستم که به ملکوت اعلی پیوسته است.(1)

همچنین _سلمی، امّ بنی رافع_ نقل می کند که در لحظه های واپسین زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام در خدمتش بودم. آبی برای غسل و شست وشوی بدن خواست، آماده کردم. سپس فرمود: «لباس های تازه مرا بیاورید.» آوردم. آنها را به تن کرد و در بسترِ خواب، رو به قبله قرار گرفت. آن گاه خطاب به من

۱- فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۲۳۶؛ کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۸۶؛ علامه بحرانی، عوالم العلوم، قم، امیر، ۱۴۱۱ ه . ق، ج ۱۱ ص ۵۸۴؛ احمد حنبل، مسند، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ه . ق، چ ۲، ج ۱۰، ص ۱۵۷.

فرمود: «ای مادر! من در همین لحظه، قبض روح می شوم و به سوی پروردگارم خواهم رفت. من از جان فارغ شدم و غسل کرده و با لباس های پاکیزه آرمیده ام. پس هیچ کس لباس از تن من نگیرد».(۱)

روایت های دیگر حاکی از آن است که حضرت زهرا علیهاالسلام به شهادت حسینش در کربلا واقف بوده است. چنانچه همواره این شعر را زمزمه می کرد: «فرزندانم، دیشب را گرسنه به روز آوردند. فرزند کوچک من حسین در میدان جنگ کشته می شود. در کربلا، فرزندم را با حیله و تزویر شهید می کنند. وای و نکبت و عذاب بر قاتلانش باد».(۲)

آگاهی حضرت زهرا علیهاالسلام از وقایع گذشته و آینده از دیگر جنبه های وجودی اوست. عمار یاسر نقل می کند:

روزی حضرت فاطمه علیهاالسلام خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «علی جان! بیا تا تو را از آنچه در گذشته اتفاق افتاد و آنچه در حالِ به وقوع پیوستن است و آنچه در آینده رخ خواهد داد تا روز قیامت، مطلع سازم. ای ابا الحسن! بدان که خداوند نور [وجود] مرا آفرید، در حالی که پیوسته تسبیح خدای بزرگ می گفت... و من از همان نور هستم. ای ابا

۱- همان، ص ۲۲۸؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۶۴؛ بحارالانوار، ۴۳، ص ۱۸۶؛ محمد بن سعد، طبقات الکبری، بیروت، دار صادر، ج ۸ ، صص ۲۷ و ۲۸.

۲- همان، ص ۲۳۱؛ امالی صدوق، ص ۲۵۸؛ احقاق الحق، ج ۹، صص ۱۱۷ _ ۱۱۹؛ بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۳۹.

الحسن! مؤمن با نور خدای تعالی [به حقایق] نظر می کند».(۱)

از جلوه های دیگر علم زهرا علیهاالسلام می توان از «مُصحف» ایشان نام برد.

مصحف فاطمه علیهاالسلام، مظهری از دریای علم فاطمی

کتابی که خداوند بزرگ، لایق مقام والای حضرت زهرا علیهاالسلام قرار داده، «مصحف فاطمه علیهاالسلام» است. مصحف فاطمه علیهاالسلام از ودیعه های امامت است که پس از شهادت آن حضرت، نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود و در کنار «کتاب علی علیه السلام» که املای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دستخط امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، به دست یکایک ائمه علیهم السلامرسیده و اکنون نزد حضرت بقیه الله الاعظم، حجه بن الحسن العسکری _ ارواحناه فداه _ محفوظ است. این کتاب را به جز امامان، کسی ندیده است و از مطالب آن آگاهی ندارد.(۲)

آنچه از محتوای کتاب می دانیم، این است که درباره وقایع جهان از روز اول تا آخرین ساعت آن سخن گفته می شود. تألیف آن در طول هفتاد و پنج روزْ زندگی فاطمه علیهاالسلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفته و قرین «کتاب علی علیه السلام» است که شامل تفسیر کامل قرآن و همه احکام الهی

۱- همان، ص ۲۳۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸؛ ذبیح اللّه محلاتی، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۸۵؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۲؛ عبدالحسین علامه امینی، فاطمه الزهرا علیهاالسلام، اُمّ ابیها، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۷ .

۲- اسماعیل انصاری زنجانی، فاطمه در آینه کتاب، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۱۱ و ۱۲، به نقل از: الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۲۶، شماره ۴۲۴۸.

می شود.

امام صادق علیه السلام درباره «مصحف فاطمه علیهاالسلام» می فرماید:

پس از رحلت پیامبر، جبرئیل خدمت حضرت زهرا علیهاالسلام می آمد و او را تسلیت می داد و وقایع آینده جهان را برای آن حضرت می گفت. امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم آن مطالب را از لسان حضرت زهرا علیهاالسلام می نوشت تا به صورت کتاب بزرگی درآمد. بنابراین، «مصحف فاطمه» مطالبی است که خداوند به وسیله جبرئیل علیه السلام به آن حضرت الهام کرده است.(۱)

عصمت فاطمه علیهاالسلام

در شأن نزول آیه تطهیر، روایت های متواتری از اهل سنت در دست است. بر همگان پیداست که آیه تطهیر در خانه «ام سلمه» نازل شد و هنگام نزول آیه، رسول خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا، علی، حسن و حسین علیهم السلام حضور داشتند. در آن هنگام، پیامبر عبای خویش را بر آنان افکند و بدین ترتیب آنان از باقی اهل خانه و دیگران جدا و مشخص شدند. آن گاه دست ها را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: «خدایا، اینان اهل بیت من هستند، پس بر محمد و آل او درود فرست.» خداوند عزوجل نیز این آیه را در شأن آنان نازل فرمود: «إِنَّما یُرِیدُ اللّهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا؛ همانا خداوند اراده فرموده است که زشتی ها و پلیدی ها را از شما دور سازد و شما را

۱- همان؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹۵؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، ولی عصرعج، ۱۳۷۷، چ ۲، ج ۲، ص ۳۵۶.

پاک و مطهر گرداند». (احزاب: ۳۳)(۱)

این آیه، صریح ترین گواه بر طهارت اهل بیت علیهم السلام از جمله زهرا علیهاالسلام است و تصدیقی است واضح بر مقام عصمت حضرتش.

نافع ابن ابی حمرا می گوید: مدت ۹ ماه و به قولی ۶ ماه(۲) و بنابر نقل سوم ۱۲ ماه،(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی برای نماز صبح به مسجد تشریف می برد، از کنار خانه فاطمه علیهاالسلامعبور می کرد و می فرمود: «السلام علیکم اهل البیت و رحمه اللّه و برکاته، الصّلاه و بعد این آیه را تلاوت می کرد: انّما یرید اللّه ...».(۴)

شفاعت فاطمه علیهاالسلام

از مقام های حضرت زهرا علیهاالسلام، شفاعت و بشارت امت به نجات است. تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «ای فاطمه! تو را مژده باد که در پیشگاه خدا، مقامی شایسته داری که برای دوستان و شیعیانت شفاعت کنی و شفاعت تو مورد قبول حق قرار گیرد».(۵)

در روایتی از زهرای مرضیه علیهاالسلام نقل شده است: «آن گاه که در روز قیامت

۱- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۱۸۵؛ مسند حنبل، ج ۱۰، ص ۱۵۷؛ حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، بی تا، ج ۳، ص ۱۴۷؛ محمد بن جریر طبری، تفسیر طبری، مصر، مطبعه المصطفی، ۱۳۷۳، چ ۳، ج ۲۲، ص ۷.

۲- ذخائر العقبی، ص ۲۴.

۳- فاطمه الزهرا علیهاالسلام، اُمّ ابیها، ص ۱۷.

۴- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۳؛ خاندان وحی، ص ۸۹ به نقل از: الدرّ المنثور؛ سلیمان ابن احمد طبرانی، معجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمه، ج ۲۲، ص ۴۰۲.

۵- بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۹.

برانگیخته شوم، از گناهکاران امت پیامبر شفاعت خواهم کرد».(۱)

دوستی فاطمه علیهاالسلام در قرآن

پس از نزول آیه مودت: «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْرًا إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی؛ ای پیامبر! بگو من برای انجام رسالتم، پاداشی از شما نمی خواهم مگر محبت و اظهار دوستی با خویشان نزدیکم.» (شورا: ۲۳)، کسی پرسید: ای رسول خدا! خویشان نزدیکت که دوستی آنان بر ما واجب است، چه کسانی هستند؟ حضرت در پاسخ فرمود: «علی، فاطمه و دو فرزندشان حسن و حسین علیهم السلام».(۲)

پیامبر همچنین فرمود: «خداوند اجر و پاداش رسالت مرا محبت و دوستی اهل بیت من بر شما قرار داده است و من فردای قیامت در مورد آن از شما خواهم پرسید.»(۳) و کسی که دخترم، فاطمه را دوست داشته باشد، او در بهشت همراه من است.(۴)

کوثر قرآن

در تفسیر سوره کوثر، مفسران برای «کوثر» معانی گوناگونی بیان کرده اند که هیچ یک همدیگر را نفی نمی کنند. امام صادق علیه السلام فرموده است: «کوثر،

۱- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۲۰۵؛ احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۱۲۹ و ج ۱۰، ص ۳۶۷.

۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۱۲۶؛ ذخائر العقبی، ص ۲۵؛ مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۵۷؛ جلال الدین سیوطی، الدُر المنثور، قم، مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۷.

۳- ذخائر العقبی، صص ۲۵ و ۲۶.

۴- مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، صص ۵۹ و ۶۰؛ فاطمه الزهرا علیهاالسلام، امّ ابیها، ص ۲۶.

زیادتی نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله از فرزندان فاطمه علیهاالسلام است تا قیامت، به گونه ای که به شمار نیایند».(۱)

در عوض، این دشمن پیامبر است که پس از خود، نسلی نخواهد داشت. می بینیم که چگونه فرزندان پیامبر از زهرا علیهاالسلام، تنها دختر او بازمانده اند. آیا از هیچ کسی بدین گونه، نسلی انبوه برجای مانده است؟ این در حالی است که به گواهی همه تاریخ نگاران، هیچ یک از فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزندان آنها زنده نماندند و از آنان نسلی پا نگرفت، به جز فاطمه علیهاالسلام که هرچند کوتاه زیست، ولی به برکت وجود او، خداوند به رسول خدا صلی الله علیه و آله توجهی ویژه داشت.(۲)

فضیلت و مقام فاطمه علیهاالسلام در نگاه معصومان

به برخی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فاطمه علیهاالسلام اشاره می کنیم:

ـ فاطمه سرور زنان بهشت است و حسن و حسین، سرور جوانان بهشتند.(۳)

ـ فاطمه، پاره تن من است. هرکس او را به خشم آورد، مرا به خشم

۱- همان، ص ۱۳۰؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۴۹.
۲- زندگانی فاطمه الزهرا علیهاالسلام، ص ۱۲۰.
۳- همان، ص ۱۲۸؛ مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۸۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۹؛ مسند حنبل، ج ۴، صص ۱۵۸ و ۱۵۹؛ مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۱.

آورده است.(۱)

ــ ای فاطمه! به درستی که خداوند با غضب تو غضب می کند و با رضای تو راضی می گردد.(۲)

ــ در شب معراج دیدم که بر درِ بهشت این کلمات نوشته بود: خدایی نیست جز خدای بی همتا؛ محمد، فرستاده خداست؛ علی، محبوب خداست؛ فاطمه، حسن و حسین، برگزیدگان خدایند. از رحمت خداوند دورند، کسانی که با آنها کینه و دشمنی دارند.(۳)

ــ دخترم، فاطمه با فرزندان و شیعیانش وارد بهشت می شود و در این باره است که خدای تعالی می فرماید: «هرگز هول و هراس روز قیامت، آنها را غمگین نمی سازد و آنچه از نعمت ها که به آن مشتاق و مایلند، در بهشت تا ابد بهره مندند.» به خدا سوگند، آنان، فاطمه علیهاالسلام و ذریّه و شیعیانش هستند.(۴)

از علی علیه السلام درباره فاطمه علیهاالسلام پرسیدند، فرمود: «فاطمه بهترین یاور من

۱- همان، ص ۱۲۹؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۲؛ مسند حنبل، ج ۶، صص ۴۸۷ و ۵۰۲؛مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۶.

۲- همان، ص ۱۳۰؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۵؛ کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۷۴؛ ذخائر العقبی، ص ۳۹.

۳- همان، ص ۱۳۱؛ احمد بن علی خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱، ص ۲۵۹؛ فاطمه الزهراء علیهاالسلام ام ابیها، ص ۴۳.

۴- همان، ص ۱۳۱؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۳؛ فاطمه الزهرا علیهاالسلام اُمّ ابیها، ص ۷۷، به نقل از: تفسیر فرات، ص ۱۶۸.

در راه اطاعت و بندگی خداست.»(۱) امام صادق علیه السلام به شخصی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمود: «حال که نام او را فاطمه گذاشته ای، دشنامش مده، نفرینش مکن و او را مزن».(۲)

امام عصر علیه السلام در یکی از نامه هایشان فرموده است: «دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیهاالسلام، الگو و مقتدای من است».(۳)

امام کاظم علیه السلام فرمود: «فاطمه بانوی بسیار راستگویی بود که او را به شهادت رسانده اند».(۴)

۱- عبدالرحیم موگهی، یاس عصمت، قم، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۷؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۵۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۱۱۷ و ۱۳۳.
۲- اصول کافی، ج ۶، ص ۴۸
۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.
۴- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۴۳.

فصل چهارم: زهرا علیهاالسلام در آینه کلام امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری

امام خمینی رحمه الله:

ــ زنی که در حجره ای کوچک و خانه ای محقّر، انسان هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلا می درخشد. صلوات و سلام خداوند متعال بر این حجره محقری که جلوه گاه نور عظمت الهی و پرورشگاه زبدگان اولاد آدم است.(۱)

ــ من راجع به حضرت صدیقه علیهاالسلام خودم را قاصر می دانم ذکری بکنم.(۲)

ــ تاریخ اسلام، گواه احترامات بی حد رسول خدا صلی الله علیه و آله به این مولود شریف [حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام] است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.(۳)

ــ این خانه کوچک فاطمه علیهاالسلام و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد چهار ــ پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲- همان، ج ۱۹، ص ۲۷۹.

۳- همان، ج ۱۴، ص ۲۰۱.

قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت هایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است.(۱)

ـ همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله او [حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام] و فرزندان او بگیریم و همان طوری که او بوده است، باشیم.(۲)

ـ ما مفتخریم که... صحیفه فاطمیه که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ماست.(۳)

مقام معظم رهبری:

ـ ما بایـد احساس محبت به فاطمه زهرا علیهاالسـلام را در زنـدگی خود پیاده کنیم؛ زیرا بدون پیوند عملی به اصل آن، محبت مورد سؤال قرار خواهد گرفت. در پی محبت باید اطاعت و متابعت باشد.(۴)

ـ خداونـد با توجه به معرفت، خلوص، صبر و فداکاری حضـرت فاطمه زهرا علیهاالسـلام، آن حضـرت را مرکز فیوضات خود قرار داده است. مـا که خود را محبّ آن بـانوی بزرگ اسـلام می دانیم، بایـد در اطـاعت، عبـادت و جهـاد، رهرو آن حضـرت باشیم.

ـ ما محبت به آن حضـرت را باید در عمل خود نشان دهیم. آیا به راستی ما نیز همانند فاطمه زهرا علیهاالسـلام حاضـریم برای سیر کردن گرسنگان، قرص نانی را از گلوی خود و فرزندانمان بزنیم.

۱- همان، ج ۱۶، ص ۶۷ .

۲- همان، ج ۱۹، ص ۱۲۱.

۳- همان، ج ۲۱، ص ۱۷۱.

۴- مهر ولایت، سخنرانی در دیدار با مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۷/۱/۱۳۶۹.

ـ سعی کنید پیروان صادق حضرت فاطمه علیهاالسلام باشید.

ـ مادران ما می دانند اگر بخواهند پیروان صادق فاطمه علیهاالسلام باشند، باید در دامان خویش، یاران حسین علیه السلام و زینب علیهاالسلام را بپرورانند.

ـ عمده ترین رمز بقای اسلام، از طریق اولاد زهرا علیهاالسلام باقی ماند.

ـ خودسازی و تأثیر سازنده در محیط زندگی انسان ها، راهی است که فاطمه زهرا علیهاالسلام پیمود و ما نیز به عنوان پیروان آن حضرت باید در همین راه حرکت کنیم.

ـ در دوران بعد از هجرت و در آغاز سنین تکلیف، فاطمه زهرا علیهاالسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام ازدواج می کند. آن مهریه فاطمه است، آن جهیزیه فاطمه علیهاالسلام است. شاید همه شما بدانید که فاطمه زهرا علیهاالسلام که دختر شخص اول دنیای اسلام بود و پدرش بر آن مردم حاکم بود، با چه سادگی و وضع فقیرانه ای، ازدواج خود را می گذراند.

ـ در دورانی هم که راه فتوحات و غنایم باز شده است، دختر پیغمبر ذره ای از لذت های دنیا و تشریفات و تجملات و چیزهایی را که دل دخترهای جوان و زن ها متوجه آنهاست، به خود راه نمی دهد.

ـ آن خطبه ای که فاطمه زهرا علیهاالسلام در مسجد مدینه بعد از رحلت پیغمبر ایراد کرده است، خطبه ای است که به گفته علامه مجلسی، بزرگان، فصحا، بلغا و دانشمندان باید بنشینند کلمات و عبارات این خطبه را معنی کنند. این قدر پرمعنی است از لحاظ زیبایی هنری، این سخن فاطمه زهرا علیهاالسلام مِثلِ زیباترین و بلندترین کلمات «نهج البلاغه» و در حد سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام است.

ـ فاطمه زهرا علیهاالسلام می رود در مسجد مدینه می ایستد در مقابل مردم و ارتجالاً حرف می زند. شاید ایشان یک ساعت صحبت کرده است. با بهترین و زیباترین عبارات و زبده ترین و گزیده ترین معانی.

ـ آن عبادتش، این فصاحت و بلاغتش، این فرزانگی و دانشش، این معرفت و حکمتش، آن جهاد و مبارزه اش، آن رفتارش به عنوان یک مادر، آن احساسش به مستمندان.

ـ این شخصیت جامع الاطراف فاطمه زهرا علیهاالسلام است، این الگوست، الگوی زن مسلمان این است.(۱)

ـ فاطمه زهرا علیهاالسلام، فرشته نجات انسان ها در طول تاریخ است.(۲)

ـ فاطمه زهرا علیهاالسلام در قله بشریت قرار دارد و کسی از او بالاتر نیست.(۳)

ـ تا دنیا دنیاست، خورشید درخشان اظهر زهرای اطهر خواهد درخشید.(۴)

ـ آن بزرگوار، از یک طرف، مظهر تعبد و تسلیم در مقابل تکلیف الهی و مظهر مجاهدت و شهادت مظلومانه است و از طرف دیگر، مظهر عظمت و شکوه و تنویر افکار عامه ملت اسلام در طول قرن هاست.(۵)

ـ اسلام، فاطمه، آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی را به عنوان نمونه و

۱- یاس عصمت، صص ۱۰۴ و ۱۱۳.

۲- مهر ولایت، سخنرانی در دیدار با مداحان، ۷۱۹/۱۳۷۷.

۳- همان، سخنرانی در دیدار با گروهی از زنان پزشک، ۲۶/۱۰/۱۳۶۸.

۴- همان، سخنرانی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران، ۲۶/۶/۱۳۷۶.

۵- همان، سخنرانی در دیدار با خانواده های شهدا و جانبازان رودبار و منجیل، ۱۳/۱۰/۱۳۶۸.

اسوه زن معرفی می کند.(۱)

_ فاطمه زهرا علیهاالسلام به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است، اما در معنی یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است.(۲)

_ او، عِدل و همپایه و هم سنگ امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.(۳)

۱- همان، سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از زنان، ۲۶/۱۰/۱۳۶۸.

۲- همان.

۳- همان.

فصل پنجم: نمونه ای از معجزه ها و کرامت های فاطمه علیهاالسلام

۱. معجزه های فاطمه

الف) سخن گفتن هنگام ولادت

وقتی حضرت زهرا علیهاالسلام به دنیا آمد، در هنگام ولادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر و امامت شوهرش، علی علیه السلام و فرزندانش گواهی داد.(۱)

ب) درخواست نزول غذای بهشتی

در یکی از روزهای سخت زندگی که گرسنگی بر خاندان پیامبر فشار آورد، حضرت فاطمه علیهاالسلام وضو گرفت و پس از خواندن دو رکعت نماز، دعا فرمود و از خداوند خواست تا برای خانواده پیامبر مائده ای بفرستد. ناگهان ظرفی از غذا و طعام بهشتی نازل شد که بوی آن، خانه علی علیه السلام را معطر ساخت. امام پرسید: «این غذا از کجا آمده است؟» فاطمه پاسخ داد: «از سوی پروردگار.» رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «سپاس خداوندی را که

۱- فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، ص ۳۰۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۴۰؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳.

دختری همچون مریم به من عطا کرد».(۱)

ج) مشاهده های غیبی

حضرت فاطمه علیهاالسلام در واپسین لحظه های زندگی خویش فرمود: «اکنون اهل آسمان را می نگرم که آماده استقبال از من شده اند و پدرم را می بینم که مرا به سوی خود می خواند».(۲)

د) سلام فرشتگان بر فاطمه

در یکی از شب های جمعه، هنگام سحر، حضرت جبرئیل و اسرافیل و میکائیل بر حضرت زهرا علیهاالسلام نازل شدند و دیدند که دختر پیامبر مشغول نماز است. همه ایستادند تا نماز تمام شد. آن گاه دسته جمعی به حضرت سلام کردند و گفتند: «خداوند بزرگ به شما سلام می رساند».

فاطمه پاسخ داد: «سلام از آن خداست و از اوست سلام و به سوی اوست سلام و بر شما ای فرستادگان خدا، سلام و درود باد!»(۳)

ه) خادمان آسمانی

پیامبر، ابوذر غفاری را به خانه دخترش فاطمه علیهاالسلامفرستاد تا علی علیه السلام را نزد آن حضرت فراخواند. ابوذر وارد خانه علی علیه السلام شد و دید آسیاب دستی [فاطمه علیهاالسلام] خود به خود و بدون اینکه کسی نزد آن باشد می چرخد و گندم یا جو آرد می کند. پس از دیدن این ماجرای شگفت انگیز نزد علی

۱- همان، ص ۳۰۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۷۳ و ۷۴ و ج ۳۵، ص ۲۵۱؛ احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۳۲۲.

۲- همان، ص ۳۰۹؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۰، عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۶۱۰.

۳- همان، ص ۳۱۱؛ دلائل الامامه، ص ۲۸؛ عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۹۰.

علیه السلام رفت و گفت: رسول خدا شما را پیش خود خواسته است.

علی علیه السلام با شتاب، خود را به نزد پیامبر رساند و ابوذر نیز با آن حضرت به سوی رسول اللّه حرکت کرد. ابوذر نزد پیامبر از آن صحنه شگفت انگیز سخن به میان آورد. پیامبر که آثار حیرت را در چهره ابوذر دید، خطاب به او فرمود:

«ای اباذر! از این کار تعجب نکن؛ زیرا برای خداوند در زمین، ملائکه سیاری هستند که خدمت رسانی و کمک به آل «محمد» صلی الله علیه و آله به آنها واگذار شده است(۱) [و آنها همیشه در خدمت خاندان و عترت من هستند]».

و) مسلمان شدن زن و شوهر یهودی

فاطمه علیهاالسلام، از زن زید یهودی مقداری جو قرض گرفت و در مقابل، جامه اش را نزد آن زن گرو گذاشت. از برکت جامه زهرا علیهاالسلام، خانه یهودی نورباران شد. وقتی زید یهودی به خانه اش رسید و آن را غرق در نور دید، با شگفتی از همسرش پرسید: این انوار در خانه ما از چیست؟

آن زن پاسخ داد: این انوار که می بینی از جامه فاطمه علیهاالسلام، دختر پیامبر است که... . زید یهودی با شنیدن این سخن بی درنگ ایمان آورد و مسلمان شد و پس از او، زنش نیز به دین اسلام گروید.(۲)

ز) سزاوار نیست فاطمه علیهاالسلام را تکذیب کنم

امام حسن و امام حسین علیهماالسلام نزد مادرشان فاطمه علیهاالسلام آمدند و گفتند:

۱- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۵.

۲- مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۷؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۰.

مادر جان! فرزندان بنی فلان] بچه های مدینه] برای عیدشان لباس نو دوخته اند. آیا برای عید ما لباس نو تهیه نمی کنی؟

فاطمه علیهاالسلام با اینکه می دانست تهیه چنین لباسی در آینده نزدیک برای او میسر نیست، ولی دل نور چشمانش را نرنجانید و با امید سرشار به یاری پروردگار و توکل بر خدا، در پاسخ فرزندان عزیزش چنین فرمود: چرا، ان شاء اللّه و به خواست خدا برایتان لباس نو آماده می کنم.

روزهای عید فرا رسید و شاید فاطمه علیهاالسلام نگران بود که ناگاه جبرئیل فرود آمد و دو پیراهن از پارچه های بهشت تقدیم پیامبر کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از برادرش، جبرئیل پرسید: این پارچه و پیراهن چیست و برای کیست؟

جبرئیل آن حضرت را نسبت به سخنان حسنین علیهماالسلام برای مادرشان و سخن فاطمه علیه السلام برای آن دو بزرگوار آگاه ساخت و سپس فرمود: «آن گاه که فاطمه علیهاالسلام به فرزندانش فرمود: ان شاء اللّه برای عیدتان لباس نو می سازم، خداوند نیز با شنیدن این کلام فاطمه فرمود: سزاوار نیست فاطمه را در این گفتارش تکذیب کنم».(1)

ح) غذای آسمانی و با برکت

از ــجابر بن عبد اللّه ــ نقل کرده اند: رسول خدا صلی الله علیه و آله که چند روز بود غذایی نخورده بود، به خانه همسرانش سر زد. هیچ کدام غذایی نداشتند.

ص:۹۲

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۵؛ مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۸؛ مقتل الحسین علیه السلام، ج ۱، ص ۷۶.

سرانجام به سراغ دخترش فاطمه علیهاالسلام آمد و فرمود: دخترم، غذایی داری که من تناول کنم؛ زیرا گرسنه ام؟ فاطمه علیهاالسلام گفت: نه، به خدا سوگند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از پیش فاطمه علیهاالسلامرفت، زنی از همسایگان، دو قرص نان و مقداری گوشت برای فاطمه علیهاالسلام هدیه آورد و حضرت آن را گرفت و در ظرفی گذاشت و روی آن را پوشاند و گفت: «به خدا سوگند، رسول اللّه صلی الله علیه و آله را بر خودم و فرزندانم مقدم می دارم!» این در حالی بود که همه گرسنه بودند.

حسن و حسین را به سراغ پیامبر فرستاد و از او خواست تا به خانه بیاید. آن گاه که پیامبر آمد، فاطمه گفت: «فدایت شوم چیزی خداوند برای ما فرستاده است و من آن را برای شما ذخیره کرده ام.» پیامبر فرمود: بیاور و او ظرف غذا را نزد آن حضرت آورد. هنگامی که پیامبر سر ظرف را برداشت، مملو از نان و گوشت بود. هنگامی که فاطمه آن را دید، در تعجب فرو رفت و فهمید این برکت و نعمتی است از سوی خدا. شکر خدا را به جا آورد و بر پیامبر درود فرستاد.

پیامبر فرمود: دخترم! این غذا را از کجا آورده ای؟!

فاطمه علیهاالسلام گفت: «این از سوی خدا است، خداوند هر کس را بخواهد، بی حساب روزی می دهد»!

پیامبر شکر خدا را به جا آورد و این جمله را فرمود: شکر می کنیم خدایی را که تو را شبیه مریم بانوی زنان بنی اسرائیل قرار داد.

... سپس پیامبر کسی را به سراغ علی علیه السلام فرستاد. او آمد و همگی از آن غذا خوردند و بقیّه همسران پیامبر نیز خوردند. همگی سیر شدند و

ص:۹۳

هنوز ظرف غذا پر بود.

فاطمه علیهاالسلام می گوید: من از آن [غذا] برای همه همسایگان فرستادم و خدا در آن، برکت و خیر زیادی قرار داد.(۱)

۲. کرامت فاطمه علیهاالسلام

آمده ام مسلمان شوم

یکی از ذاکران مشهد چنین حکایت می کند:

نزد حضرت آیت الله العظمی حاج سیدمحمد هادی میلانی رحمه الله مرجع عالی قدر شیعیان بودم. مرد و زنی وارد شدند و گفتند: «ما قصد تشرف به اسلام را داریم.» حضرت آیت الله سبب گرایش آنان را به اسلام پرسید، مرد عرض کرد:

ما از کشور آلمان آمده ایم و اینها زن و فرزندان من هستند. این دختر من به طوری استخوان های پهلویش شکست که پزشکان از مداوای او ناتوان شدند و پس از هزینه های فراوانی گفتند: باید پهلوی او را عمل کرد، ولی خطرناک است. دخترم حاضر نشد و گفت: در بستر مرض بمیرم، بهتر از زیر عمل است. او را به خانه آوردیم. یک خدمتکار ایرانی داریم به نام «بی بی». دخترم او را صدا زد، همین طور که داشت برای او درد دل و صحبت می کرد، گفت: بی بی! این درد واقعا بد دردی است. حاضرم مبلغ

ص:۹۴

۱- زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، صص ۳۲۰ _ ۳۲۲، به نقل از: کشاف زمخشری، ذیل آیه ۳۷ آل عمران؛ در قصص الانبیاء ثعلبی، ص ۵۱۳ و بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۸ و ۶۹ نیز عین این داستان نقل شده است.

دوازده میلیون را که انـدوخته ام، با هشت میلیون دیگر از برادر و پدرم بگیرم و بیست میلیون به دکتری بدهم که مرا صـحیح و سالم کند، ولی فکر نکنم دکتری پیدا شود که بتواند مرا خوب کند. من ناکام و جوان مرگ و با دلی پرغصه از دنیا می روم و شروع کرد به گریه و ناله کردن.

آن بی بی گفت: ای خانم! من یک پزشک سراغ دارم. گفت: این مبلغ را به او می دهم.

گفت: پول مال خودت باشد و بدان من سیّده هستم و جدّه من فاطمه زهرا علیهاالسـلام است که او هم پهلویش شکسـته بود. اگر می خواهی خوب شوی، با حال و اشک ریزان بگو: ای فاطمه پهلو شکسته.

دخترم گریه اش گرفت و شـروع کرد به گفتن: «ای فاطمه پهلو شکسـته!» آن بی بی هم رفت گوشه خانه و با گریه گفت: «ای فاطمه پهلو شکسـته! من یک بیمار آلمانی آورده ام درِ خانه ات»، من هم آمـدم توی حیاط و با حال اشک آلود می گفتم: «یا فاطمه پهلو شکسته!»

همه در شور و حال عجیبی بودیم که ناگهان دخترم صدا زد: پدر بیا! ما هراسان آمدیم نزد دخترم، دیدیم که کاملاً شفا یافته.

گفت:

الان یک بانوی مجلّله ای آمد و بر پهلوی من دستی کشـید و فرمود: خوب می شوی! گفتم: شما که هستید؟ فرمود: من همان کسی هستم که الان مرا خواندید، من فاطمه پهلو شکسته هستم.(۱)

ص:۹۵

۱- علی میرخلف زاده، کرامات الفاطمیّه، قم، انتشارات حضرت معصومه علیهاالسلام، ۱۳۷۷، چ ۱، صص ۶۳ و ۶۴.

فصل ششم: گلچینی از سخنان فاطمه علیهاالسلام

۱. سخنان کوتاه

الف) عبادت خالصانه

کسی که عبادت های خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ، برترین مصلحت او را به سوی او فرو خواهد فرستاد.(۱)

ب) مهربانی با مردم

بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم خوتر و مهربان تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با زنانشان مهربان و بخشنده اند.(۲)

ج) مقام مادر

در خدمت مادر باش؛ زیرا بهشت زیر پای مادران است.(۳)

د) صفات شیعیان

اگر به آنچه به شما امر می کنیم، عمل می کنی و از آنچه شما را برحذر می داریم، دوری می کنی، از شیعیان مایی و گرنه نیستی.(۴)

۱- فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۲۵، به نقل از: بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۴.

۲- همان، ص ۱۵۷.

۳- کنز العمّال، ج ۱۶، ص ۴۶۲، ح ۴۵۴۴۳.

۴- همان، ص ۲۰۶؛ بحارالانوار، ج ۶۵ ، ص ۱۵۵، به نقل از تفسیر امام حسن عسکری؛ تفسیر برهان، ج ۴، ص ۲۱.

ه) محبوب های فاطمه

از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر، انفاق در راه خدا.(۱)

و) بعثت پیامبر

خداوند، پیامبر را برانگیخت تا فرمانش را کامل سازد و حکم خویش را اجرا کند.(۲)

ز) خدمات پیامبر

و برای هدایت و راهنمایی مردم به حق قیام کرد.

آنها را از گمراهی و حیرانی نجات داد.

و به آنها بینایی و آگاهی در دین بخشید.

و به آیین ثابت و پایدار رهبری شان کرد و مردم را به سوی راه راست فراخواند.(۳)

ح) توصیف قرآن

قرآن، کتاب گویا و راستگوی خداست که هرگز دروغ نمی گوید.

قرآن، نور درخشنده است که تاریکی ها را روشن می کند.

دلایل و برهان ها و دیدگاه های قرآن، بسیار روشن است.

پیشوایی است که پیروانش را به بهشت رضوان می کشاند.

گوش فرا دادن به ندای قرآن، سبب نجات انسان می شود.(۴)

ط) پیروی از اهل بیت علیهم السلام

خداوند، اطاعت و فرمان برداری از ما [اهل بیت پیامبر] را وسیله نظم یافتن دین و ملت

۱- همان، ص ۲۷۱، به نقل از: وقایع الایام خیابانی، بخش صیام، ص ۲۹۵.

۲- بخشی از خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام، طبرسی احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، چاپ نجف اشرف، مطابع نعمان، ۱۳۸۶ ه . ق، ج ۱، ص ۱۳۳.

۳- همان.

۴- همان.

قرار داد.

ی) فلسفه امامت

و امامت و پیشوایی ما را سبب در امان ماندن مردم از آفت های تفرقه و جدایی قرار داده است.

ک) شجاعت بی نظیر علی علیه السلام

... هرگاه شاخ شیطان نمایان می گشت و فتنه های مشرکان دهان می گشود، پدرم، برادرش، علی علیه السلام را در کام آنها می افکند و آنها را به وسیله او سرکوب می کرد. او هرگز از این مأموریت های خطرناک باز نمی گشت، مگر زمانی که سرهای دشمنان را پای مال می کرد و بینی آنها را به خاک می مالید.

ل) رهاورد ایمان

خداوند، ایمان را سبب پاکیزگی شما از آلودگی و آفت های کفر و شرک قرار داده است.(۱)

م) فلسفه احکام

یک ـ نماز

خداوند، نماز را سبب پاک ساختن بندگان از آفت های خود بزرگ بینی قرار داد.

دو ـ روزه

روزه را برای پایداری و ثبات در اخلاص و صفا قرار داد.(۲)

سه ـ زکات

زکات را مایه طهارت و پاکی و در نتیجه، تکامل و رشد جان ها و سبب زیادی روزی تان قرار داد.(۳)

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

چهار ــ جهاد

و مبارزه و جهاد با کافران را وسیله اقتدار و سرفرازی اسلام و دین قرار داد و بردباری در مشکلات را سبب دریافت اجر و پاداش.(۱)

پنج ــ امر به معروف

امر و دعوت به خوبی ها را مایه صلاح و رستگاری همگان ساخت.(۲)

شش ــ حرمت قذف و شراب

شراب خواری و می گساری را حرام کرد تا از پلیدی و ناپاکی دور بمانید و پرهیز از نسبت ناروا را مانع از افتادن در وادی نفرین شدگان قرار داد.(۳)

هفت ــ ثواب و عقاب اعمال

خداوند، پاداش را بر طاعت خود قرار داد تا بندگان را به بهشت برین روانه کند.(۴)

و کیفر و بازخواست را بر معصیت خود مقرر کرد تا بندگانش را از انجام اعمال عقوبت زا باز دارد.(۵)

۲. خطبه

فاطمه علیهاالسلام در این دنیای فریبگر، غمگین و تنها مانده است. آه، از آن زمان که پدر چشمانش را بست، گل های خوش بو هم پژمردند و بهار، جزیره را ترک گفت. بت ها بیدار شدند و چشمان سنگی خود را گشودند و

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

۵- همان.

بانگ گوساله در «فدک» پیچید.(۱)

زهرا دریافته بود که اگر چرخ حادثه این گونه بچرخد، دیری نخواهد گذشت که سنت های جاهلیت در نقاب دل فریب مذهب، ظاهر خواهد شد و او به امانتی الهی می اندیشید که در غدیر خم به عهده علی علیه السلام و خاندانش واگذار شده بود.(۲)

مسجد، مرکز اجتماع مسلمانان، حل اختلاف ها و دعواها بود. فاطمه نیز تصمیم گرفت برای دادخواهی به مسجد برود. او می خواست با صاعقه آتشین کلامش، پرده تزویر زمانه را بدرد و با بیان احساس برانگیزش، وجدان های مرده را زنده کند؛(۳) زیرا اگر به مسجد نمی رفت و خاموش می ماند، مردم، حقیقت را در نمی یافتند و تاریخ، واقعه را فراموش می کرد.

فاطمه، مقنعه را گرد سر و گردن پیچید و ردای خود را بر تن افکند و به فرمان خدا به پا خاست. از خانه او تا مسجد چند گام بیش نبود. با گام هایی استوار پای در راه نهاد. گویی محمد است که بازگشته تا از نو، راه نیکو زیستن را به انسان بیاموزد و او را به سرچشمه روشنایی و جاودانگی رهنمون گردد.

او در حلقه ای از زنان و دختران به مسجد پای نهاد تا پیام خود را به

۱- کمال السید، بهشت ارغوان، ترجمه: ابوالقاسم حسینی ژرفا، قم، پارسایان، ۱۳۷۵، چ ۱، صص ۲۲۳ _ ۲۲۹ (با تلخیص).
۲- زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، ص ۷۶ با تلخیص.
۳- همان، ص ۹۳، با تلخیص و تصرف.

امت و تاریخ ابلاغ کند.(۱) شاید این نخستین باری بود که حضرت صدیقه علیهاالسلام پس از رحلت پدر بزرگوار خویش به مسجد تشریف فرما می شد.(۲) پس عجیب نیست اگر مهاجر و انصار در هاله ای از غم فرو روند. در این هنگام، پاره تن رسول الله، ناله ای شدید از دل برآورد. من نمی دانم این ناله کدام معانی و مفاهیم را در خود جای داده بود که مردم را این چنین به گریه انداخت. آیا فقط یک ناله، می تواند چشم ها را بگریاند و قلب ها را آتش بزند؟(۳)

تنها دختر پیامبر و همسر بنیان گذار بلاغت عرب، زبان به سخن گشود:

اَلْحَمْدُلِلّهِ عَلی ما اَنْعَمَ و لَهُ الشکرُ عَلی ما اَلْهَم.

ستایش از آنِ خداست به خاطر نعمت هایی که بخشیده است و سپاس شایسته اوست، برای اندیشه پاکی که در دل ها آفریده است.

وَ اَشْهَدُ اَنْ لااله الاالله وَحْدَهُ لاشَریکَ لَهُ.

من گواهی می دهم که جز الله خداوندی نیست، همان که یگانه و بی انباز است.

وَ اَشْهَدُ اَنَّ اَبی محمّدا عبدُهُ وَ رَسُولُه.

و نیز گواهی می دهم که پدرم محمد بنده و فرستاده خداست.

فَانارَاللّه بِاَبی مُحَمَّدٍ ظُلَمَها وَ کَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهَمَها و جَلی عَنِ الاَبْصارِ غُممها.

۱- بهشت ارغوان، ص ۲۴۱ با تلخیص. ماجرای رفتن حضرت زهرا علیهاالسلام به مسجد پیامبر و... در کتاب احتجاج، ج ۱، صص ۱۳۱ و ۱۳۲ نیز نقل شده است.

۲- فاطمه الزهرا علیهاالسلام از ولادت تا شهادت، ص ۳۲۴ با تلخیص و کمی تصرف.

۳- همان، ص ۳۲۴.

خداونـد بـا نـور پـدرم، محمـد، تـاریکی جهـان را روشـن سـاخت و دل هـا را از تیرگی پرداخت و پرده هـای برابر چشـمان را برانداخت... از آن پس با مهر و انتخاب و ایثار او را نزد خویش برد.

تاریـخ در برابر این واژه هـای آسـمانی، شـگفت زده شـده بود. گویی آن بـانوی بهشتی به زمین فرود آمـده است تا پرتویی از ستارگـان آسـمان را برایشـان ارمغـان آورد. فـاطمه لحظه ای خـاموش گشت و نیروی خویش را گرد آورد تا نخل را بجنبانـد، باشد که خرمای تازه چیده برایش فرو بارد:

مردم بدانیـد که من فـاطمه ام و پـدرم، محمـد بـود. این را پیش تر گفته ام و دیگربـار نیز می گویم، نه سـخنم بیهوده است، نه رفتارم سـتمگرانه. مسـلمانان! آیا بایـد میراث من ربوده شود؟ آیا خود، آگاهانه، کتاب خـدا را کنار نهادید و آن را پشت سـر انداختیـد؟ آیا خداوند آیه های ارث را درباره شـما نازل فرمود و پدر مرا از آن مسـتثنا ساخت؟ اکنون تا دیدار آن جهان، این چهارپای آماده و زین برنهاده از آنِ تو باد. وعـده گاه ما روز رسـتاخیز است. چه نیکوست که داور، خدا باشد و وکیل، محمد و هنگامه، قیامت و آن روز است که تباه کاران زیان خواهند دید.

سخنـان تاریـخ سـاز فـاطمه علیهاالسـلام برخاسـته از بـاور عمیق او به حق و حقیقت و بیانگر حقایق مکتب وحی بود. حیف که وجدان ها مرده بود و در مدت بسـیار کوتاه، سـفارش های پیامبر نسبت به خاندان پاکش فراموش شد. گویا چشم بینا و گوش شنوایی نبود تا حقایق را ببیند و بشـنود و دخت گرامی رسول خدا صـلی الله علیه و آلهرا یاری کند. پس زهرا با یک دنیا غم و اندوه، مسجد را ترک کرد.

مردان به چشم انـدازی خیره شدنـد که در آن افق هایی فرارویشان پیـدا بود؛ افق هایی که فاطمه گشوده بود. بدین سان، انسان گریخت و امانتی را که

آسـمان هـا و زمیـن تحمـل نکرده بودنـد و او بر دوش گرفته بـود، بر زمین افکنـد. به راسـتی که انسـان بسـی سـتمگر و نـادان است.(۱)

ص:۱۰۳

۱- بهشت ارغوان، ج ۱، ص ۲۴۱ _ ۲۴۸ با تلخیص؛ بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۲.

فصل هفتم: برگزیده ادب فارسی

۱. متون ادبی

علی وار، زهرا بوده ای

سلام بر تو ای مادر مهربان باران ها! قانون شناور خاک را سر انگشت های آسمانی تو نوشته است. ای فراتر از فهم! جریان خروشانی که از دامان تو برخاسته است، تمام دشت های کبود را سیراب خواهد ساخت.

از تمام پرده ها، نوایت را می شنوم. نجوای ملایمت در باد جریان دارد. صدایت از شور سال ها آکنده است. میلادت، چراغی است که در کوچه ها ولوله می اندازد. دستانت بوی تابستان های سرشار می دهد. زمین، وام دار سخاوت بی مرز توست. گونه های خیسِ شبانگاهی ات، عطش کاینات را می خشکاند. دلت برای کیست که می تپد؟

یاریگر کوچک پدر! حتّی تمام سالیان کودکی ات را بزرگ زیسته ای. دست هایت، تکیه گاه رنج های پیامبرانه است. از طائف تا یثرب، از یثرب تا مکّه، کوله بار خستگی های پدر را به دوش کشیده ای.

فاطمه زیسته ای، ولی محمّدوار، علی وار، زهرا بوده ای.

چتری بزن بر سر آسمان ها. نجوای کبودت در تمام کناره ها منتشر است. در این کوچه های پر از شیطان، صدای قدم هایت خواب ها را خواهد شکفت.

ص:۱۰۴

گل محض! گلدان محض! یازده گل بوته سبز و سرخت را از جویبار کدامین دامان سیراب کرده ای؟ کلمات در رکاب نام سیلی خورده ات بی تاب تر از همیشه اند.

حرف که می زنی، همه موجودات را به تکان وا می داری. دلم در مهرِ تو می پیچد. توفان به پا کرده ای میان یافته هایم. هوایم از پَرهیب خیالت معطّر است.

چشم هایت را به جهان پیرامون می گشایی. لبخندهایت تا همیشه بوی گل محمدی می گیرد.

خوشا سقف هایی که حجم نگاهت را به دوش گرفته اند!

چشم هایت از شرقِ حجاز طلوع می کند. خدیجه علیهاالسلام منتظر است.

با تمام کوچکی ات _ کوهوار _ تکیه گاه پیامبر شده ای.

خوشا هوایی که نفس می کشی؛ هوایی که از دشتستان های دامن خدیجه بزرگ برمی خیزد!

خوشا بوی مادر! خوشا خنده های آسمانی پدر!

بانوی آیینه و راز! برمی خیزی و جهانی با تو برمی خیزد و تو هیچ گاه چون

دریچه های باز و بسته شهر، بی کبوتر و پرواز نخواهی ماند.

حسین هدایتی

ص:۱۰۵

فاطمه علیهاالسلام می آید

دروازه های آسمان، گشوده می شود و بارانی شگفت، زمین را فرا می گیرد.

مدینه، لبریز عطر یاس، با چشمانی گشاده تر از هر روز، بیستمین روز جمادی الثانی را دیدار می کند.

دروازه های آسمان گشوده می شود و فرشتگانی بی شمار، هلهله کنان فرود می آیند.

چشمان خدیجه علیهاالسلام، خیس لبخند می شود و محمد صلی الله علیه و آله، شادمان و بی قرار، کودک را در آغوش می کشد.

فاطمه علیهاالسلام متولد می شود؛ دختری که مادرِ پدر است و خیر کثیر. خورشیدی که یازده ستاره دنباله دار را در آسمان امامت، مادری کرد.

مشرکان، پیامبر را ابتر خواندند و خداوند، فاطمه را کوثر نامید؛ إِنّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ * إِنَّ شانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ.

فاطمه متولد می شود؛ کسی که سپیده دمان، دیدگان روشنش را سجده می کنند و کوه ها، قامتِ قیامت را به احترام برمی خیزند.

زنی شگفت که عفتش سرلوحه همیشه زنان تاریخ است. درختی تناور که ریشه در آسمان داشت و پرنده های نور، بر شاخه های سبزش آواز خواندند.

فاطمه می آید. دوشیزه ماه، بر پیشانی بلندش دامن می گسترد. بانویی بزرگ که قبیله های زمین، شکوه اساطیری اش را به نماز می ایستند.

ص:۱۰۶

از شانه های زمین، یاس های سپید، چون پیغام های بشارت، بالا می روند. کوهستان، صدای نفس هایش را ترانه می شود و کهکشان ها، نزول ستاره اش را شاعری می کنند. او می آید و کوچه های مدینه، طلوع گام هایش را به پیشواز می آیند.

او می آید. رودخانه های یخ بسته جهان، ترک برمی دارند و سپیدارهای جوان به سمت نور، قد راست می کنند.

او می آید تا دخترانِ زنده به گور شده عرب، غرور زن بودن را از بین خروارها خاک، حِس کنند.

فاطمه، فریادی سرخ است در کوچه های مظلومیت علی علیه السلام. می ایستد تا خانه نشینی علی علیه السلام را نبیند و این گونه است که پرهای سپیدش در هجوم تیرهای کینه به خون می نشیند.

فاطمه می آید، می ایستد و می ماند تا زمینیان، حضور ملکوتی اش را آسمان شوند.

معصومه داوود آبادی

سرچشمه فزاینده رحمت

«انّا اعطیناک الکوثر؛ ما آن سرچشمه فزاینده را به تو بخشیدیم.» نومید مباش، پیوند آسمان و زمین قطع نخواهد شد؛ حبل المتین، گسستنی نیست. شاخه های وحی و پرستش، ریشه در خاک فطرت آدمیان دارد. سرچشمه فزاینده هدایت در دست های توست پیامبر! نومید مباش. اکنون که از امتحان الهی سرافراز بیرون آمده ای و اندوه فقدان فرزندانت ـ قاسم، عبدالله و ابراهیم ـ ذره ای از ایمانت به راه، نکاسته است، خدا، کوثر را به تو ارزانی می دارد.

ص:۱۰۷

«فصلّ لرّبکَ وانحر؛ نماز به پای دار و قربانی کن.» تنها در اتصال با مبدأ آفرینش است که این چشمه فزاینده بیشتر و بیشتر می جوشد. یاد خداست که رنج های کشیده و ناکشیده ات را برایت آسان می سازد. چشم به خدا داشته باش که چشم زخم های گمراهان اثری ندارد. زمام کارها همه در دست اوست و اوست که از فیض لایتناهی خویش، کوثر را به تو ارزانی داشته است.

«انّ شانئکَ هو الابتر؛ همانا سرزنشگران تو ابترند.» آنان نمی دانند که همچون کف های روی آب، دیری نمی گذرد و آفتابشان غروب می کند؛ نمی دانند که با «نور» می جنگند و دشمنِ نور، دشمنِ خویشتن خویش است. آنان زیر آوارهای تاریخ، مدفون خواهند شد، ولی آنچه می ماند، خداست و مشیّت او. از سرزنش هایشان مهراس و میندیش که تو خدا داری و خدا پشت و پناه توست. آنان، ولی درمانده و بی پناهند. گمان می کنند که دولت تو دیری نمی پاید، ولی نمی دانند که رفتنی، ابر است و ماندنی، خورشید. خورشید چشم های تو جاودان خواهد درخشید. نومید مباش؛ ما فاطمه علیهاالسلام را به تو ارزانی داشتیم و این کوثر ماست که به تو می بخشیم. از این، پس شاهراهِ کوثرِ وجود فاطمه علیهاالسلام است که آیه های رسالت تو را به جهانیان پیوند می زند.

از این پس، لوح محفوظ، جان و ضمیر پاک فاطمه علیهاالسلام است. راضیه و مرضیه، نفس مطمئنه زهرایی است که وقتی از صحرای محشر می گذرد، همه باید سرها به زیر افکنند.

از این پس، فاطمه علیهاالسلام است که مادر آفرینش است و از دامان عصمت

ص:۱۰۸

و مـادری اوست که موعود آخرالزمـان زاده می شود. فاطمه علیهاالسـلام را سـرمشق قرار داده ایم تا بداننـد که زن بودن؛ یعنی فاطمه وار زیستن.

فـاطمه علیهاالسـلام را یـک مـادر آفریـده ایم. فاطمه علیهاالسـلام قلب خانـدان نبوی است و از اوست که حیات، در رگ های رسالت و پیامبری جریان دارد.

تا وقتی که یک زن، زنی به عظمت فاطمه علیهاالسلام، زیر عبای آل کسا نباشد، اهل بیت علیهم السلام کامل نمی شود.

فاطمه علیهاالسلام، مصراع جدایی ناپذیر قصیده بعثت است.

نومید مباش پیامبر! ما فاطمه علیهاالسلام، کوثر را به تو ارزانی داشتیم.

میثم امانی

هدیه ای بی نظیر

پیامبر، تمام راه به این فکر می کرد که چگونه خـدیجه مهربان را از این راز آگاه سازد و چگونه خبر این جـدایی را به خدیجه بدهد؟ چهل روز دوری، چهل روز فراق، چهل روز جدایی از خدیجه، ولی گریزی نیست.

محمد صلی الله علیه و آله لب به سخن گشود و خدیجه، بانوی خردمند حجاز، افتخار زنان مکّه، آرام و سر به زیر، دل به نسیم روح بخش کلام همسر سپرد و امر خدا را به جان پذیرا شد.

آن گـاه آرام گفت: «بـا اینکه دلم لبریز از عشق و محبت به شـماست و یک لحظه زیسـتن بی حضور شـما، برایم از هر عـذابی سخت تر است، ولی چون اراده خداوند بر این امر واقع شده، من تسلیم خدا و رسول خدایم».

و چهل روز چلّه نشینی آغاز شد. باید پیامبر، چهل روز و چهل شب در

خلوت، سر به آستان قدسی پروردگار می نهاد و یک دختر، پاداش چهل روز و شب دوری خدیجه از محمد صلی الله علیه و آله است.

یک دختر، سرانجامِ خوش این جدایی است.

آه، خدیجه بزرگ، بانوی دلتنگی های رسول، بانوی صبوری ها، برگزیده زنان!

کوثری از نور، کوثری از بهشت و این چهل روز، آغاز یک تاریخ بود.

فاطمه،بریده شده از گناه است و آغوش تو، تنها آغوش گرمی بخش عصمت خداست.

فاطمه، ستاره دنباله داری است که تا آخر دنیا، ادامه دارد.

فاطمه، مادر یازده ستاره نورانی است.

مادر یک تاریخ جاودانه.

خدیجه پنجی

فاطمه علیهاالسلام، مونس تنهایی خدیجه علیهاالسلام

... روزها به تندی می گذشتند و من چقدر تنها بودم. از روزی که به ازدواج پدرت ــ رسول خدا ــ درآمدم، همه قوم و خویشانم، مرا ترک کردند، حتی زنان مکه نیز. و تنهایی چه وحشت زاست عزیز دلم!

البته بیشترین نگرانی ام به خاطر جان عزیز رسول خداست که این مردم زبان نفهم جاهل، بغض او را به دل دارند. تحریم رفت و آمد با من نیز از این سرچشمه گل آلود، آب می خورد. اینها نمی فهمند «رسالت» یعنی چه دلبندم!

ـ چه گفتی؟ صبر کنم؟! چنین است عمر من! تـا به امروز از خـدای، همین را طلبیـده ام که دلی صـبور به من عنایت فرمایـد تا این تنهایی عظیم بر من گران نیاید، که نیامده است.

ـ چی؟ گفتم که من اصلاً نگران ...

ـ خدیجه!

ـ این رسول خداست، مرا ببخش دلبندم!

ـ خدیجه جان! با که حدیث می کردی؟!

ـ راستش.... با... با...

ـ با که؟ من که در اینجا کسی را نمی یابم!

ـ با... کودکی که در شکم دارم. او مونس تنهایی من شده است!

ـ خدیجه! خبری خوش برایت دارم.

ـ چه خبری یا رسول اللّه؟

ـ برادرم، جبرئیل به من خبر داد که این فرزنـد، دختری پاکیزه است که نسل مرا خـدای از او به وجود خواهد آورد و از آنان، پیشوایـان دین و امامـان به هم خواهنـد رسیـد که حـق تعـالی پس از انقطـاع وحی، ایشـان را در زمین، خلیفه خـویش خـواهد گردانید.

ـ چنین باد، ای پیامبر خدا!(۱)

* * *

به روایت حضرت مریم علیهاالسلام

۱- تقی متقی، چشم در چشم سکوت، ص ۲۴.

چون خدیجه را درد زادن فرا گرفت، به سوی زنان قریش و فرزندان هاشم، کس فرستاد تا نزد او حاضر شوند. آنان در پاسخ رسول خدیجه گفتند: خدیجه را بگوی فرمان ما نبردی و قبول قول ما ننمودی و زن یتیم ابوطالب شدی که فقیر است و بی چیز. بدین سبب به خانه ات نمی آییم!

وقتی خدیجه، پیغام رسول را شنید، بسیار اندوهناك گردید و در حالی که از درد به خود می پیچید، به خدای بزرگ متوسل شد. پس خدای، فرشته ای فرستاد و من و آسیه و ساره و کلثوم را در بهشت برانگیخت تا به کمک وی بشتابیم. خدیجه با درد خویش می ساخت و دندان به هم می فشرد که وارد خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله شدیم. از اینکه مبادا او از سرزده وارد شدنمان وحشت کند، خود را به هیئت زنان بنی هاشم درآوردیم، ولی باز تا چشم خدیجه به ما افتاد، رنگ از رخش پرید. خواهرم، «ساره» که وضع را چنین دید، به سخن درآمد و گفت: سلام بر تو ای خدیجه! مترس که ما رسولان پروردگار توییم و به امر الهی به حضورت شرفیاب شده ایم تا در زادن این نوزاد فرخنده پی، کمک کارت باشیم. منم «ساره»، همسر ابراهیم خلیل.

آسیه گفت: منم «آسیه» دختر «مزاحم» که در بهشت از رفیقان تو خواهم بود.

خواهرم کلثوم گفت: منم «کلثوم»، خواهر موسای کلیم.

چون نوبت به من رسید، گفتم: من هم «مریم» دختر عمرانم و مادر عیسی مسیح.

ص:۱۱۲

کم کم چهره خدیجه شکفته شد و لبخند رضایتی بر لبانش وزید. ما نیز دست به کار شدیم. چیزی نگذشت که زهرای عزیز پاکیزه تر از آنچه می پنداشتیم، فرود آمد و چنان نوری از جبین مبارکش ساطع گردید که تمام شرق و غرب جهان را فرا گرفت.

مکه در نور بال بال می زد و عرشیان در تکاپوی دیدار نو رسیده رسول خدا فرا می رفتند و فرود می آمدند تا بلکه اذن نزول بگیرند و دیده به دیدار فاطمه نورانی کنند!

من به دنبال آب می گشتم که دیدم ده حوری بهشتی هر یک با ابریق و تشتی وارد شده اند. بی درنگ فاطمه را بر سر دست گرفته، بوسیدم و بوییدم؛ چنان که سیبی سرخ را و چقدر بوی گل یاس می داد!

آن گاه به آب کوثر غسلش دادیم و با دو جامه بهشتی که با خود آورده بودیم، فرو پیچیدیمش؛ جامه ای به غایت سفیدی و نهایت خوش بویی. وقتی کامش را گشودیم، با زبانی فصیح، چنان که گویی صدایش از مرغزاران بهشت می وزد، فرمود:

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّه و اَنَّ اَبی رسولُ اللّه و سیّدُ الاَنبیاء و اَنَّ بَعْلی سیّدُ الاوْصیاءِ وَ وُلْدی سادةُ الاسباط.

پس یکایک ما را به نام خواند و بر هر کدام درود فرستاد.

چه حالی داشتیم و از شادی در پوست خویش نمی گنجیدیم. خواهرم، «ساره»، فاطمه را چنان شوقمند به سینه فشرد که من بر جان نازنینش ترسیدم. صدای هلهله حوریان بهشتی با صدای صلوات ما درآمیخته بود که نورانیّت چهره فاطمه تمام آسمان را فرا گرفت؛ چنان نوری که ماه تا بدان روز برخود ندیده بود. پس همه یک صدا گفتیم:

ص:۱۱۳

ای خـدیجه! این تو و این عزیزتر از جـانی که طـاهره است و مطهره و حق تعـالی او و نسـلش را برکت داده است. مبارکت باد فرزندی چنین که سرورزنان جهان است!

خـدیجه با شادمانی تمام، زهرا علیهاالسـلام را در آغوش گرفت و پسـتان به دهان مبارکش نهاد و چنان محو جمال مولود خود گردید که بی اختیار اشک شوق بر دیدگانش دوید. پس آن گاه زبان به حمد الهی گشود و چشم در چشم ما خندید.(۱)

* * *

به روایت فضّه

بانوی من! امروز بسـیار دلتنگم. هر چنـد دلتنگی ام به قـدر دلتنگی شـما نیست؛ زیرا معرفتم کمتر از معرفت شـماست. هر کس شادمانی و اندوهش ریشه در عمق معرفتش به حق دارد و چه کسی از شما عارف تر به حق؟!

از اینکه حوصـله کرده و به سـخنانم گوش می سـپارید، سـپاس گزارم. یاد گذشته ها چقدر برایم شادی آفرین و اندوه زاست! انـدوه زا از آن جهت که کنیزی سـیاه رو و سـیاه دل و گمراه بیش نبودم و شـادی آفرین؛ چون به برکت پـدرتان، رسول خـدا صلی الله علیه و آله به نور اسـلام و ایمـان راه یافتم و در این سال ها که در خانه شـما و محرم رازتان بوده ام، چه بزرگواری ها که از شما ندیده ام!

۱- همان، صص ۲۵ _ ۲۷.

یادم نمی رود روزی که پادشاه حبشه، نجاشی، مرا به پیامبر خدا بخشید، ترس از آینده ای مبهم، التهابی عمیق را در دلم دامن می زد. نمی دانستم باید شادمان باشم یا اندوهگین.

با این حال، آن گاه که چشمم به چهره نورانی پدرتان افتاد، چنان مهری از او در دلم جای گرفت که تمام خوشی های گذشته را از خاطرم زدود؛ هر چند که کنیز بودم و روز خوش برایم مفهومی نداشت!

از روزی که بدین منزل با صفا و صمیمی، قدم نهاده ام، چه قدر احساس خوشبختی می کنم؛ زیرا هیچ گاه مرا _ با آنکه لایق نبوده ام _ از خویش و فرزندان خود جدا ندانسته اید!

دوست دارم برخلاف روزهای پیشین که در برابر بزرگواری تان، زانوی ادب بر زمین می زدم و از علوم اولین و آخرینتان خوشه ها می چیدم، امروز را به من اجازه سخن بدهید. بگذارید آموخته هایم را در پیشگاهتان مرور کنم. خواهشم این است که از آغاز مرا بر این پرگویی ببخشایید و آن گونه که راحت ترید، بنشینید و به سخنانم گوش بسپارید.

اصلاً بهتر است شما به دیوار تکیه بزنید، یا نه، بر این پوست گوسفند که خوابگاه حسن و حسینتان است، دراز بکشید و با من در این سفر معنوی همراه شوید؛ سفر در کوچه پس کوچه های شکوهمند خاطرات خوشایند.

هر وقت که این گونه لبخند مهربانتان بر آن لبان نازک تر از گلبرگ می شکوفد، چقدر احساس آرامش می کنم!

بانوی من! یادتان هست داستان خلقت آدم ابوالبشر که از زبان پدرت _ پیامبر خدا _ برایم تعریف فرمودید؟! همان که درباره علت خلقت عالم و

ص:۱۱۵

آدم در آن سخن رفته است. راستی از کجا آغاز می شد؟!... بگذارید لختی بیندیشم...

آهان، یادم آمد؛ فرمودید:

«هنگـامی که خـدای تعالی، آدم علیه السـلام را آفریـد و از روح خود در او دمیـد، آدم به جانب راست عرش نگریست و پنج شبـح غرق در نور را در حال رکوع و سـجود دید. آن گاه عرضه داشت: خدایا! آیا مگر قبل از آفریدن من، کسـی را از خاک آفریده ای؟ خطاب آمد: یا آدم! نه، نیافریده ام. عرض کرد: پس این پنج شبح نورانی که به شکل و شمایل منند، کیانند؟

حق تعالی فرمود:

«اینها ذرّیه توأنـد. اگر آنان نبودنـد، همانا تو را نیز نمی آفریـدم! نام هاشان را از اسامی خویش مشـتق کرده ام؛ من محمودم و این، «محمد صـلی الله علیه و آله» است. من عالی ام و این، «علی علیه السلام» است. من فاطرم و این، «فاطمه علیهاالسلام» است. من احسانم و این، «حسن علیه السـلام» است. من محسـنم و این، «حسین علیه السلام» است. اگر این پنج تن نبودند، نه بهشت و دوزخ را می آفریدم، نه عرش و کرسـی را، نه آسـمان و زمین را و نه فرشـتگان و جن و انس را... . به عزّتم سوگند! هر بشری اگر ذرّه ای کینه اینان را به دل داشـته باشد، او را در آتش دوزخ می افکنم. ای آدم!... این پنج تن برگزیدگان منند و نجات و هلاک هر کس، بسته به حبّ و بغضی است که نسبت به آنها دارد. یا آدم! هر وقت از من حاجتی خواستی، پس به آنان توسل کن...».

بانوی من! راستی این مردم چه قدر ناسپاسـند، با آنکه از سـرما می لرزند، باز به آفتاب وجود شما پشت می کنند، عجیب است کردار اینان!

ص:۱۱۶

هیچ وقت از ذهنم نمی رود روزی که پیامبر خدا، جمعتان را جمع دید و از صمیم دل و با مهربانی ویژه ای، خطاب به شما فرمود:

من با هر کس که با شما در جنگ باشد، در جنگم و با هر کس که با شما از در صلح و صفا درآید، در صلح و آشتی ام!

بانوی من! گاه که آن سخن پیامبر بزرگ را درباره شما به یاد می آورم، شادمانی چنان در بند بند وجودم می دود که نزدیک است بال درآورم. یادتان هست آن کلام زیبا که فرمود:

این فاطمه است، آن گاه که در محراب عبادت می ایستد، هفتاد هزار فرشته مقرّب بر او سلام می کنند و ندا می دهند: یا فاطمه! خدای ما تو را از میان جمیع زنان عالم انتخاب کرد و تو را از همه آلودگی ها پاک و منزّه گردانید!

یادت هست که به شوی گرامی ات درباره بانوی من چه فرمود؟ آری، همان که می فرماید:

یا علی! به درستی که فاطمه، پاره ای از تن و جان من است. اوست نور دیده و ثمره قلب من. آنچه او را ناپسند آید، مرا نیز ناپسند آید و آنچه او را مسرور گرداند، مرا شادمان خواهد ساخت... سپس تأمل کرد و فرمود: یا علی! پس از من هر چه در توان داری، به زهرا نیکی کن.

آن گاه دست به سوی آسمان گشود و گفت:

خدایا! من تو را گواه می گیرم، که دوست دارم هر کس اینان را دوست بدارد و دشمن می دارم آنانی را که با اینان دشمنی ورزند. هر که با این جماعت در ستیز باشد، من با او در ستیزم و هر که با اینان از در صلح و آشتی درآید، من با او در سلم و صفایم.

خانم! مرا ببخشید که خسته تان کرده ام. خدای مرا بکشد که یادم نبود کارهای خانه امروز به دوش شما بوده است. آخر مگر بارها نگفتم و اصرار

نورزیدم که بگذارید هر روز من به کار خانه برسم و شما تنها به امور آقازاده ها سرگرم باشید!

فرمودید: نه فضّه جان! کارهای خانه سخت است، بیا تقسیمشان کنیم؛ یک روز با تو و روز دیگر با من!

و من با آنکه هیچ بدین تقسیم راضی نبودم، چاره ای جز پذیرش نداشتم. آخر مگر... .

بانوی من! انگار خیلی خسته تان کرده ام. باقی حرف ها بماند برای فرصتی دیگر. شما بهتر است استراحت کنید. من می روم دنبال آقازاده ها؛ یا... علی!(۱)

هنگامه خاموشی

همان سان که شمع ها در دل تاریکی می سوزند و قطره قطره آب می شوند و اشک های سوزان خویش را جاری می سازند، فاطمه می سوخت و ذره ذره رو به خاموشی می رفت.

اکنون فاطمه با سکوت فریاد می کرد. او همانند «مریم»، روزه سکوت را برگزید. علی دریافته بود که هنگامه رحلت نزدیک است و خانه ای که با شاخه های نخل در بقیع برافراشته بود، اینک پناهگاه فاطمه است؛ خانه اندوه و رنج. آن خانه به چشم خویش می دید که شمع در حال افسردن است و

۱- همان، صص ۲۷ _ ۳۱، در به سامان آوردن این نوشته، از کتاب شریف «منتهی الآمال» اثر حاج شیخ عبّاس قمّی و «فاطمه الزهراء علیهاالسلام» نگاشته علاّمه امینی استفاده شده است.

ستاره در حال کوچیدن و آفتاب در حال افول؛ آفتابی که گرما و روشنایی و امید را در همه سو می پراکند.

آری، فاطمه به سکوت پناه برد و آنان که از گریه های او گلایه داشتند، دیگر صدای ناله ای را که از ژرفای قلبی شکسته برمی خاست، نشنیدند. هیچ کس نوای برآمده از دل او را نمی شنید، مگر آنکه گذارش به «بقیع» می افتاد.

آن گونه که ستارگان، پشت ابرهای تیره پنهان می شوند، فاطمه از دیدگان پنهان شد. پنهان شد تا همانند پروانه ای به جست وجوی خورشید رود؛ به جست وجوی بهارِ پشت سر که بادهای پاییزی آن را آشفته بودند.

فاطمه پنهان گشت. اینک هیچ کس نوایش را نمی شنید. در حجره ای از شاخه خرما که با زندگانی دنیا بیگانه بود، خلوتی داشت. فرشتگان، حیات زمینی را نمی خواهند؛ بانوان بهشتی، زندگی در جهان خاکی را نمی پسندند؛ آنها که آسمان را جسته اند، تاب و توان انتظار ندارند.

آری، پیامبران هم آن گاه که می بینند برای اندرزهایشان گوش شنوایی نیست، به زبان سکوت سخن می گویند. در «خانه اندوه» (بیت الاحزان)، فاطمه همانند شمعی برافروخته می سوخت و جان خویشتن را به شعله می کشید تا نور و گرما را به همه جا بپراکند. فاطمه به زبان شمع سخن می گفت؛ زبانی که جز پروانگان نور آشنا، توان تکلم به آن را ندارند.

به این سان، فاطمه با سکوت فریاد می کرد: با طنین ناله خویشتن، شما را فرا می خوانم... انقلاب من در اندوه من فرو پیچیده است... و اعتراضم در اشک هایم نهفته است.

این است زبانی که من بر آن چیره ام. امید که شما این زبان را بفهمید... .

پروردگارا! اینان به من ستم کرده اند. مرا از چنگالشان آزاد ساز!

ص:۱۱۹

و شمع، سرا پا آب شد و جان خود را به آتش کشید، تا آن دم که جز حلقه های نور، چیزی از آن باقی نماند.

اکنون هنگام خاموشی اش فرا می رسید. چهره اش به ماهی همانند بود که شب زنده داری یک شامگاه دراز زمستانی، رخسارش را زرد کرده باشد.

صدایش از فرودست برمی آید، همگام با موج و اندوه. اشک هایش به سان بارانی که از آسمان پرخشم فرو می بارد، سیل انگیز بود.

اسماء، بستر بانوی خویش ـ این بانوی هر زن، در هر جای تاریخ ـ را گسترد، آن پیکر نحیف دیگر نمی توانست روحی چنان بزرگ را تاب بیاورد؛ روحی که می خواست تا بی نهایت بال بگشاید.(۱)

پرواز به ملکوت

خورشید در آستانه وداع بود. شعله های سرخ فامش همچون زخم شهیدان در افق می سوختند. سپاه شب، آرام آرام پیش می خزید و خورشید، دامن خویش را فرا می چید تا به دور دست بکوچد... آن گاه ستارگانی پدیدار شدند که امید را بر می تابیدند و فاطمه هنوز می درخشید و خون زندگی در رگ هایش جریان داشت. آرام و باوقار، به اسماء گفت: «آبی بریز تا خویشتن را بشویم».

اسماء بسیار شاد شد؛ زیرا دید بانویش به زندگانی روی می کند و سلامتش را باز می یابد. فاطمه خویشتن را شست و بدن زخم خورده اش را پاکیزه کرد. سپس جامه ای نو به تن پوشید و خود را به عطر کافوری که

۱- بهشت ارغوان، صص ۲۴۹ ـ ۲۵۱.

جبرئیل به پـدرش پیشـکش کرده بود، آراست. آن گاه، در حالی که لبخندی چهره اش را واگشاده بود، فرمود: «بسترم را میان حجره بگستر!»

فـاطمه برای کوچیـدن آماده می شود. در خانه، جز اسـماء کسـی نیست. اسـماء با نگرانی به بانوی جوان می نگرد که در میانه ظلمت فراگستر شب، به هر سو نور می پاشـد. فاطمه پیش از آنکه به بستر رود، گفت: «اسـماء! من بسـی بیزارم از اینکه پس از مرگ، جامه ای بر زن می افکنند که پیکرش را نشان می دهد. آیا می توانی مرا پس از مرگ، به خوبی بپوشانی؟»

و اسـماء با پاسـخ خویش، خاطر او را شاد ساخت: «من آن گاه که در «حبشه» به سـر می بردم، دیدم که آنان برای این هنگامه چیزی می سازند. اگر پسندی، همانند آن را برایت می سازم».

فاطمه به نشانه موافقت، سـر تکان داد و چند لحظه به اسـماء خیره شد که اینک جویبار امید در قلب شکسـته اش جاری گشته بود.

اسـماء، تختی آماده کرد و آن را واژگون ساخت. آن گاه شاخه ای نخل آورد و پایه های تخت را به هم پیوست و با ریسمانی از الیـاف خرما، آن را اسـتحکام بخشـید. سـپس پوششـی بر آن گسترد. بر چهره بانوی بهشتی زمین، خشـنودی و لبخنـد نمایان گشت: «آری، همانندِ این را برایم بساز. چه زیباست این، ای اسماء! مرا بپوشان؛ خداوند تو را بپوشاند».

فاطمه در بستر خویش آرمید و دسـتش را زیر گونه اش نهاد. آن گاه چشـمانش را فروبست و خوابید. اسماء می شنید که او با آوایی فرشته وش زمزمه می کند: «سلام بر جبرئیل. پروردگارا! مرا در گستره خشنودی و به همسایگی و بر سرای خویش جای ده؛ که سرای تو جایگاه صلح و صفاست».

ص:۱۲۱

شمیم بهشت در فضا پیچید. اسماء به چهره فرشته گون بانویی نگریست که در آغاز جوانی با زمین وداع می گفت. آن سان که نوگلی در قلب بهار می پژمرد، همچون کبوتر سپیدی که بالش را شکسته باشند... . آه، ای بهشتی بانوی شهید!

سپس علی آمد، با پشتی خمیده، گویی که کوه اندوه را بر دوش داشت. اسماء با دستانی لزران، نامه اش را که فاطمه پیش از مرگ نگاشته بود، به علی سپرد. اشک همچون ابری که هوای باریدن دارد، در چشمان علی حلقه زد. آن گاه همانند کبوتری که امواج درمیانش گرفته باشند، دروازه های فاطمه غرق شد:

بسم الله الرحمن الرحیم

این، وصیت فاطمه دختر رسول خداست. او گواهی می دهد که معبودی جز الله نیست و محمد بنده و فرستاده اوست و بهشت و جهنم راست و حقیقی اند و هنگامه حقیقت که هیچ تردیدی در آن نیست، فرا می رسد و آن گاه خداوند، همه خفتگان گورها را برمی انگیزد.

ای علی! خداوند مرا که فاطمه ام و دختر محمد، همسر تو ساخت تا در دنیا و آخرت از آن تو باشم. مرا به حنوط معطر ساز و شست وشو ده و با کفن، جامه بپوشان و بر من نماز بگزار و شبانه به گور بسپار و هیچ کس را آگاه نساز. تو را تا هنگامه قیامت به خدا می سپارم.

علی سرگشته و حیران، بر جای ایستاده بود. فاطمه، تنها مایه آرام و قرار و شکیبایی اش، اکنون با او وداع گفته و در میان این بادهای آتش خیز، تنهایش نهاده بود.

علی با کوه اندوه بر دوش، ایستاد؛ کوهی که ابرهای انبوه اشک خیز بر آن می باریدند.

آن قلب که دوستی از آن می تراوید، باز ایستاد. آن چهره که آفتاب را فرامی تابید، در حجاب رفت. آن پرتو که راه زندگانی او را روشن می ساخت، به خاموشی گرایید. «ذوالفقار» درهم می گرایید. ستون شادی فرو می ریخت. تاریکی، زمین را فرو می پوشاند. ستارگان لحظه به لحظه رخشنده تر می شدند. همانند چشمانی که از فراز زمین به ستاره ای که در حال فرو پاشیدن است، خیره مانده اند.

تاریخ هم حیران و سرگشته ایستاد. تاریکی شب افزون گشت واندوه همانند ابری که در سکوت می گرید، در خانه های مدینه جاری گشت. زوزه گرگ های دوردست، کوچ صلح و آرامش را بیم می داد. مردم مدینه گرد آمدند تا او را به خاک بسپارند. «ابوذر» به آنها گفت: «باز گردید! تشیع فاطمه به هنگامی دیگر وانهاده شده است».(۱)

مردم بازگشتند و تاریخ، حیران ایستاد تا بنگرد که چه پیش می آید. مدینه در خواب فرو رفت و پلک های سنگین از اندوه و اشک را بر هم نهاد. در آن شب، «یثرب» با چهره بیم آلود خویش، خاموش می گریست.(۲)

در فراق یار (نجوای حزین علی علیه السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)

فاطمه، آرام خوابیده و دستش را زیر گونه اش نهاده بود. اینک آن روح بزرگ از تاب این پیکر نحیف پر کشیده بود؛ پیکری که بسی انتظار کشیده

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۴.

۲- همان، صص ۲۵۵ _ ۲۵۸.

بود تا به عناصر خاکی بپیوندد؛ پیکری که از همراهی با آن روح بزرگ، درمانده و اکنون هنگام آسودنش بود.

در حجره فاطمه تنها دو کودک بودند و زنی و چند مرد که صداقت را در دل داشتند.

تاریخ به زمزمه نماز و گریه اش گوش سپرده بود که از نوای سینه یاران در هنگامه باران حکایت می کرد. تاریخ حس کرد که باری بر دوشش سنگینی می کند. برای لحظه ای، سرش از خواب فرو افتاد و در تاریکی، به انتظار، چشمان خویش را بست.

فاطمه همانند رنگین کمانی دامن برکشید و رفت. تاریخ، چشمان خود را گشود و چیزی نیافت. تنها علی را دید که ایستاده، از جان خویش غبار می تکاند و در گوش پیامبر نجوا می کند:

ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! درود بر تو، درود من و دخترت که نزد تو فرود آمد و بسی شتابان به تو پیوست. اکنون بر آن گزیده تو بی صبرم و از غم او آرام ندارم. اندوهم جاودانه است و شبم بی قرارانه، تا آن گاه که خداوند مرا نیز به منزلگاه تو برکشد، همان سرایی که او در آن آرام گرفته است. زود است که دخترت به تو خبر دهد چگونه امتت هم دست شدند تا او را در هم بشکنند. پس از او بپرس و حال را از او جویا شو. این در حالی است که هنوز از مرگ تو دیری نگذشته و یاد تو از دل ها رخت برنبسته است. درود بر شما دو تن، درود و بدرود گوینده ای که نه یاوه می گوید و نه بد دل است. اگر کناره می گیرم، نه از دلتنگی است و اگر برپا می شوم، نه از بدگمانی به وعدهایی که خداوند به شکیبایان داده است.(۱)

ص:۱۲۴

۱- نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، قم، سید جمال الدین اسد آبادی، ۱۳۷۹، چ ۱، صص ۴۲۳ و ۴۲۴، خطبه ۲۰۲.

علی برخاست تا تنها رویاروی دنیا بایستد. او سخت احساس غربت می کرد. با دست خویش، بر آرزوهای خود، بر قلب خود و بر «ذوالفقار» خود خاک ریخت و حسرتمندانه زمزمه کرد: «از کف دادن محبوب ها، عین غربت است».

تاریخ ایستاد و بر زمان از کف رفته حسرت خورد. این فاطمه بود که در سکوت کوچیده بود و تاریخ نمی دانست او به کدام سو هجرت کرده است. نمی دانست به جهان چه پاسخی دهد. او خود، چنان که باید، ویژگی های این بانو را در نیافته بود.(۱)

آه، ای ستارگان!

آه، ای ستارگان مدینه که با سو سو زدنتان خاموشی اختر تابناک آسمان وجود علی علیه السلام را به نظاره نشسته اید. آیا می دانید که شب های بی ستاره علی تیره و تاریک و بی فروغ است؟ آیا می دانید که علی علیه السلام در تاریکی شب، تنها بر مزار همسرش نشسته و ناله سر می دهد؟

پس بیایید و با وی هم آوا شوید و بر سوگ عزیز از دست رفته اش ماتم به پا کنید و با وی هم ناله شوید و اشک بریزید!

ای ابرهای تیره و تار که آسمان مدینه را جولانگاه خود ساخته و از هم می پراکنید و فرار می کنید! چرا علی علیه السلام و فرزندانش را تنها گذاردید و با آنان هم ناله نیستید، چرا نمی گریید؟ آیا هیچ می دانید که نوگل باغ زندگی

ص:۱۲۵

۱- بهشت ارغوان، صص ۲۵۹ _ ۲۶۱.

علی علیه السلام نشکفته پرپر شد؟ آیا باخبرید که بهار، عمر ندیده خزان گشت؟

ای سکوت شب! چرا شکسته نمی شوی و بر ماتم گل رخشنده پیامبر نمی گریی؟ چرا با زمزمه های علی علیه السلام هم صدا نمی شوی و با وی به ناله نمی نشینی؟

ای شهر مدینه! ای شهر پیامبر! که پیکر نازنین و درهم شکسته زهرای بتول علیهاالسلام را در دل خود جای داده ای، چرا با نونهالان علی علیه السلام و یتیمان فاطمه علیهاالسلام هم صدا نیستی و بر دیدگان، اشک جاری نمی کنی؟

ای شهر مدینه، ای شهر خاطره ها، ای شهر پیامبر و ای شهری که خاطرات تلخ و شیرین آل رسول الله صلی الله علیه و آله در دل تو ثبت است و صفحات تاریخ آکنده از خاطرات توست! هنوز کوچه های تنگ و باریک تو یادآور لحظاتی است که حسنین علیه السلام و زینب و ام کلثوم علیه السلام در آن تاریکی وحشت بار شب به دنبال پیکرِ درهم کوفته مادرشان با گام های کوچکشان همچون مرغان بی بال و پر، آهسته روان بودند و به سوی گورستان گام برمی داشتند و زمزمه هایشان سکوت شب را می شکست و در فضا گم می شد.

شما، ای ساکنان دیار سکوت و خاموشی که با جامه ای سپید در زیر خروارها خاک آرمیده اید و نظاره گر ناله های علی علیه السلام بر گور زهرای اطهر هستید و بدان گوش فرا می دهید، چرا با وی هم دردی نمی کنید؟

آخر علی علیه السلام تنهاست و درمیان آن همه مردم بی وفا، آن قدر تنها و بی کس است که به ناچار، عزیز گلگون کفنش را شبانه دفن می کند و یادگار پیامبر را با پهلوی بشکسته و بازوی ورم کرده در درون خاک جای می دهد.

ص:۱۲۶

بیاییـد و با علی علیه السـلام همراز شوید و با فاطمه علیهاالسـلام دم ساز باشـید. آخر، روزگاری شـمع وجود او، روشـنی بخش زندگی مشـقت بار علی علیه السـلام بود که شبی را آسوده بر بالین ننهاده و پیوسـته با اهریمن صفتان پیکار می کرد و با تابش نور وجودش بر قلب نازنین علی علیه السلام شور و نشاط می بخشید. زندگی علی علیه السلام، یک پارچه صفا و عشق راستین شـده بود، هرچنـد زندگی ساده و فقیرانه ای داشت، ولی فاطمه علیهاالسـلام همه چیزش بود، اما اکنون... آیا هیچ می دانید که خانه علی علیه السلامدیگر فروغی ندارد و غبار اندوه از در و دیوارش می بارد؟

یتیمـان فـاطمه علیهاالسـلام هر یـک به کنجی نشسـته و به جای آغوش گرم و پرمحبت مادر، زانوی غم به بغل زده انـد و آرام آرام، اشک می ریزند. هیچ پرسـیده اید که چرا غنچه های پژمرده بوستان زندگی علی علیه السلام و زهرای اطهر علیهاالسلام، آرام اشک می ریزند؟

چون بی وفا مردم شـهر مـدینه، چنان بر یادگار پیامبر سـتم کردند و پیکرش را درهم شکسـتند که حتی شایسـتگی شـنیدن ناله های عزیزان فاطمه علیهاالسلام را نداشتند.

ای کاش می توانسـتند های های بگرینـد و ناله کننـد تا صدای گریه هایشان در گوش شـما ساکنان وادی سکوت، طنین بینـدازد که شاید با آنان هم آوا شوید و ناله کنید... .(۱)

ص:۱۲۷

۱- سیری کوتاه در زندگی حضرت زهرا علیهاالسلام، صص ۲۲۳ و ۲۲۶.

بهشت پیامبر

آن شب، آرامش از کاینات، رخت بر بست؛ چرا که در خانه علی کسی آرام گرفته بود که لحظه لحظه زندگی اش آرامش پیامبر بود.

آن شب در خانه علی، خلاصه قرآن، کوثر ایمان، پاره تن محمد با سینه ای پاره شده، فریاد احمد را به گوش اصحاب می رساند: «فاطمه، پاره تن من است، نور چشمان من است، میوه دل و روح من است و او حوری ای است انسان صفت».

آن شب، علی غرق نگاه کسی بود که پیامبر از نظاره او و علی سیر نمی شد. آن شب، حیدر به اولین مدافع «ولایت»، به چشم اولین قربانی آن می نگریست؛ به اولین خطابه آتشین او در دفاع از حریم «امامت»، به اولین «سپر» در هجوم به خانه ای که جبرئیل دربان آن بود.

و اینک علی است و فصل سکوت در راه. اینک علی است و فصل نجوا با چاه، فصل غربت در حضر، فصل خطر در سفر و اینک علی تنهاست؛ تنهاتر از ماه. آن شب علی بار دیگر فاطمه را برای آخرین بار نظاره کرد. رخسار زرد از روزه، پاهای ورم کرده از نماز، دستانی تاول زده از آسیاب خانه و پهلویی شکسته چون قلب حسن و حسین.

«السلام علیك یا بنت رسول الله».

آن شب، ماه در سوگ مهربان ترین مادر روزگار مویه می کرد.آن شب این رسولان فاطمه، این غنچه های نشکفته، در سایه سار نخل غدیر خُم، خَم شده بودند و از ستم تندباد غاصبان به خود می پیچیدند.

آن شب، بهشت سیرتِ زمین، بهشت احمد، امانت محمد چون کشتیِ در تلاطم امواج سهمگین، در ساحل «وعده» پیامبر آرام گرفت.

ص:۱۲۸

آن شب علی در آرزوی جایی بود که فاطمه، این هم سنگ قرآن، این آیت آفرینش را در آن جای دهد.

اما بدانید ای بقیع رفتگان! او هیچ نشانی از خاک بر تن نداشت تا قبرِ او را در خاک جست وجو کنید. آسمان نیلگون، تصویری از یک گونه نیلی و سیلی خورده اوست و دریا، قطره ای از اشک فروریخته اش. فاطمه را در قلب علی جست وجو کنید.

فاطمه با علی ماند در «جمل»، در «صفین»، در «نهروان»؛ همان گونه که با علی بود در «بدر»، در «اُحُد» و در «خیبر»، فاطمه با گل های معطرش باقی ماند.

آری، آن گاه که در مداین، سجاده از زیر پای حسن علیه السلام کشیدند، این فاطمه بود که او را از زمین بلند کرد. آن روز که در کربلا سر حسین علیه السلام بر نی رفت، این فاطمه علیهاالسلام بود که خاک و خون از رخسارش زدود و آن شب که در خرابه شام، زینب علیهاالسلام لحظه ای به خواب رفت، این فاطمه بود که سر او را به دامان گرفت.

فاطمه با علی بود، با حسن و حسین ماند و با زینبیان هست و فردا از آنِ مکتب اوست و در آدینه ای که دوباره عدالت علی علیه السلام ظهور می کند، این انگشت نورانی اوست که مهدی اش را هدایت می کند و به او می گوید: «وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ».(۱)

ص:۱۲۹

۱- حسن ابراهیم زاده، «بهشت پیامبر»، پیام زن، ش ۷، سال اول، صص ۴۲ - ۴۹. با تلخیص

اشک و اشک و اشک

آن شب، مدینه چه دل گیر بود! گویی آسمان، دلش را غرق در خون کرده بود. لحظه های قبل، امام علی علیه السلام با دست های لرزان، پیکر فاطمه علیهاالسلام را به خاک گرم مدینه سپرده بود.

کودکان فاطمه علیهاالسلام؛ امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، زینب و ام کلثوم در کنار قبر مادر، از عمق جان می نالیدند. یاران نزدیک پیامبر و امام علی علیه السلام؛ یعنی: سلمان، عمّار، مقداد و ابوذر و...، شانه هایشان زیر بار غم، خم شده بود. گویی شانه نخل ها هم می لرزید.

باران اشک به امام علی علیه السلام امان نمی داد. شب بود و امام علی علیه السلام و اشک و اشک و اشک... .

لحظه ها چه تلخ می گذشتند. امام علی علیه السلام با دلی سوخته، صورتش را میان دست هایش گرفته بود و با خود نجوا می کرد.

صدای ناله های امام علی علیه السلام به گوش آسمان رسید. دل آسمان گرفت و بغض، گلوی مدینه را فشرد. مدینه، بوی غم و گریه داشت.

امام علی علیه السلام نگاهش را به تاریکی شب دوخت و رو به مزار پیامبر از ته دل نالید: «سلام بر تو ای رسول خدا! از من و از دخترت که به دیار تو آمده و اکنون در کنار تو، زیر خاک خفته است...».

غم دوری از پیامبر و فاطمه علیهاالسلام، در دلش انباشته شده بود. طاقت نیاورد. صورتش را با دست هایش پوشاند و اشک، باز هم امانش نداد. در آن لحظه، ستاره های آسمان مدینه اشک ریختند و صدای مرغ حق و جیرجیرک ها در نخلستان خاموش شد.

ص:۱۳۰

صدای نرم امام علی علیه السلام، سکوت شب را شکست: «... ای رسول خدا! پس از فاطمه علیهاالسلام، آسمان و زمین در دیدگانم زشت است. اندوهم جاودانه است و شبم در بی خوابی می گذرد. غمم، پیوسته در دل است تا خدا مرا نزد تو ساکن گرداند...».

...شب بود و علی و اشک و اشک و اشک.(۱)

فاطمه علیهاالسلام، منظومه غم

ایام «فاطمیه» که می رسد،

دل های عاشق و بی قرار، «سرود غم» می خواند

و... منظومه اندوه می سراید.

وقتی یک بوستان، خزان زده شود،

وقتی یک گل، پرپر گردد،

وقتی بلبلی به هجران گل مبتلا شود،

چه می ماند جز فصل نالیدن و موسم گریستن؟

«فاطمیه»، همان فصل و موسم است.

دردهای علی علیه السلام، بیش از ظرف فهم و درک ماست.

داغ غربت علی علیه السلام، کوه ها را از هم متلاشی می کند.

۱- ناصر نادری، بوی گل یاس، تهران، مدرسه، ۱۳۷۵.

فراق فاطمه، تنها علی را داغدار نکرد، بلکه چشم فضیلت ها در داغ آن محبوبه پیامبر، خون گریست و دیدگان ارزش ها، همواره گریان آن مظلومه تاریخ ماند.

امروز، اگر آسمان دل ما هم ابری است،

اگر هوای چشمان ما هم به یاد «رنج فاطمه» و «غربت علی»، بارانی است،

این، تداوم همان گریستن های حسن و حسین و زینب و کلثوم علیهم السلام است.

آنان، سر در آغوش و بر شانه پدر نهادند و گریه کردند،

امروز ما در فاطمیه ای به وسعت ایران، سر بر شانه «مظلومیت شیعه» می گذاریم و آرام می گرییم.

به عشق زهرا علیهاالسلام، دلخوشیم و از شهادتش، دلخون!

هنوز هم پرسش های ما بی پاسخ مانده است.

مگر فاطمه، تنها یادگار حضرت رسالت نبود؟

مگر سینه اش، بوسه گاه محمد نبود؟

مگر پیامبر، هر روز هنگام عبور از برابر «خانه فاطمه» به اهل آن خانه سلام نمی داد؟

مگر «مودت ذی القربی» توصیه قرآن و اجر رسالت رسول نبود؟

مگر خدا، خشم و رضای فاطمه را خشم و رضای خویش قرار نداد؟

پس چرا آن همه گریه و اشک؟

پس چرا آن همه بی حرمتی به حریم فاطمه؟

ص:۱۳۲

و چرا آن همه جفا بر آل مصطفی؟

شهر اگر شهر تو، پس حمله به آن خانه چرا؟

مرگ جان سوز چرا؟ دفن غریبانه چرا؟

راستی ... قبر فاطمه چرا مخفی است؟

و چرا در مدینه، انسانِ زائر می ماند که عقده دل کجا بگشاید و اشک دیده پای کدام نخل بریزد؟ و خیلی «چرا»های دیگر.

نام «فاطمه»، از تار دل ها نوای غم برمی آورد.

یاد «زهرا»، واژه های محزون و غربت زده را به «غم نامه» تبدیل می کند.

«ایام فاطمیه»، مجموعه ای از جگرهای سوزان، چشم های گریان، عزاداران سیه پوش و عاشقان درد آشناست،

فاطمیه، «فهرست غم» است، «سند مظلومیت» است، «ادعانامه شیعه» است.

این روزها، ایام مرور اوراق کتاب رنج زهراست.

و هر ورق، شامل چندین «سوگ سروده» و «رنج نامه» است.

سرفصل های این کتاب، با واژه هایی همچون «پهلو»، «بازو»، «سینه»، «در سوخته»، «شعله آتش»، «میخ در»، «بستر بیماری» و «دفن شبانه» تدوین یافته است.

«رفتی، اما ز تو منظومه غم بر جا ماند

با دل خسته و بشکسته، علی تنها ماند...».

خدا را شاکریم که نعمت «غم زهرا» را ارزانی مان کرده است.

هم نوایی روح هایمان با اندوه های علی و فاطمه، نشان سیر شدن جان از «کوثر ولایت» است.

این غم، نشانه «محبت» است.

و... «تا نسوزد دل، نریزد اشک و خون از دیده ها».

هرچنـد در ایام فاطمیه، داغ ما تازه می شود، ولی مرور بر این «فهرست غم»، ما را به فاطمه نزدیک تر می کنـد، جانمان، جرعه نوش «زمزم ولا» می شود، قلبمان شـفافیت زهره زهرا را بهتر لمس می کندو گریه ها، شـفیع ما می گردد تا در آسـمان عترت، عزت یابیم. قطرات اشک، در سوگ «اهل بیت»، ما را هم «اهل» این «بیت» می کند و مهمان سفره تولّا.(۱)

۲. اشعار

عطر گل یاس

اس بوی مهربانی می دهد

عطر دوران جوانی می دهد

یاس مثل عطر پاک نیت است

یاس استنشاق معصومیت است

یاس یک شب را گل ایوان ماست

یاس تنها یک سحر مهمان ماست

بعد روی صبح پرپر می شود

راهی شب های دیگر می شود

یاس ها را آیینه ها رو کرده اند

ص:۱۳۴

۱- جواد محدثی، رواق روشنی، قم، انتشارات نصر، چ ۱، ۱۳۷۶، صص ۴۵ _ ۴۸.

یاس را پیغمبران بو کرده اند

یاس ها یادآور پروانه اند

یاس ها پیغمبران خانه اند

یاس خوش بوی محمد داغ دید

صد فدک، زخم از گل این باغ دید

باید از فقدان گل، خونجوش بود

در فراق یاس مشکی پوش بود

حضرت زهرا دلش از یاس بود

دانه های اشکش از الماس بود

داغ عطر یاس زهرا زیر ماه

می چکانید اشک حیدر را به چاه

اشک می ریزد علی مانند رود

بر تن زهرا، گل یاس کبود

گریه آری، گریه چون ابر چمن

بر کبود یاس و سرخ نسترن

گریه کن حیدر که مقصد مشکل است

این جدایی از محمد مشکل است

این دل یاس است و روح یاسمین

این امانت را امین باش از زمین

نیمه شب، دردانه باید در مغاک

ریخت بر روی گل خورشید، خاک

ص:۱۳۵

مدفن این لاله غیر از چاه نیست

جز تو کس از قبر او آگاه نیست

احتراق لاله را دیدیم ما

گل دمیده خون بجوشیدیم ما

احمد عزیزی

برگرد سوی خانه

هر شب به یاد رویت، ای بانوی یگانه

آیم کنار قبرت از خانه مخفیانه

از آتش فراقت در سوز و در گدازم

ز اعماق سینه من، آتش کشد زبانه

آن شب که غسل دادم جسم تو را به زاری

بر پیکر تو دیدم، آثار تازیانه

رخساره تونیلی، دیدم ز ضرب سیلی

کز چشمه سار چشمم، شد خون دل روانه

بودی تو بهتر از جان، اما دریغ و افسوس

پنهان به خاک کردم جسم تو را شبانه!

در خانه، زینب تو مشغول خانه داری

گوید به آه و زاری: برگرد سوی خانه

تا می دهم حسن را از داغ تو تسلّی

مظلوم کربلایت گیرد تو را بهانه

خون جگر ز دیده، (ژولیده) کرد جاری

ص:۱۳۶

پیوسته شِکوِه دارد از گردش زمانه(۱)

ولیده نیشابوری (ژولیده)

صدایش هنوز هست!

زهرا گذشت و خاطره هایش هنوز هست

در مسجد مدینه، صدایش هنوز هست

شهری که بود شاهد غم های فاطمه

پر از صدای گریه، فضایش هنوز هست

از گلشن امید به تاراج حادثات

گل رفته است و عطر وفایش هنوز هست

یاد مصیبتش نشد از سینه ها برون

آن داغ بر دل همه، جایش هنوز هست!

در هر دلی که داشت تجلی، به جای ماند

در هر سری که بود هوایش، هنوز هست

در آستانه در آن روضه بهشت

بانگ و نوای «وا ابتا»یش هنوز هست

راز و نیاز فاطمه را تا دهد گواه

محراب هست و موج دعایش هنوز هست

چون آرزوی خفته در آغوش سرد خاک

ص:۱۳۷

۱- محمد علی مجاهدی، یاس کبود، قم، سرور، ۱۳۷۶، چ ۱، ص ۱۹۲.

محسن به جا نماند و عزایش هنوز هست!

گر سر زند به کلبه احزان او کسی

پی می برد که شور و نوایش هنوز هست

سودی نخواست از فدک، اما به یادگار

آن خطبه بلیغ و رسایش هنوز هست

تا انتقام مادر خود را کشد ز خصم

مهدی - که باد جان به فدایش - هنوز هست

گر نیستیم قابل دیدار او (شفق)!

ما را به سینه، عشق لقایش هنوز هست(۱)

محمد جواد غفور زاده (شفق)

* * *

گر نگاهی به ما کند زهرا

دردها را دوا کند زهرا

بر دل و جان ما صفا بخشد

گر نگاهی به ما کند زهرا

کم مخواه از عطای بسیارش

کانچه خواهی، عطا کند زهرا

نه عجب، گر به شأن او گویند:

خاک را کیمیا کند زهرا

۱- همان، ص ۲۱۲.

از کمال عبادت و طاعت

حکم بر ما سوا کند زهرا(۱)

* * *

ای نام تو از نام خدا، یا زهرا

ذکر تو شفای دردها یا، زهرا

از بهر خدا به دوستان کن نظری

حاجات همه روا نما یا زهرا

هستیم به زندان بلا و دشمن

ما را ز بلا رها نما یا زهرا

ما جمله گرفتار و فقیر و بیمار

از حق بطلب چاره ما یا زهرا

تو شافعه محشر و ما غرق گناه

بخشای گناه جمله را یا زهرا(۲)

* * *

آن شب که دفن کرد علی، بی صدا تو را

خون گریه کرد چشم خدا در عزا، تو را

در گوش چاه، گوهر نجوا نمی شکست

ای آشنای درد، علی داشت تا تو را

ای مادر پدر! غمش از دست برده بود

۱- کرامات الفاطمیّه، به نقل از: جلوه های سعادت، ص ۱۴۶.

۲- همان.

همراه خود نداشت اگر مصطفی، تو را

ناموس دردهای علی بوده ای چو اشک

پیدا نخواست غیرت شیر خدا تو را

یک عمر در گلوی تو بغض استخوان شکست

در سایه داشت گرچه علی چون هما تو را

خم کرد، ای یگانه سپیدار باغ وحی

این هیجده بهار پر از ماجرا، تو را

دفن شبانه تو که با خواهش تو بود

فریاد روشنی است ز چندین جفا تو را(۱)

ولایت، گنج عشقی در دل ماست

هزاران دست بیعتگر کجا رفت

وفا با آل پیغمبر کجا رفت

اگر پیمان مردم با ولی بود

اگر پیوند با آل علی بود

نه فرمان نبی از یاد می رفت

نه رنج و زحمتش بر باد می رفت

نه بر روی زمین می ماند قرآن

نه قدرت تکیه می زد جای برهان

نه حق بی یاور و مظلوم می ماند

۱- همان، ص ۱۴۹.

نه امت از علی محروم می ماند

نه زهرا کشته می شد در جوانی

نه می شد خسته از این زندگانی

غدیر خم اگر سایه فکن بود

ولایت اهرمی دشمن شکن بود

صفوف ما جدا از هم نمی شد

شُکُوه و عزت ما کم نمی شد

نه صدها بار می مردیم هرروز

نه جام زهر می خوردیم هر روز

کنون ماییم و درد داغداری

کنون ماییم و اشک و سوگواری

ولایت، گنج عشقی در دل ماست

محبت هم سرشته با گِل ماست

کریمان با بدان هم بد نکردند

کسی را از در خود رد نکردند

اگر ناقابلیم و شرمساریم

به جز عشق شما چیزی نداریم

شما در ظاهر و باطن امیرید

عنایت کرده، دست ما بگیرید(۱)

۱- رواق روشنی، صص ۱۰ ـ ۱۴.

فصل هشتم: همراه با برنامه سازان

پیشنهادهای کلی

۱. در معرفی فاطمه زهرا علیهاالسلام به گونه ای عمل نکنیم که مخاطب چنین دریابد که فاطمه علیهاالسلام، موجودی آسمانی است و ما نمی توانیم از او الگو بگیریم. بکوشیم جلوه های گوناگون شخصیت و منش فاطمه علیهاالسلام را به گونه ای قابل اقتدا معرفی کنیم.

۲. بکوشیم دوربین را به زوایای مختلف زندگی مردم ببریم و با کاوش در رفتارهای جامعه، سیره فاطمه علیهاالسلام را به عنوان بهترین راه سعادت و کمال معرفی کنیم.

۳. از طرح مباحث و مطالب کم عمق و غیرمستند درباره حضرت به شدت پرهیز کنیم.

۴. احادیث و مطالبی را که درک و تحلیل آنها برای عامه مردم امکان پذیر نیست، در رسانه مطرح نسازیم.

۵. در ایام شهادت فاطمه علیهاالسلام به همان میزان که به عزاداری و مرثیه خوانی توجه داریم، به شناساندن جنبه های وجودی حضرت و اهداف و مقاصد والای او نیز بپردازیم.

پیشنهادهای برنامه ای

۱. گفت و گو با بزرگان به ویژه رهبر معظم انقلاب با حضور جوانان درباره زوایای پوشیده سیره فاطمه علیهاالسلام.

۲. گفت وگو با دختران جوان درباره الگوبودن فاطمه علیهاالسلام و جاودانگی این الگو در تاریخ.

۳. گفت وگو با جوانان درباره اینکه چگونه می توان فاطمه علیهاالسلام را بهتر و بیشتر شناخت و شناساند.

۴. پخش تصویر جبهه های دفاع مقدس و استعانت آنان از نام مقدس حضرت فاطمه علیهاالسلام.

۵. گزارش از زندگی خانواده های موفقی که زهرا و علی علیهماالسلام را الگوی خویش قرار داده اند.

۶. تبیین شفاف و روشن جلوه های گوناگون شخصیت فاطمه علیهاالسلام برای جامعه.

۷. تهیه گزارش با موضوع سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام و پخش سخن مربوط به حضرت فاطمه علیهاالسلام در پایان گزارش.

۸. تهیه گزارش از عزاداری بانوان غیرایرانی مقیم ایران در سوگ حضرت زهرا علیهاالسلام.

۹. گفت وگو با بانوان غیرایرانی درباره حضرت زهرا و جلوه های الگویی ایشان.

۱۰. معرفی و ترجمه زیارت نامه حضرت زهرا علیهاالسلام و فرازهای زیبایی از آن در یک برنامه جذاب.

۱۱. تهیه گزارش از موفقیت هایی که اولیا و افراد در سایه توجه و توسل به زهرای اطهر علیهاالسلام به دست آورده اند.

۱۲. گفت وگو با مردم درباره معانی نام های حضرت زهرا علیهاالسلام.

ص:۱۴۳

۱۳. گفت و گو بـا مردم دربـاره اینکه آیـا می توان زهرا علیهاالسـلام را در پـاره ای مسائـل الگو دانست و در پاره ای مسائل به خاطر شرایط زمان الگو ندانست و جمع بندی صحیح از این مسئله در پایان برنامه.

پرسش های مردمی

۱. بـه نظر شـما بزرگ تریـن آرزو و امیـد زهرای اطهر علیهاالسـلام بـه عنـوان زنی جـوان چـه بـود؟ بزرگ ترین آرزوی شـما چیست؟

۲. به نظر شما برای یک دختر و زن جوان کدام یک از ویژگی های اخلاقی حضرت زهرا علیهاالسلام جذاب تر است؟

۳. شـما تا چه حد کوشـیده اید خود را به ویژگی های حضـرت زهرا علیهاالسلام نزدیک کنید؟ تا به حال کدام یک از آنها را بیشتر اجرا کرده اید؟

۴. چه ویژگی هایی را در زنان امروز جامعه اسلامی با ویژگی های سرور زنان عالم منافی می دانید؟

۵. می توانید کلامی از فرموده های زهرا علیهاالسلام را نقل کنید؟

۶. می توانید کلامی از علی علیه السلام در مورد همسر یکتایش فاطمه زهرا علیهاالسلامبگویید؟

۷. از چگونگی ازدواج حضرت زهرا علیهاالسلام با علی علیه السلام چه می دانید؟

۸. چرا علی علیه السلام و فاطمه علیهاالسلام در زندگی خانوادگی و مشترکشان خوشبخت بودند؟

۹. از میان ویژگی های اخلاقی و روابط بین علی علیه السـلام و زهرا علیهاالسـلام در زندگی مشترک، چه چیز توجه شـما را به خود جلب می کند؟

ص:۱۴۴

۱۰. به نظر شما آیا زنان ما نیز می توانند رفتاری همچون زهرا علیهاالسلام با شوهرانشان داشته باشند؟

۱۱. مهریه حضرت زهرا علیهاالسلام چه بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به چه مصرفی رسانید؟ تا چه حد جامعه ما به این ارزش نزدیک و تا چه حد از آن دور است؟

۱۲. به نظر شما آیا زهرای اطهر علیهاالسلام از اینکه بیشتر کارهای خانه را _ که در آن زمان کارهای سختی بود _ خود انجام می داد، احساس ناراحتی نمی کرد و آن را نقصی در شخصیت خویش نمی دانست؟

۱۳. علی علیه السلام تا چه حد در خانه، زهرای مرضیه علیهاالسلام را یاری می داد؟

۱۴. اگر زنان جامعه ما بخواهند در حیا و حجاب از حضرت زهرا علیهاالسلام پیروی کنند، چگونه باید باشند؟

۱۵. تاکنون کوشیده اید چه ویژگی هایی از زندگی حضرت فاطمه علیهاالسلام را در زندگی خود محقق کنید؟

۱۶. حضرت زهرا علیهاالسلام جهیزیه ای ساده و در حد نیاز برگزید، در حالی که در آن زمان جهیزیه های سنگین نیز وجود داشت. به نظر شما در این باره تا چه حد باید به اسوه زنان عالم تأسی کرد و آثار آن چیست؟

۱۷. زنان جامعه ما در حضور اجتماعی خود، چه درس هایی از حضرت فاطمه علیهاالسلام می گیرند؟

۱۸. نمونه ای از زندگی مشترک سراغ دارید که جلوه هایی از زندگی علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام در آن نمایان باشد؟

ص:۱۴۵

پرسش های کارشناسی

۱. همسران جوان تا چه حد می توانند از ساده زیستی علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام پیروی کنند؟

۲. آیا علی علیه السلام و زهرا علیهاالسلام با انتخاب زندگی و ازدواجی ساده، جلوه های زیبای زندگی را بر خود منع کردند؟

۳. اگر زوج های جوان در ازدواج و زندگی مشترک، به سادگی حضرت زهرا علیهاالسلام و علی علیه السلاماقتدا کنند، آیا تشریفات انجام نشده به صورت عقده در دلشان می ماند و شأن اجتماعی آنها را کاهش می دهد؟

۴. زهرای اطهر علیهاالسلام، عفیف ترین زن عالم است، به نظر شما «عفاف» چیست و چه نمودهایی دارد؟

۵. چه ویژگی هایی در حضرت زهرا علیهاالسلام موجود بوده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند: «فاطمه علیهاالسلام بهترین زنان عالم است»؟

۶. چرا با گذشت قرن ها از شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام نور ایشان در قلب ها پرتوافشان است و زنان مسلمان، وی را الگوی خویش می دانند؟

۷. زهرای اطهر علیهاالسلام تا چه حد برای رسیدن به علایق مادی خویش ــ که برای زنان جوان مهم است ــ تلاش می کرد؟ تا چه حد خواسته های مادی زندگی را از همسرش علی علیه السلام درخواست می کرد؟

۸. حضرت زهرا علیهاالسلام به عنوان زنی که دارای شخصیت خانوادگی و اجتماعی فوق العاده ای بود و سرور زنان شناخته می شد، با همسرش چگونه رفتار می کرد؟

۹. چرا با وجود اینکه فاطمه علیهاالسلام برای ما الگوی تمام نمای یک زن

ص:۱۴۶

کامل است، نتوانسته ایم ویژگی های روحی و اخلاقی ایشان را در میان زنان، در حد مطلوب شاهد باشیم؟

۱۰. «زهرای اطهر علیهاالسلام الگوی زنان عالم است»؛ یعنی چه؟ پیروی از ایشان در چیست؟

۱۱. حضرت پیامبر چگونه کارها را میان دو زوج جوان ــ زهرا علیهاالسلام و علی علیه السلامــ تقسیم کردند؟ هدف ایشان از چنین تقسیمی چه بود؟

۱۲. حضرت زهرا علیهاالسلام به عنوان بانویی که نه تنها در خانه، بلکه بیرون از خانه نیز حضور اجتماعی داشت، به کدام یک بیشتر می پرداخت؟

۱۳. آیا ازدواج حضرت زهرا علیهاالسلام در سنین پایین با امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مانعی بر سر راه پیشرفت های معنوی و اجتماعی ایشان به شمار می رفت؟

۱۴. ازدواج در اوان جوانی به پیروی از زهرای مرضیه علیهاالسلام چه آثار و برکاتی دارد؟

۱۵. چرا حضرت زهرا علیهاالسلام بهترین و نزدیک ترین حالت زن به خداوند را اجتناب از نامحرم می داند؟

۱۶. چرا زهرا علیهاالسلام در شب عروسی (که زینت و جمال در این موقعیت مهم ترین مسئله برای زن است)، لباس خویش را به مستمندی می بخشد و با لباس قبلی به خانه علی می رود؟ آیا این کار در جامعه امروز، عملی پسندیده است؟

۱۷. چرا پیامبر با مقام والایشان بر دست زهرا علیهاالسلام بوسه می زد؟

۱۸. بزرگ ترین و مهم ترین رسالت رهروان زهرا علیهاالسلام چیست؟

ص:۱۴۷

۱۹. حضور زهرا علیهاالسلام در اجتماع چگونه و با چه ضوابطی بود؟

۲۰. ما زنان که ادعای پیروی از زهرا علیهاالسلام را داریم، چگونه و از چه راه هایی می توانیم در گسترش فرهنگ عفاف مؤثر باشیم؟

۲۱. نقش زهرا علیهاالسلام در تربیت فرزندان چگونه بود؟ نقش زنان در تربیت معنوی جوانان چیست؟

۲۲. چرا زهرا علیهاالسلام از حضور بدون پوشش در مقابل مرد نابینا پرهیز کرد؟

۲۳. زهرای اطهر علیهاالسلام در مسئله ازدواجش تا چه اندازه برای نظر پدرشان ارزش قائل بود؟

۲۴. حضور اجتماعی حضرت فاطمه علیهاالسلام چگونه و در چه زمینه هایی بود؟

۲۵. حضرت زهرا علیهاالسلام مسئولیت اجتماعی نداشت. آیا این مسئله از تأثیر معنوی و تربیتی ایشان بر جامعه کاسته بود و مانعی در امر هدایت و انجام وظیفه ایشان به شمار می رفت؟

ص:۱۴۸

فهرست داستان هایی از زندگانی زهرای مرضیه علیهاالسلام برای استفاده

برنامه سازان

ردیفنام داستاننام منبعنام نویسندهصفحه

۱۳ حسن و حسین در آغوش زهرا علیهاالسلام بیت الاحزانشیخ عباس قمی۲۵۲

۱۴ گردن بند با برکت کوثر قرآنمحسن کازرونی۱۰۴_۱۰۸

۱۵ چگونگی کفن و دفن شبانه زهرا علیهاالسلام بیت الاحزانشیخ عباس قمی۲۴۷_۲۵۷

۱۶ اهمیت دادن به نیازهای طبیعی کودک جلوه های رفتاری زهرا علیهاالسلامعذرا انصاری۵۲

۱۷ ارج نهادن به شخصیت کودک جلوه های رفتاری زهرا علیهاالسلامعذرا انصاری۵۰

ردیفنام داستاننام منبعنام نویسندهصفحه

۱۸ اشک ها، بدرقه راهش جلوه های رفتاری زهرا علیهاالسلامعذرا انصاری۲۶

۱۹ آموزش دعا جلوه های رفتاری زهرا علیهاالسلامعذرا انصاری۹۴

۲۰ عیادت سلمان از فاطمه علیهاالسلام جلوه های رفتاری زهرا علیهاالسلامعذرا انصاری۹۵_۹۸

۲۱ تقسیم کار با خدمت گزار جلوه های رفتاری زهرا علیهاالسلامعذرا انصاری۹۸_۱۰۰

۲۲ مصرف گوشت قربانی نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۲۵

۲۳ اثبات امامت علی علیه السلام نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۳۸

۲۴ عامل رستگاری نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۴۸

۲۵ گریه بر مظلومیت علی علیه السلام نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۴۹

۲۶ هم دردی با پدر نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی ۶۰

۲۷ حوریان بهشتی و شوق دیدار فاطمه علیهاالسلام نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۹۲_۹۵

۲۸ از خود گذشتگی و ایثار فاطمه علیهاالسلام نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۱۳۰_۱۳۲

۲۹ دفاع، تا رهایی و سلامت امام نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۱۴۶_۱۴۸

۳۰ ارزش و اهمیت دعا نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۱۵۰و۱۵۱

۳۱ عطر و زینت در نماز نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمهمحمد دشتی۱۶۹و۱۷۰

۳۲ جلوه های ایثار زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلاممحمدقاسم نصیرپور۱۲۳و۱۲۴

۳۳ پیراهن عروسی بانوی بانوان، حضرت زهرا علیهاالسلاممؤسسه در راه حق۳۸

ص:۱۵۱

معرفی کتاب های قابل استفاده برای برنامه سازان

ردیفنام کتابنام نویسندهناشر

۱ فاطمه زهرا، ام ابیها علامه امینی مؤسسه انتشارات امیرکبیر

۲ فاطمه در آینه کتاب اسماعیل انصاری زنجانی نشر الهادی قم

۳ تحلیل حوادث ناگوارزندگانی حضرت فاطمه علیهاالسلام محمد دشتی مؤسسه نشر امام علی علیه السلام

۴ بهشت ارغوان، قصه ناتمام صدیقه علیهاالسلام کمال السید، مترجم: سیدابوالقاسم حسینی (ژرفا) نشر پارسایان

۵ رنج ها و فریادهای فاطمه علیهاالسلام شیخ عباس قمی، ترجمه: محمدمحمدی اشتهاردی نشرناصر

۶ نهج الحیاه «فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام» محمد دشتی مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام

۷ مقام علمی و کرامات حضرت زهرا علیهاالسلام زهرا گواهی مرکز نشر طلیعه(مشهد)

۸ فاطمه، برترین بانوی اسلام علی قائمی انتشارات شناخت اسلام

۹ کشتی پهلو گرفته سیدمهدی شجاعی انتشارات مدرسه

۱۰ جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیهاالسلام عذرا انصاری انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

۱۱ فاطمه زهرا، بانوی نمونه اسلام ابراهیم امینی

۱۲ کوثر قرآن محسن کازرونی

۱۳ زندگی و سیمای حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام علامه سیدمحمدتقی مدرسی

۱۴ سیری کوتاه درزندگی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام محمد تقی سجادی مؤسسه انتشارات نبوی

۱۵ یاس کبود(شعر) گردآوری: محمدعلی مجاهدی(پروانه) انتشارات سرور

۱۶ زهرا، پرتو پیامبری و بوی خوش محمدی ام الحسنین بغدادی، ترجمه:محمودمهدوی دامغانی سازمان چاپ مشهد

۱۷ زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام محمدقاسم نصیرپور چاپ نمونه

ص:۱۵۳

کتاب نامه

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، مترجم: دشتی، محمد، قم، انتشارات سید جمال الدین اسدآبادی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب العربیّه، ۱۹۶۱م.

۲. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.

۳. ابن شهر آشوب، رشید الدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم، انتشارات علاّمه، بی تا.

۴. ابن هشام، عبدالملک، سیره النبویّه، مصر، مطبعه المصطفی الحلبی، ۱۳۵۵ه . ق.

۵. احمد بن حنبل، مسند، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ه . ق.

۶. احمدی، حبیب اللّه، فاطمه؛ الگوی زندگی، قم، انتشارات مؤلف، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمّه، قم، مکتبه بنی هاشم، ۱۳۸۱ ه . ق.

۸. امین، سیدمحسن، سیره معصومان علیهم السلام (فاطمه، دخت پیامبر)، تهران، سروش، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۹. امینی، ابراهیم، فاطمه زهرا علیهاالسلام، بانوی نمونه اسلام، قم، دارالتبلیغ، چاپ سوم، بی تا.

۱۰. امینی، عبد الحسین، فاطمه الزهراء اُمّ ابیها، تهران، امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۳.

۱۱. اندلسی، احمد بن محمد بن عبد ربّه، العقد الفرید، مصر، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۶۱ م.

۱۲. انصاری زنجانی، اسماعیل، فاطمه علیهاالسلام در آینه کتاب، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳. انصاری، عذرا، جلوه های رفتاری حضرت زهرا علیهاالسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۱۴. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، دارالکتب العلمیّه، ۱۳۹۳ ه . ق.

۱۵. بغدادی، احمد بن علی (معروف به خطیب بغدادی) معجم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمه، بی تا.

۱۶. بغدادی، اُمّ الحسین، زهرا علیهاالسلام، پرتو پیامبری و بوی خوش محمدی، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، مشهد، سازمان چاپ مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۱۷. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، مصر، دارالمعرفه، بی تا.

۱۸. تستری، شهید قاضی نور اللّه، احقاق الحق، تهران، ۱۳۹۱ ه . ق.

۱۹. جعفری، مهدی، مسند فاطمه علیهاالسلام (مجموعه سخنان حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام به ضمیمه شرح حال آن حضرت)، تهران، مؤسسه تحقیقاتی _ فرهنگی جلیل، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۲۰. حسینی (ژرفا)، ابوالقاسم، بهشت ارغوان، قصه ناتمام صدیقه علیهاالسلام قم، پارسایان، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۲۱. خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام، قم، مکتبه المفید، بی تا.

ص:۱۵۴

۲۲. دشتی، محمد، تحلیل حوادث ناگوار زندگانی حضرت فاطمه علیهاالسلام (تحلیل تاریخ سیاسی ۷۵ روز پس از وفات پیامبر)، قم، مؤسسه نشر امام علی علیه السلام، بی تا.

۲۳. ________________ ، نهج الحیاه، فرهنگ سخنان فاطمه، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین،چاپ ششم، ۱۳۷۳.

۲۴. دینوری، عبد اللّه بن قتیبه، الامامه و السیاسه، مصر، مؤسسه الحلبی، بی تا.

۲۵. سجادی، محمد تقی، سیری کوتاه در زندگی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، قم، مؤسسه انتشارات نبوی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.

۲۶. سیوطی، جلال الدین، الدُر المنثور، قم، مکتبه المرعشی، ۱۴۰۴ ه . ق.

۲۷. شریعتمداری، عبدالرسول، نخبه البیان فی تفضیل سیده النسوان، بی جا، بی نا، بی تا.

۲۸. شهیدی، جعفر، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هجدهم، ۱۳۷۳.

۲۹. شیخ صدوق، محمد بن علی، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

۳۰. ________________ ، خصال، مکتبه الصدوق، تهران، ۱۳۴۸.

۳۱. ________________ ، علل الشرایع، مترجم: سید جواد ذهنی، قم، انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۰.

۳۲. ________________ ، من لایحضره الفقیه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.

۳۳. صادقی اردستانی، احمد، فاطمه علیهاالسلام، الگوی زن مسلمان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۳۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، مجعم الکبیر، قاهره، مکتبه ابن تیمه، بی تا.

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ه . ق.

۳۶. طبری، محب الدین، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، مصر، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ ه . ق.

۳۷. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الاُمم و الملوک (تاریخ طبری)، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.

۳۸. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، مصر، مطبعه المصطفی، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

۳۹. ________________ ، دلائل الامامه، نجف اشرف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۶۹.

۴۰. متقی هندی، علی، کنز العمّال، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.

۴۱. مجاهدی (پروانه)، محمد علی، یاس کبود، قم، انتشارات سرور، جلد اول، ۱۳۷۶.

۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه . ق.

۴۳. ________________، تاریخ چهارده معصوم، (جلاء العیون) قم، سرور، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۴۴. محدثی، جواد، رواق روشنی، قم، انتشارات نصر، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۴۵. محلّاتی، ذبیح اللّه، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۴۶. مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، ملحقات احقاق الحق، قم، خیام، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه . ق.

۴۷. مطهری، مرتضی، داستان راستان، دفتر انتشارات اسلامی.

۴۸. مقیمی، محمد، فاطمه زهرا علیهاالسلام بنیان گذار مکتب اعتراض، تهران،انتشارات سعدی، بی تا.

۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، مشهد، انجمن محبان الفاطمه، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

۵۰. موگهی، عبدالرحیم، یاس عصمت، قم، فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.

۵۱. میرخلف زاده، علی، کرامات الفاطمیه علیهاالسلام (معجزات فاطمه زهرا علیهاالسلام بعد از شهادت و سوگ نامه)، قم، انتشارات حضرت معصومه، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۵۲. نادری، ناصر، بوی گل یاس، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۵۳. نصیرپور، محمد قاسم، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، جلد دوم، ۱۳۷۲.

۵۴. نیشابوری، حاکم، مستدرک الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۵۵. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، نجف، مطبعه الحیدریه، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ه . ق.

۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، زندگانی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، مشهد، انجمن محبان الفاطمه، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.

۵۰. موگهی، عبدالرحیم، یاس عصمت، قم، فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی تا.

۵۱. میرخلف زاده، علی، کرامات الفاطمیه علیهاالسلام (معجزات فاطمه زهرا علیهاالسلام بعد از شهادت و سوگ نامه)، قم، انتشارات حضرت معصومه، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۵۲. نادری، ناصر، بوی گل یاس، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۵۳. نصیرپور، محمد قاسم، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، جلد دوم، ۱۳۷۲.

۵۴. نیشابوری، حاکم، مستدرک الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.

۵۵. یعقوبی، احمد بن یعقوب، تاریخ یعقوبی، نجف، مطبعه الحیدریه، چاپ چهارم، ۱۳۹۴ ه . ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹